

فهرست عناوین

مقدمه	۴
فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری	۶
نگاه اول: مبانی و جهت‌دهنده‌های انقلاب اسلامی	۱۰
نگاه دوم: غایت و مسیر حرکت	۱۷
نگاه سوم: احیاگر	۱۹
نگاه چهارم: ماموریت‌ها	۲۱
فصل اول: توحید	۲۶
مقدمه	۲۶
ولایت	۳۱
اخلاق و معنویت	۴۰
معارف اسلامی و احکام	۵۴
استکبارستیزی	۵۷
فصل دوم: عدالت	۶۵
مقدمه	۶۵

۷۷.....	توزیع منصفانه حقوق و فرصت‌ها
۷۷.....	زیربار ظلم نرفتن و مبارزه با آن
۷۹.....	تلاش برای مقابله با شکاف طبقاتی
۸۱.....	فصل سوم: کرامت
۸۱.....	مقدمه
۸۳.....	آزادی
۸۸.....	استقلال
۹۳.....	شرافت
۹۵.....	احساس عزت و خودباوری
۹۹.....	بیداری
۹۹.....	غفلت
۱۰۵.....	آگاهی
۱۰۶.....	خودآگاهی
۱۰۸.....	دشمن آگاهی
۱۰۸.....	دشمن‌شناسی (دشمن نظام اسلامی کیست؟)
۱۱۳.....	دشمن بیرونی
۱۱۶.....	دشمنی‌شناسی

- ۱۱۶.....تهاجم فرهنگی
- ۱۱۸.....تخریب سرمایه فرهنگی
- ۱۲۷.....وارد کردن عناصر فرهنگی مورد نظر
- ۱۲۸.....استعمار فرانو

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران نظامی نوپا است که بر مبنای دین مبین اسلام بر اساس نظریه ولایت فقیه پا به عرصه وجود نهاده است. این نظام حکومتی مسئول پیگیری اموری است که بر اساس شرع مبین به عهده حکومت اسلامی گذاشته شده است، در حقیقت: حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است^۱. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در تعبیر خود، وظیفه اصلی حکومت اسلامی را امامت معرفی می‌نمایند:

... محققین دنیای اسلام در طول تاریخ همین معنا را احساس کرده‌اند و فهمیده‌اند از این حادثه و این عبارت پیغمبر. معلوم می‌شود که از نظر اسلام، مسئله‌ی حکومت فقط این نیست که یک قدرتی بیاید در رأس جامعه‌ی اسلامی قرار بگیرد و کارایی داشته باشد برای اداره‌ی حکومت و زندگی مردم با نظم و انضباط اداره بشود؛ مسئله فقط این نیست از نظر اسلام، بلکه حکومت در نگاه اسلامی معنای امامت دارد. امامت یعنی پیشوائی جسم و دل؛ هردو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره‌ی زندگی دنیائی و روزمره‌ی متعارف مردم نیست؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالا بردن فکرها و معنویتهاست. این معنای امامت است. اسلام این را میخواهد.

آنچه از این تعبیر و تعابیر بسیار صریحتر در این حوزه روشن می‌شود این است که دین مبین اسلام، در نگاه خود به چگونگی اداره جامعه، به هر دو بعد مادی و معنوی انسانها توجه ویژه‌ای دارد. الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی در ادبیات مقام معظم رهبری تاکید خاصی را بر این موضوع معطوف داشته است. پذیرش لزوم ایفای نقش حکومت در تکامل معنوی اعضای جامعه، جمله حوزه‌های مشترک بین نخبگان انقلاب اسلامی بوده است. از همین رو است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند اول اصل سوم خود، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را از جمله ماموریت‌های جمهوری اسلامی ایران بر شمرده است.

۱ - صحیفه نور ج ۲۱ صفحه ۹۸ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۱/۱۲/۰۳

در این چارچوب فکری، مسائل عقیدتی و معنوی و مشترکاتی که انقلاب اسلامی ایران بر اساس آنها شکل گرفته است در حوزه فرهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاید از همین‌رو باشد که موضوع فرهنگ همواره از جمله موضوعات بسیار مهم و مورد اشاره امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بوده است. بیانات ایشان نشان دهنده ارزش فرهنگ در دیدگاهشان می‌باشد:

- راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.^۲
 - عزیزان! فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه‌ی شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بی‌کاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع، کالبد بزرگ انسانی، است.^۳
- رویکردهای مختلفی برای تبیین چنین بیانیه ماموریتی مطرح شده است. یکی از این رویکردها که از پشتوانه قانونی و شرعی مناسبی نیز برخوردار است، نگاه از رویکرد ولی فقیه به این نظام است. قانون اساسی کشور وظیفه سیاست‌گذاری کلان نظام را به ولی فقیه سپرده است. همچنین بسیاری از نهادهای بزرگ فرهنگی کشور زیر نظر مستقیم یا غیر مستقیم ولی فقیه اداره می‌شوند و بالطبع نظر ایشان در این حوزه‌ها از لحاظ قانونی صائب است. از نظر شرعی نیز بر اساس ولایت مطلقه فقیه، نظر ولی فقیه در تمامی حوزه‌های نظام حجت است و همه اعضای جامعه مکلف به پیاده کردن آنها هستند. هنگامی که به جایگاه فرهنگ در دیدگاه ایشان توجه کنیم این اهمیت پر رنگتر نیز می‌شود. علاوه بر این موارد باید توجه داشت که با توجه به اشرافی که مقام معظم رهبری(مد ظله) بر کل نظام دارند، تصویر ایشان از وضعیت فرهنگ کشور تصویری جامع‌تر است و مقید به یک قوه یا نهاد خاص نیست. از این‌رو طبیعی است که نظر ایشان از نظر دیگر مسئولان نظام در این زمینه کاملتر باشد.

۲ - صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۹۷ تاریخ ۱۳۴۳/۰۶/۱۸

۳ - بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۷

مقام معظم رهبری (مد ظله) به عنوان سیاست‌گذار کلان کشور بارها و در سخنرانی‌های مختلف به موضوع فرهنگ، اهداف کلان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلان نظام در دستیابی به این اهداف و جایگاه سازمان‌های مختلف فرهنگی کشور در اجرای این سیاست‌ها اشاره نموده‌اند. با این حال تاکنون با نگاه سیستمی به این بیانات نگاه نشده است.

در یک جایگاه کلان مدیریتی، مدیران عالی به تبیین اهداف عالی سازمان خود می‌پردازند و سیاست‌های خود را برای دستیابی به این اهداف بیان می‌کنند. در هنگام اجرای این سیاست‌ها، این مدیران در تماس با مجموعه‌های مختلف مأموریت آنها را در دستیابی به این اهداف بیان می‌کنند و عملکرد آنها را زیر نظر می‌گیرند و در صورت انحراف آنها از مأموریت‌های محوله به آنها تذکر می‌دهند. این کار می‌تواند به صورت مدون یا شفاهی صورت گیرد.

در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران، رهبری انقلاب این وظیفه را در تمامی حوزه‌ها بر عهده دارد. این بحث‌ها در موارد متعدد و دیدار با اقشار مختلف مسئولین و مردم بیان شده است اما در هنگام تدوین، این بیانات تنها به صورت پراکنده و بر اساس فهرست جلسات جمع‌آوری شده است (هر چند در برخی از حوزه‌های خاص به بررسی نظرات رهبری در موضوعی خاص پرداخته شده است). ضعف این رویکرد این است که پژوهشگران و نیروهای اجرایی را از درک کامل نگاه ایشان به فرهنگ محروم می‌کند و هنوز یک بیانیه مأموریت جامع برای فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران تدوین نشده است.

این نوشته به دنبال ایجاد تصویری صحیح از بیانیه مأموریت جامع برای فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) می‌باشد.

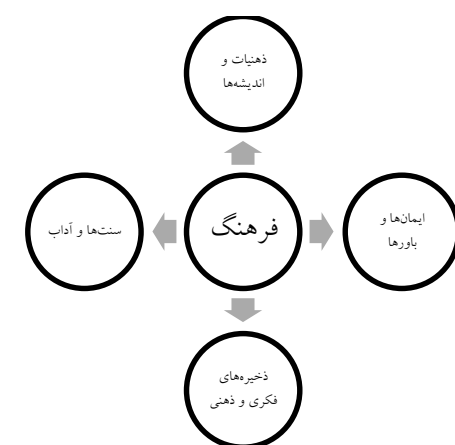
فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری

اولین و مهمترین سوالی که در ابتدای این پژوهش مطرح می‌شود این است که:

- تعریف فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟

برای پاسخ به این سوال، بیانات معظم له مورد بررسی دقیق قرار گرفت. تعاریف مختلفی از فرهنگ در بیانات ایشان یافت می‌شود، با این حال به نظر می‌رسد که تعریف ذیل، کاملترین و رساترین تعریفی باشد که از ایشان در مورد فرهنگ ارائه گردیده است:

فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت از ذهنیات و اندیشه‌ها و ایمان‌ها و باورها و سنت‌ها و آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است (دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲).



نگاره ۱: ابعاد فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری

البته باید توجه داشت که این تعریف، یک تعریف مفهومی است و به مصادیق فرهنگ نظام اشاره‌ای نمی‌کند. دستیابی به این ابعاد نیازمند بررسی دقیق نظرات معظم له می‌باشد. برای این منظور، پاسخگویی به سوال بعد ضروری است:

- وجه متمایز مصادیق فرهنگ نظام مقدس جمهوری اسلامی چیست؟ و چگونه می‌توان این مفاهیم را شناسایی نمود؟

برای پاسخ به این سوال، مروری بر نظرات معظم له در مورد فرهنگ و جایگاه آن به عنوان عامل اصلی هدایت این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد:

- ... بنابراین دغدغه فرهنگی، ناشی از دغدغه نسبت به انسانیت انسان و نسبت به اهداف والای انسانی و نسبت به آن چیزهایی است که حقیقتاً می‌خواهیم به آنها دست پیدا کنیم و برای آنها تلاش می‌کنیم و برای آنها زنده هستیم (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹)
 - ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم ... فرهنگ هر کشور بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگ است. فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت، تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش؛ این‌ها تشکیل دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است؛ اینهاست که یک ملت را شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند، یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند. فرهنگ عنصر خیلی مهمی است. ما نمی‌توانیم از فرهنگ و رشد فرهنگی و پرورش فرهنگی صرف نظر کنیم (دیدار وزیر علوم و روسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳)
 - من فرهنگ را در سه عرصه به طور مهم و عام مشاهده می‌کنم ... اول در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است، یعنی فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی یا در تولید نقش دارد ... بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری جریان دارد دوم، فرهنگ به عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن حاکم است ... عرصه سوم، فرهنگ به عنوان سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱)
- با بررسی عبارات فوق روشن می‌شود که:
۱. فرهنگ بستر اصلی دیگر حوزه‌های کشور است و دیگر حوزه‌ها بر اساس ویژگی‌های حوزه فرهنگ می‌توانند به فعالیت پردازند. در حقیقت فرهنگ، عامل جهت‌دهنده به دیگر حوزه‌ها حکومت و جامعه است.

۲. مفاهیم فرهنگی را باید در فضای خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت، تفکراتش، ایمانش و آرمان‌هایش مورد بررسی قرار داد.

بر اساس عبارت فوق، برای دستیابی به مفاهیم فرهنگی مورد نظر در بیانات معظم له، باید موارد زیر را مورد بررسی قرار داد:

- آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
 - رفتارهای اجتماعی مطلوب اعضای جامعه اسلامی
- موضوع مهم دیگری که در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع همراهی پیوسته توجه به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در بیانات معظم له است. همانگونه که ایشان خود نیز اشاره می‌فرمایند:
- مردم، گروه‌ها و اجتماعات، باید از ضد ارزش‌ها اجتناب کنند. همه جا، چیزهایی هست که از نظر دین، مکتب یا آن تمدن یا فرهنگ خاص، مطرود و منفي است که باید کنار گذاشته شود. در عرف شرعی و دینی، به این ضد ارزش‌ها، «محرمات» یا امور مذموم و صفات زشت می‌گویند. همچنین، در همه جا، ارزش‌هایی هست که اگر مورد توجه قرار نگیرند و رعایت نشوند، نمی‌توان به هدف‌هایی که دین، تمدن و فرهنگ به آنها دعوت می‌کنند، رسید. اگر عده‌ای ارزش‌های فرهنگی یا دینی را دنبال کنند؛ مثلاً واجبات یا مستحبات را انجام دهند، اما از محرمات خودداری نکنند، به آن هدف‌ها نمی‌رسند. مثل این است که بیماری، داروی معالج را مصرف کند، اما از آنچه برای او مضر است، پرهیز ننماید. در این صورت، دارو برای او اثر مثبت یا لااقل اثر چشمگیری نخواهد داشت و به او بهبودی نمی‌بخشد. لذا وقتی ما با دیدگاه اسلام به مسأله نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در شرع مقدس اسلام، باید‌ها و نبایدها، هر دو در کنار هم ذکر شده است. اگر بخواهیم به هدف‌های اسلامی برسیم، لازم است هم باید‌ها را ملاحظه کنیم هم نبایدها را (صحن امام خمینی(ره)، مشهد الرضا، ۱۳۷۴).
 - در روایتی از امام صادق علیه‌الصلاه والسلام نقل شده است که فرمود: «ان بني امیه اطلقوا تعلیم الایمان، و لم یطلقوا تعلیم الکفر، لکی اذا حملوهم علیه لم یعرفوه» یعنی بنی‌امیه اجازه دادند که مردم ایمان را

یاد بگیرند و بفهمند ایمان چیست؛ اما اجازه ندادند که مردم بفهمند کفر و فسق چیست! چرا نگذاشتند مردم این را درست بفهمند؟ برای این که اگر خودشان رفتاری کردند که مردم را به سمت کفر و فسق سوق دادند، مردم نفهمند اینها چه کار می کنند، و مشتشان جلو مردم باز نشود. این، رفتار بنی امیه است؛ رفتار طاغوتهاست. گاهی برای خاطر دل مردم، یا تظاهر به هم ایمانی با مردم، اسمی از خدا می آورند؛ اما نمی گذارند در زندگی آنها، نبایدها بر طبق نظر خدا و اسلام، اندکی محو و نابود شود. زندگی شان آلوده است. این، رفتار طاغوتها و نقطه مقابل تعلیمات ائمه علیهم السلام است (همان).

بنابراین، واضح است که توجه به ارزش های فرهنگ و بی توجهی به ضد ارزش های فرهنگی نمی تواند نمای کاملی را از فرهنگ مطلوب در جامعه اسلامی فراهم نماید. برای دستیابی به این منظور، بررسی عواملی که در فرهنگ مطلوب جامعه اسلامی مذموم هستند نیز لازم است.

برای دستیابی به یک مدل جامع از بیانات معظم له، باید از زوایی مختلف به این بیانات نگریست. هر کدام از زوایای دید، مسئله مختلفی را برای جهت دهی فعالیت های فرهنگی نظام مطرح می کنند و همه این موارد در کنار همدیگر نگاهی جامع به مسئله برای مخاطب به وجود می آورند. نگاه های اصلی که می توان در این حوزه مطرح نمود عبارتند از:

۱. مبانی و جهت دهنده های انقلاب اسلامی

۲. غایت و مسیر حرکت

۳. احیاگر

۴. ماموریت ها

نگاه اول: مبانی و جهت دهنده های انقلاب اسلامی

فرهنگ مطلوب در نظام مقدس جمهوری اسلامی، برخاسته از سه مفهوم کلان دینی و انسانی است. توحید، عدالت و کرامت سه جزئی هستند که می توان آنها را معادل همه خواسته های انسان ها در طول تاریخ حیات بشر

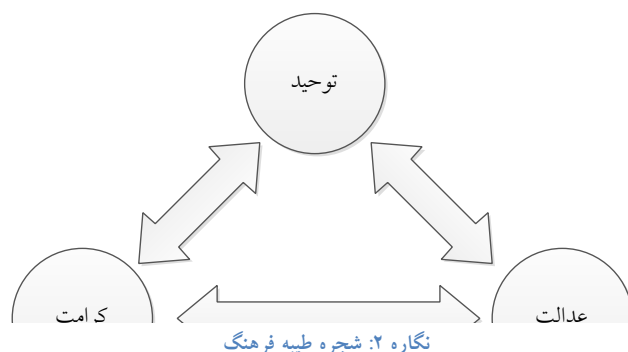
دانست. ادبیات دینی ما نیز بر فطری بودن گرایش به سمت این موارد تاکید دارد. از سوی دیگر نیز دین مبین اسلام به همه این موارد اشاره دارد و مومنین را به توجه به آنها دعوت می‌نماید. برای تبیین این مفاهیم از استعاره قرآنی شجره طیبه بهره گرفته شده است. همانگونه که در بخش دوم این رساله نیز مورد توجه قرار گرفت، شجره طیبه را می‌توان به مصادیق گوناگونی تاویل نمود که نظام مقدس جمهوری اسلامی، بسیج و ... از جمله نمونه‌های آن می‌باشند که در ادبیات امام راحل ره و مقام معظم رهبری مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این استعاره معانی مختلفی را در بر دارد که با قرار گرفتن استعاره شجره خبیثه در کنار آن، این معانی به شکل واضحتری بیان می‌شوند. برخی از این معانی عبارتند از:

۱. مقام معظم رهبری معتقدند که رابطه نظام با فرهنگ رابطه باغبان با درخت است که وظیفه آن رسیدگی و هرس نمودن آن می‌باشد. به عبارت دیگر، رشد درخت ذاتی خود او است و وظیفه باغبان رسیدگی و کنترل آن است. بنابراین، درخت فرهنگ درختی است که قابلیت برخورد دستوری و کنترلی بر آن وجود ندارد.

۲. همه موجودات برای دستیابی به کمال خود باید از نقصان دوری کنند و از همه نظر کامل باشند. آنچه که به عنوان شجره طیبه شناخته می‌شود درختی است که از همه نظر کامل است و ریشه و فرع و میوه خوب دارد. از سوی دیگر، همانگونه که وجود ضعف در یکی از ابعاد آن می‌تواند باعث کاهش جلوه و طیب بودن درخت شود، نقصان در یکی از بخش‌های آن می‌تواند باعث آسیب دیدن دیگر بخش‌ها شود. در حوزه ارکان فرهنگ، این امر به وضوح دیده می‌شود که ضعف در یکی از ارکان عدالت یا کرامت می‌تواند موجب آسیب دیدن اصل درخت یعنی توحید شود. توحید ظاهری و صوری نیز هرگز نخواهد توانست دیگر ابعاد فرهنگی یعنی کرامت و عدالت را موجب شود. بنابراین، در نگاه به درخت فرهنگ، در عین حال که باید تقدم و تاخرها را در نظر گرفت، باید به شکل همزمان به همه ابعاد نیز توجه داشت.

۳. یک درخت می‌تواند در یک دوره زمانی طیبه باشد و در یک دوره زمانی دیگر حالت خبیثه را به خود بگیرد. نکته جالب توجه در اینجا این است که همان درخت طیبه به درخت خبیثه تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ ما در جایی آسیب اصلی را خواهد دید که توحید و اسلام ناب آن به توحید و اسلام امریکایی تبدیل شود یا اینکه عدالت به عنوان پوسته‌ای برای نظام باشد. در چنین حالتی، ظواهر حفظ می‌گردد اما بنیان‌ها لگدمال می‌شود. نیم‌نگاهی به تاریخ پیش از انقلاب ایران و وضع موجود دیگر کشورهای منطقه نشان می‌دهد که دشمن، هیچگاه مستقیماً درخت فرهنگ کشورها را هدف قرار نمی‌دهد بلکه در ابتدا شجره طیبه فرهنگی را به شجره بی‌فایده و مزاحم خبیثه تبدیل می‌کند و پس از آن هرچه که می‌تواند از ملت‌ها سوء استفاده می‌کند.

۴. درخت به عنوان یکی از مفاهیم و ابزارهای مهم در طول تاریخ بشر مطرح بوده است. نگاه کوتاهی به قرآن کریم نشان می‌دهد که درخت در مواضع مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است: هبوط حضرت آدم علیه السلام به خاطر نزدیکی به درخت ممنوعه، نزول وحی بر حضرت موسی علیه السلام به واسطه درخت، پناه بردن حضرت مریم سلام الله علیها به درخت نخل در هنگام زایمان، بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زیر درخت در منطقه حدیبیه، درخت زقوم، درخت‌ها و باغ‌های بهشتی و موارد دیگر نشان می‌دهند که درخت از جمله موضوعات پرکاربرد در ادبیات دینی ما است.



توحید

توحید به معنای یگانگی قدرت حاکم بر زندگی انسان است. به تعبیر بهتر، توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر زندگی بشری و نفی ارزش‌های غیرالهی در آن؛ امری که در جمله شریفه لا اله الا الله به وضوح مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت جهان هستی و در ادبیات دینی ما، توحید به عنوان اصل و حقیقت همه چیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به توحید از جنبه‌های گوناگونی می‌توان نگریست. در ذیل ابعاد مختلفی که توسط مقام معظم رهبری در حوزه‌های مرتبط با توحید بیان گردیده است مورد اشاره قرار می‌گیرد.



نگاره ۳: ابعاد اصلی توحید

عدالت

عدالت، یکی دیگر از ارکان اصلی فرهنگ اسلامی است. تأکیدات بسیار فراوانی در مورد عدالت در ادبیات دینی ما وجود دارد. ارسال رسل در راستای برپایی عدالت، تأکید گسترده امیرالمومنین علیه السلام در مورد اجرای عدالت و ... از جمله این موارد به حساب می‌آید. این اهمیت تا آنجا پیش می‌رود که یکی از شاخصه‌های اصلی رشد جامعه، پیشرفت همراه با عدالت آن تعریف می‌گردد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: امروز مهمترین حرف نظام اسلامی عدالت است. امروز ما می‌خواهیم عدالت اجرا شود. همه تلاشها و مجاهدتها برای این است که در جامعه عدالت تأمین شود؛ که اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسانها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند. بنابراین عدالت محور همه چیز است.

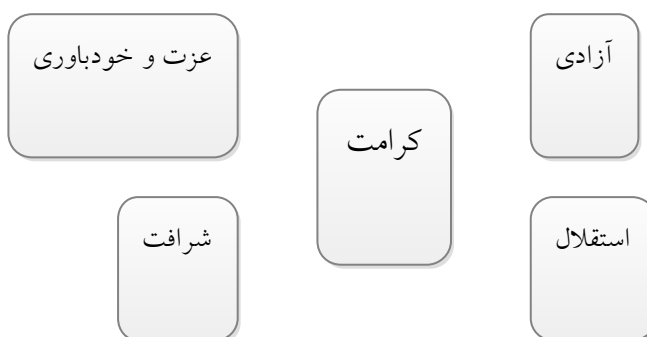
تعریف دقیق از عدالت در این ارکان نیازمند بررسی بیانات معظم له بوده است. بر اساس این بیانات می‌توان عدالت را در مولفه‌های گوناگونی تعریف نمود که نگاره ذیل این ابعاد را به نمایش می‌گذارد.



نگاره ۴: ابعاد اصلی عدالت

کرامت

کرامت یکی دیگر از ارکان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. بنا به تعبیر مقام معظم رهبری: جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز پیدا کند. منشا اصلی این کرامت را باید در تکریم انسان توسط خدای تعالی جستجو نمود. بر اساس تحلیل انجام شده در



نگاره ۵: ابعاد اصلی کرامت

طرح نمود. نگاره ذیل این

بیانات معظم له، موارد گونا

موارد را به نمایش می‌گذارد.

در این میان، همانگونه که در بخش‌های قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفت، ارتباطات مختلفی بین ابعاد اصلی این مدل وجود دارد. در این میان، مهمترین نقش را بعد توحید ایفا می‌کند. در صورتیکه بخواهیم نقش‌های اصلی هرکدام از زیرمجموعه‌های توحید را بررسی کنیم، با موارد ذیل مواجه خواهیم شد:

۱. ادبیات توحیدی انقلاب اسلامی، کاملاً مبتنی بر احکام و معارف اسلامی است. این احکام و معارف، در هرکدام از حوزه‌های مرتبط توحید، عدالت و کرامت، نقش معناساز و معنابخش را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، معارف اسلامی و احکام منبعث از مبادی توحیدی انقلاب اسلامی، زیربنای دانشی این انقلاب را شکل می‌دهند.

۲. بر اساس دیدگاه معظم له، اخلاق و معنویت یکی از ممیزات اصلی جامعه اسلامی و جامعه جاهلی است. بر این اساس، ممکن است جامعه‌ای با استفاده از قانون یا تحت تاثیر پیشرفت علم به منتهای شکوه برسد، اما تا هنگامی که اخلاق و فضایل اخلاقی در آن جامعه وجود نداشته باشد، جامعه مطلوبی که انسان‌ها به راحتی در آن زندگی کنند ایجاد نخواهد شد. بر این اساس، تحقق عدالت و کرامت مد نظر اسلام نیز کاملاً تحت تاثیر حاکمیت اخلاق و معنویت بر جامعه خواهد بود. در این حالت، وجود اخلاق و معنویت در سطح جامعه و بین افراد، شرط لازم تحقق عدالت و کرامت نیز خواهد بود.

۳. یکی دیگر از مبانی که توحید برای دو حوزه دیگر ایجاد می‌کند، استکبارستیزی است. بر این اساس، تحقق کرامت در جامعه، زمانی که منجر به از بین رفتن استقلال و اختیار مردم جامعه شود و زندگی آنها را تحت تاثیر مستکبرین قرار دهد، کرامت مطلوب اسلام نیست. همچنین، عدالت نیز بدون شناخت ظلم و ظالم و بدون مقابله با ظالمین و صرفاً اکتفا به تلاش برای طراحی سیستم عادلانه قابل پیاده‌سازی نیست.

۴. در این میان، شاید مهمترین تاثیر توحید را باید ذیل عنوان ولایت بررسی کرد. ولایت با همه توصیفاتی که از آن می‌شود، نقش مهمی در پیاده‌سازی همه جنبه‌های مورد نظر اسلام دارد. برخی از مهمترین

کارکردهای آن را باید در تعیین جهت‌گیری، ایجاد وحدت و از بین بردن بی‌نظمی و بلبشو جستجو نمود. بدون ولایت، پیاده‌سازی همه ابعاد توحید، عدالت و کرامت با چالش‌هایی مواجه خواهد شد که زمینه‌ساز اختلاف و انحراف را فراهم خواهد نمود.

طبیعی است که با اصل بودن توحید، همه حوزه‌های دیگر تحت تاثیر آن قرار گیرند. اما آیا بعد توحید نیز تحت تاثیر دیگر ابعاد قرار می‌گیرد؟ نشانه‌های مختلفی بر این امر وجود دارد:

۱. در زمینه عدالت، معظم له، می‌فرمایند: اگر عدالت نباشد، هیچ‌چیز در جامعه نیست! عدالت جزء غیرقابل تفکیک نظام اسلامی است و معظم له در جایی آن را مهمترین ارزش در جامعه می‌شمرد. از این‌رو، جایگاه ادعای پیاده‌سازی احکام اسلامی وجود داشته باشد اما مردم شاهد بروز فساد و بی‌عدالتی در جامعه باشند، نظامی اسلامی را شاهد نخواهیم بود.

۲. عدم توجه به کرامت مردم نیز تبعاتی از این دست را به دنبال دارد. یکی از اهداف کلان بیگانگان، از بین بردن هویت ملی و تحقیر ملت‌ها است. واضح است افراد تحقیر شده که نه خودباوری دارند، نه ارزشی برای داشته‌های خود قائلند و نه ... نمی‌توانند به سمت معنویت، استکبارستیزی و پیاده‌سازی احکام اسلامی حرکت کنند. آنها حتی نمی‌توانند پیروان خوبی برای ولی خود نیز باشند.

در این میان، نباید از رابطه متقابل بین عدالت و کرامت غافل شد:

۱. تنها با مفاهیمی از سنخ استقلال، شرافت، آزادی و عزت است که افراد و ملت‌ها در قبال بی‌عدالتی حساس می‌شوند. اگر ملتی برای خود شرافت قائل نباشد، به راحتی در مقابل هر بی‌عدالتی سر خم می‌کند. از این‌رو، برای دستیابی به عدالت، باید احساس کرامت را در آحاد جامعه تقویت نمود.

۲. در طرف مقابل، این عدالت است که با بهره‌گیری از مفاهیمی مانند ظلم‌ستیزی، مقابله با شکاف طبقاتی و ... از سویی زمینه ایجاد کرامت در مردم را فراهم می‌کند و از سوی دیگر مانع از بین رفتن کرامت آحاد جامعه می‌شود.

نگاه دوم: غایت و مسیر حرکت

اگرچه مدل مفهومی فوق، فی نفسه نکات فراوانی را به نمایش می‌گذارد، اما زمانی می‌توان درک درستی از واقعیت ابعاد مختلف آن داشت، که درک درستی از فضای پیاده‌سازی این مدل در ذهن داشته باشیم. این فضا زمانی آشکار می‌شود که بتوانیم به این سوال پاسخ دهیم که:

ماموریت‌های اصلی در زندگی انسان‌ها چیست؟

بر اساس دیدگاه معظم له، اسلام در این زمینه از دو زاویه به انسان می‌نگرد که این دو زاویه مکمل یکدیگر به حساب می‌آیند. این دو زاویه عبارتند از:

- انسان به عنوان یک فرد: در این رویکرد، انسان موجودی است که از مسیر خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت می‌کند و در این مسیر از ظلمت خودخواهی به نور توحید وارد می‌شود. هدف این حرکت نیز رستگاری انسان است.
- انسان به عنوان یک کل و در قالب یک مجموعه انسانی: در این زاویه دید، انسان وظیفه مدیریت دنیا و آباد کردن آن را بر عهده دارد. در این رویکرد انسان‌ها وظیفه دارند استعدادها و بشمارای که در طبیعت قرار داده شده است را شناسایی و استخراج نمایند. این امر در مورد استعدادهای ذاتی انسان‌های مختلف نیز صدق می‌کند.

بنابراین انسان‌ها دو ماموریت اصلی را در دنیا دنبال می‌کنند:

۱. تربیت، تعالی، تزکیه و تطهیر خود

۲. ساختن دنیا

البته باید توجه داشت که این دو زاویه دید مکمل یکدیگر هستند نه متضاد یکدیگر و نتیجه هر دوی آنها رستگاری انسان خواهد بود. به عبارت دیگر، هر دوی این دو حوزه ثواب و عقاب را به دنبال خواهند داشت. با توجه به تعابیر معظم له می توان ترکیب این دو حوزه با یکدیگر را حیات طیبه نامید.

حال باید ارتباط غایت و مسیر حرکت را با الگوی شجره طیبه بررسی نمود. بر اساس این مدل، مبانی و جهت گیری های کلان اسلامی، در این دو حوزه تجلی می یابد. تجلی هرکدام از ابعاد سه گانه شجره طیبه در هرکدام از این دو حوزه متناسب با ویژگی های آن خواهد بود.

به عنوان مثال، در عرصه اخلاق و معنویات، بروز برخی از فضایل اخلاقی در سطح اول بیشتر است. از جمله این موارد می توان به توکل، رضا، اخلاص و ... اشاره نمود. گروه دیگری از این فضایل مانند زهد، برخورد نیکو، ادب و ... نیز بیشتر ناظر به حوزه دوم هستند.

همچنین عدالت نیز چنین وضعیتی پیدا می کند. عدالت در سطح فردی در حوزه عدالت فردی تعریف می شود و در سطح اجتماعی مولفه های دیگری همچون عدم پذیرش شکاف طبقاتی در آن تجلی پیدا می کند.

مثال های متعددی از این امر را می توان در هرکدام از حوزه های فوق یافت. مهم این است که دریابیم تجلی هرکدام از ابعاد سه گانه شجره طیبه فرهنگ، در هرکدام از این دو حوزه متفاوت خواهد بود.

اما سوال مهمی که در اینجا رخ می نماید این است که رابطه این دو سطح و تجلیات شجره طیبه فرهنگ در آنها چیست؟ بر اساس دیدگاه معظم له، می توان رابطه ای دو طرفه را بین این دو سطح متصور شد. به مثال ذیل توجه کنید:

عدالت فردی، مبنای عدالت اجتماعی است. اگر عدالت فردی در کسی نهادی نشده باشد، نمی توان امیدی به تحقق عدالت اجتماعی توسط او داشت. از سوی دیگر، وجود عدالت اجتماعی، زمینه ای مساعد برای رشد

فضائل و اخلاقیات در جامعه می‌سازد که شاید بدون وجود آن، امکان رشد فضایل به شکل کامل وجود نداشته باشد. این امر در مورد کرامت نیز صدق می‌کند، همانگونه که فرموده‌اند: کاد الفقر این یکون کفرا.

نگاه سوم: احیاگر

سوال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا بسیاری از جوامع اسلامی، با وجود موصوف بودن به نام شریف اسلام، در بسیاری از حوزه‌های فوق با چالش اساسی مواجه هستند؟ چرا در ایران، با وجود سابقه گسترده تمدن اسلامی و بهره‌مندی از معارف روشنائی‌بخش تشیع، اتفاقی مانند انقلاب اسلامی تنها در این برهه از تاریخ اتفاق می‌افتد؟ اگر بخواهیم این سوال را به شکل ایجابی مطرح کنیم باید پرسیم چه عواملی باعث احیای چرخه شجره طیبه و تجلی آن در ابعاد تکاملی و دنیاسازی افراد می‌شوند؟

در بیانات معظم له، مهمترین مفهومی که در این زمینه کاربرد دارد، مفهوم بیداری است. بیداری که تلفیقی از خودشناسی و دشمن‌شناسی است، خود برخواسته از چرخه شجره طیبه است و تحت تاثیر توحید، عدالت و کرامت ایجاد می‌شود. برخی از زمینه‌های ایجاد بیداری تحت تاثیر این عوامل عبارتند از:

- روحیه استکبارستیزی منبعث از توحید، نقش مهمی در مواجهه افراد با انواع مختلف دشمنان دارد. این روحیه باعث می‌شود تا همواره مسلمین نسبت به مستکبرین حساس باشند. این امر نقش مهمی در بیداری انسان‌ها دارد.
- از جنبه ایجابی نیز، آشنایی با احکام و معارف اسلامی، نقش مهمی در شناخت وظایف و ماموریت‌ها و در نتیجه بیداری انسان‌ها دارد.

- معظم له بارها در تبیین انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی رخ داده در کشورهای عربی، بر نقش بی‌عدالتی و فساد در این زمینه تاکید کرده‌اند. از آنجا که نگرش انسان به عدالت را می‌توان نگرشی فطری دانست، استمرار بی‌عدالتی یا گستردگی آن، می‌تواند موجبات بیداری انسان‌ها را فراهم آورد.

- همچنین، تحقیر کرامت انسان‌ها در جوامع نیز نقش مهمی در بیدار کردن آنها ایفا می‌کند.

در صورت تحقق بیداری، انسان‌ها و جوامع شاهد دو تحول مهم خواهند بود:

- بیداری نقش مهمی در راه‌اندازی چرخه شجره طیبه دارد. بیداری منبث از توحید، می‌تواند موجب جلب توجه مسلمین به عدالت و کرامت که هر دو برخاسته از توحید هستند نیز می‌شود. همانگونه در انقلاب‌های اخیر نیز مشاهده شد، بیداری ناشی از بی‌عدالتی، حرکت جوامع اسلامی به سمت توحید را نیز در پی داشت.

- بیداری نقش مهمی نیز در متجلی‌ساختن چرخه شجره طیبه در دو حوزه تکامل فردی و آبادی دنیا دارد. در حقیقت، نتیجه عمده بیداری، تجلی یافتن این مفاهیم در عرصه عمل است.

در این میان، کرامت نقش مهم دیگری نیز ایفا می‌کند. کرامت با تکیه بر مفاهیمی از قبیل عزت و خودباوری، راه را برای احساس توانستن در انسان‌ها و شروع به کار آنها برای پیاده‌سازی مفاهیم در دو حوزه تکامل فردی و آبادی دنیا باز می‌کند. در صورتیکه چنین مفاهیمی وجود نداشت، به احتمال فراوان، بروز بسیاری از جنبش‌ها غیر ممکن بود.

در جمع‌بندی باید بیان داشت که عامل اصلی احیای شجره طیبه و پیاده‌سازی آن در زندگی، بیداری و ابعاد اصلی آن یعنی خودآگاهی و دشمن‌آگاهی است.

نگاه چهارم: ماموریت‌ها

مکانیزمی که در بالا تشریح شد، ابعاد اصلی نگاه اسلامی به فرهنگ از دیدگاه معظم له را تشریح می‌کند. در این میان، با بررسی دیدگاه معظم له در زمینه فرهنگ، ماموریت‌های اصلی نظام اسلامی در حوزه فرهنگ را می‌توان در دو ماموریت ذیل خلاصه نمود:

۱. **اقتدار فرهنگی:** آنچه به عنوان شجره طیبه فرهنگ مطرح شد، بیان‌کننده آرمان‌ها، جهت‌گیری‌های کلان و فلسفه وجودی نظام اسلامی است. پیاده‌سازی این آرمان‌ها مهم‌ترین خواسته نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی است. اما مسیر حرکت به سمت این آرمان‌ها از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار است. در مقابل این پیچیدگی‌ها چگونه باید عمل نمود؟ و چه عواملی باعث حرکت سریع‌تر و دقیق‌تر ما می‌شوند و جامعه اسلامی را در مقابل تهدیدات پیش رو مصون می‌دارد؟ مجموعه مفاهیمی که در کنار یکدیگر به این سوال پاسخ می‌دهند چیزی است که در دیدگاه معظم له از آن به اقتدار فرهنگی تعبیر می‌شود:

اقتدار فرهنگی هم همین‌طور است؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰

برای اینکه درک درستی از مفهوم اقتدار به دست بیاید، باید بیانات ایشان در خطبه فوق در زمینه اقتدار و عزت جامعه اسلامی را یادآوری نمود:

شاخص ششم، اقتدار و عزت است. جامعه و نظام نبوی، توسری‌خور، وابسته، دنباله‌رو و دست‌حاجت به سوی این و آن درازکن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را پیش می‌برد.

بنابراین می‌توان جامعه مقتدر از نظر فرهنگی را اینگونه توصیف نمود:

۲. توانمند در شناسایی مصالح

۳. عدم پیروی بیجا و ناشی از ترس یا احتیاج به دیگر جوامع

۴. دارای توانمندی اثرگذاری بر دیگر جوامع

۵. دارای عزت و خودباوری در زمینه تصمیم‌گیری و پیگیری تصمیمات

مفاهیمی از قبیل جهاد فرهنگی، استقلال فرهنگی و صدور انقلاب در راستای مأموریت اقتدار فرهنگی نظام تعریف می‌شوند.

اما دشمنی که اقتدار فرهنگی در راستای مقابله با آن تعریف می‌شود کیست؟ با توجه به دسته‌بندی و نگاه‌های قبلی، باید دشمن را فرد، گروه یا جمعیتی تعریف نمود که در راستای نفی یکی از ابعاد تعریف شده در نگاه‌های سه گانه فعالیت می‌کند.

۲. ارتقای فرهنگی: مکانیزمی که در سه نگاه اول مطرح گردید، مجموعه‌ای از روابط است که با به حرکت در آوردن آنها، می‌توان به شکل مستمر فرهنگ جامعه را بهبود بخشید و حرکت به سمت حیات طیبه را تسهیل نمود. برخی از مواردی که در راستای ارتقای فرهنگی توسط معظم له اشاره شده است در ذیل مطرح گردیده است.

مسیر ارتقای فرهنگی

مقام معظم رهبری، یک مسیر پنج مرحله‌ای برای تحقق اهداف اسلامی ترسیم نموده‌اند. این مسیر از ابعاد زیر تشکیل می‌شود:

- انقلاب اسلامی: مرحله تحول اولیه در ارزش‌ها که ساده‌ترین مرحله در این فرآیند به حساب می‌آید.
- تشکیل نظام اسلامی: در این مرحله مهندسی کلان نظام اسلامی شکل می‌گیرد و ساختارها در آن روشن می‌شود. این مرحله و مرحله قبل از آن در زمان ما به وقوع پیوسته‌اند.
- ایجاد دولت اسلامی: منظور از دولت اسلامی این است که همه کارگزاران نظام نیز منش و رفتار اسلامی پیدا نمایند و اقامه دین خدا در کشور به شکل جدی دنبال شود.
- ایجاد کشور اسلامی: در این مرحله ابعاد مختلف آرمان‌های مورد نظر مانند عدالت در سطح جامعه پیاده می‌شوند.

- ایجاد دنیای اسلام: در صورتیکه که کشور اسلامی ایجاد شد، خود به الگو تبدیل می‌شود و آنگاه نظایر آن در دنیا به وجود می‌آید.

همانگونه که مشاهده می‌شود، این مسیر بر اساس یک زیربنای فرهنگی گسترده ایجاد می‌شود. نگاره ذیل مسیر ارتقای فرهنگی را به تصویر می‌کشد.



نگاره ۸: مسیر ارتقای فرهنگی

چشم‌انداز ارتقای فرهنگی

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، دو چشم‌انداز برای ارتقای فرهنگی وجود دارد که در طول یکدیگر قرار دارند:

- مرحله اول تا رسیدن به حالت یک انسان اسلامی کامل، یا رسیدن جامعه به یک شکل اسلامی کامل.
- مرحله دوم - که البته مقطع و خط و مرز زمانی ندارد و مشخص نیست از کجا آغاز می‌شود، تا همیشه، و تا «الی الله المصیر» و تا «انا لله و انا الیه راجعون» دوام می‌یابد و تمام شدنی نیست.

الگوی ارتقای فرهنگی

الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی موضوعی است که در طول سالیان گذشته مورد مطالبه مقام معظم رهبری بوده است. در این الگو، اولاً از تقلید صرف اجتناب می‌شود و تنها در مواردی که ممکن باشد، از محصولات مفید غربی‌ها استفاده می‌شود و ثانیاً، معنویت و اخلاق نقش مهمی در این الگو بازی می‌کند. با استفاده از بحث‌هایی که در قسمت‌های قبلی مطرح شد می‌توان بیان داشت که معنویت و اخلاق از یک‌سو و بیداری از سوی دیگر

از جمله عوامل مهم ایجاد تمایز بین این الگو و الگوهای رایج غربی باشد. الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی متناسب با نیازها و توانایی‌های جامعه تدوین می‌شود و پاسخگوی نیازهای همین جامعه نیز هست. به نظر می‌رسد که توجه به ارکان شجره طویه فرهنگ بتواند رهنمودهای مناسبی برای تدوین این الگو فراهم نماید، چه اینکه شخص مقام معظم رهبری نیز دهه چهارم انقلاب اسلامی را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری نموده‌اند که می‌تواند ناظر به نقش عدالت در الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی باشد.

ابزارهای ارتقای فرهنگی

ابزارهای مختلف و اثرگذاری در حوزه ارتقای فرهنگی توسط مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته‌اند. برخی از این ابزارها عبارتند از:

- مهندسی فرهنگی: مهندسی فرهنگ این است که با رویکرد سیستمی اجزاء فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها بخوبی تنظیم شود. ضعف‌های اجزاء و روابط آنها برطرف شود. یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درونی و ضرورت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه بوجود می‌آید، چگونه باید باشد؟ فرهنگ هدف کدامست؟ اشکالات و نواقص‌اش چیست؟ چگونه باید رفع شود؟ فرهنگ موجود کدامست؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که اینها را تصویر کند.

- اصلاح فرهنگی: شناسایی مشکلات بلند مدت فرهنگی و تلاش برای تصحیح آنها
- تبادل فرهنگی: جذب عناصر فرهنگی مفید موجود در دیگر فرهنگ‌ها
- علم‌آموزی: توسعه دانش به عنوان عاملی مهم در ایجاد عزت و بیداری
- تعلیم و تربیت: تعلیم و تربیت هدفدار اعضای جامعه برای دستیابی به آرمان‌های مطلوب

بخش دوم: ارکان شجره طیبه فرهنگ اسلامی

فصل اول: توحید

مقدمه

در ادبیات عامه توحید را به عنوان یگانه بودن خدای تعالی و نبودن شریک برای او تعریف نموده‌اند. اگرچه این تعریف در کنه خود معانی فراوانی را به دنبال دارد، اما در این قالب ساده بسیاری از مفاهیم را نیز به خوبی نمایش نمی‌دهد. توحید به معنای یگانگی قدرت حاکم بر زندگی انسان است. به تعبیر بهتر، توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر زندگی بشری و نفی ارزش‌های غیرالهی در آن؛ امری که در جمله شریفه لا اله الا الله به وضوح مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت جهان هستی و در ادبیات دینی ما، توحید به عنوان اصل و حقیقت همه چیز مورد توجه قرار می‌گیرد. شاید از همین رو باشد که معظم له بخش اعظم حرف نو مطرح شده توسط انقلاب اسلامی را توحید می‌دانند:

چون انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرف نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۱۲

در حقیقت، جمهوری اسلامی برای اعلای کلمه حق و احیای کلمه توحید برپا شده است:

چون این بنا برای اعلای کلمه حق و احیای کلمه توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه‌ای داریم و این مسئولیت را احساس می‌کنیم، در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. دیدار هیأت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۸۱

از سوی دیگر، ایشان معتقدند که توحید یکی از سه رکنی است که پیشرفت یا عدم پیشرفت جامعه بر اساس آنها تعیین می‌شود:

عزیزان من! این سخن نو - توحید، کرامت انسان و عدالت اجتماعی - در دنیا جا باز کرد؛ اینها سه رکن اصلی است. ما باید همه عقب‌ماندگیهای خود را در این سه رکن، عقب‌ماندگی بدانیم. هرچه شخصیت و رفتار ما مسئولان از رفتار توحیدی فاصله بگیرد و احترام ما به زندگی، شخصیت، هویت و عزت مردم کاهش پیدا کند و به هر مقدار که شکافهای طبقاتی علاج نشود و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور دنبال نگردد، این عقب‌ماندگی است. باید همه تلاش ما این باشد که عقب‌ماندگیها را جبران کنیم؛ فضای جامعه هم باید این چنین باشد. این که گاهی به بعضی کسان - مسئولان و دیگران - هشدار می‌دهم، به‌خاطر همین نقطه نظر است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ۸۲

از دیدگاه معظم له، توحید اولین بخش از پیام اسلام برای جهانیان است که امروز همه تشنه آن هستند: امروز ما آثار تشنگی بشریت را به پیام اسلام - که پیام توحید است، پیام معنویت است، پیام عدالت است، پیام کرامت انسان است - احساس می‌کنیم. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام ۷۹

نکته مهم دیگری که در زمینه توحید وجود دارد این است که توحید اولین ضابطه جداسازی دنیای اسلام از دنیای کفر است:

چند نکته در این ضابطه‌ای که دنیای اسلام را از دوران جاهلیت جدا می‌کند، وجود دارد که اینها نکات اصلی ارزشهای اسلامی است.

در درجه اول، توحیدِ خالص است که توحیدِ خالص، یعنی نفیِ عبودیتِ غیرخدا. این آن توحیدِ خالص است. توحید، فقط این نبود که بتها را کنار بگذارند. توحید یک معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. همیشه که بتهای مکه وجود ندارند. همیشه که بتِ سنگی و چوبی وجود ندارد. معنا و روح توحید عبارت است از این که انسان از غیرخدا عبودیت نکند و در مقابلِ غیرخدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیتِ کامل و خالص است. حال شما اگر با چشم روشن بینانه و آگاهانه و مسلح به دانشهای مربوط به زندگی بشر - علوم اجتماعی و علوم تربیتی و امثال ذلک - به این عنوان نگاه کنید، خواهید دید که دایره عبودیت، دایره وسیعی است. قید و بندهایی که به بشر بسته می‌شود، هر یک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می‌آورد. عبودیتِ نظامهای اجتماعی غلط، عبودیتِ آداب و عادات غلط، عبودیتِ خرافات، عبودیتِ اشخاص و قدرتهای استبدادی، عبودیتِ هواهای نفسانی - که این از همه رایجتر است - و عبودیتِ پول، زر و زور. اینها انواع عبودیت است. وقتی می‌گوییم «لا اله الا الله، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه این عبودیتها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد. این که فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، این فلاح یک فلاح حقیقی است. فقط فلاح سیاسی نیست، فقط فلاح اجتماعی نیست، فقط فلاح معنوی نیست، فقط فلاح روز قیامت نیست؛ بلکه فلاح دنیا و آخرت است. این یک نکته در باب مایزهای اسلام و نکات برجسته دعوت اسلامی که به یک تعبیر دیگر هم می‌شود بیانش کرد و آن عبارت است از اسلام، تسلیم، «اسلام وجه الله» و تسلیم خدا بودن. این هم یک جانب دیگر و یک بُعد دیگر همان توحید است. این مثلاً یکی از آن ممیزه‌های دعوت اسلامی است. هر جا این باشد، اسلام است. هر جا نقطه مقابلِ این باشد، جاهلیت است. هر جا بین این دو قرار داشته باشد، بین اسلام و جاهلیت است؛ اسلام خالص نیست، اسلام کامل نیست، اسلام نیمه‌کاره ممکن است باشد. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث

۱۳

به خاطر همین اهمیت توحید است که ایشان خواستار رواج توحید به معنای حقیقی این کلمه می‌باشند تا اسلام و آرمان‌های آن به درستی رواج پیدا کند:

امروز پرچم اسلام را جمهوری اسلامی بلند کرده است. یعنی پرچم بعثت را. یعنی همین ارزشها را که در بعثت هست و باید در تأمین آنها بکوشد. اگر قرار باشد که به اسم اکتفا کنیم، این دیگر اسلام نیست. باید توحید به معنای حقیقی کلمه و تسلیم در مقابل پروردگار رواج پیدا کند. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۷۳

از همین رو است که اگر توجه به توحید در جامعه اسلام به حدی بیتفاوتی یا بی عقیدگی مردم برسد، دیگر وجود حکومت اسلامی معنادار نیست:

انقلاب عظیم ما بر این مناسبت و اساساً برای همین به وجود آمده است. نمیشود ما فرض کنیم مردم یک جامعه نسبت به اسلام، توحید اسلامی و مبانی اسلامی یا وظایف اسلامی و هدفها و آرمانهای اسلامی بیتفاوت و یا بی اعتقاد باشند و یک حکومتی هم بر مبنای این فکر که فکر اسلامی است تشکیل شود و بر این جامعه حکومت کند. این اصلاً دور از طبیعت و روح اسلام است شاید بعضی از مکتبها چنین چیزی را برای خودشان تصوّر می کنند. دومین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (دومین سمینار بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام) ۶۵

بنابراین، از دیدگاه مقام معظم رهبری، توحید تنها یک اعتقاد ساده نیست بلکه:

- زمینه برپایی حکومت اسلامی است.
 - بخش اصلی حرف نوی انقلاب اسلامی است.
 - انقلاب اسلامی برای احیای کلمه توحید صورت گرفته است.
 - اصلی ترین معیار جداسازی دنیای اسلام از دنیای جاهلیت است.
 - پیامی است که دنیا تشنه آن است و باید به گوش جهانیان رسیده شود.
- و شاید از همین رو باشد که توحید:
- یکی از معیارهای مهم سنجش پیشرفت یا عدم پیشرفت جامعه است.

با توجه به اهمیت فراوان موضوع توحید که در سطور فوق بیان گردید، باید ابعاد مختلف این مفهوم را شناخت و مورد توجه قرار داد.

ولایت

ولایت به معنای حاکمیت خدا بر همه موجودات است. این حاکمیت در حوزه توحید بروز و جلوه پیدا می‌کند. به تعبیر مقام معظم رهبری:

ولایت یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک جامعه اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولی - متصل است (۲۹ آذر ۶۸). بر اساس باورهای دینی، ولایت مومنین مخصوص خدای تعالی است: الله ولی الذین امنوا (سوره بقره، ۲۵۷)، و او است که مومنین را از تاریکی خارج و به نور می‌رساند و ولایت الهی در قالب اولیاء خاص خدا تجلی پیدا می‌کند: النبی اولی بالمومنین من انفسهم (سوره احزاب، ۶).

بر اساس نظر مقام معظم رهبری حکومت اسلامی، وظیفه امامت جامعه را بر عهده دارد و در بیان ایشان تفاوتی بین زمان ظاهر بودن امام معصوم علیه السلام یا غیبت ایشان یافت نمی‌شود:

یک بُعد این مسئله، مسئله‌ی جهت اسلام و سمتگیری حرکت اسلامی است که این جزو اعتقادات ماست؛ این جنبه‌ی ولایت است، اعتقاد به مسئله‌ی امامت و نصب امام از سوی پیغمبر یعنی در واقع از سوی خداوند متعال. این یک بُعد قضیه است، که اگر با چشم تحقیق مسلمین به این حادثه نگاه کنند، همه این معنا را تصدیق خواهند کرد که این حرکت عظیم پیغمبر در میانه‌ی راه حج، برگشت از حج، در وسط بیابان، در سال آخر عمر، با آن مقدمات، با آن مؤخرات، نام بردن از امیرالمؤمنین، معرفی کردن امیرالمؤمنین به اینکه «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، هیچ معنایی جز تعیین خط حکومت و ولایت در اسلام بعد از رحلت پیغمبر اکرم ندارد. معنایش فقط همین است. محققین دنیای اسلام در طول تاریخ همین معنا را احساس کرده‌اند و فهمیده‌اند از این حادثه و این عبارت پیغمبر. معلوم می‌شود که از نظر اسلام، مسئله‌ی حکومت فقط این نیست که یک قدرتی بیاید در رأس جامعه‌ی اسلامی قرار بگیرد و کارائی داشته باشد برای اداره‌ی حکومت و زندگی مردم با نظم و انضباط اداره بشود؛ مسئله فقط این نیست از نظر اسلام، بلکه حکومت در نگاه اسلامی معنای امامت دارد. امامت یعنی پیشوائی جسم و دل؛ هردو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره‌ی زندگی دنیائی و روزمره‌ی متعارف مردم

نیست؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالا بردن فکرها و معنویتهاست. این معنای امامت است (عید غدیر خم، ۱۶).

به اعتقاد معظم له، معنای حقیقی حکومت اسلامی، همان ولایت است:

مسئله حکومت و نظام سیاسی و حاکمیت سیاسی، یکی از دشوارترین مسائل برای کشورهاست. بعضی کشورها دچار استبداد و دیکتاتوری اند؛ بعضی دچار حکومتهای فاسدند؛ بعضی دچار حکومتهای ضعیفند؛ بعضی دچار حکومتهای دست نشانده اند. اگر حکومت اسلامی به معنای حقیقی - یعنی همان ولایت - به عنوان شعار برای مسلمانان مطرح شود، علاج ضعف را هم می کند؛ علاج اقتصاد را هم می کند؛ علاج دست نشانده گی را هم می کند؛ علاج دیکتاتوری را هم می کند. بنابراین، پرچم ولایت، یک پرچم اسلامی است. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس ۷۹

از سوی دیگر، توجه به شعار ولایت که از نظر معظم له بین شیعه و سنی مشترک است می تواند بسیاری از گره های ناگشوده دنیای اسلام را باز کند:

اگر امروز مسلمانان جهان و ملت های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه های نرفته و گره های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.

اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس ۷۹

از همین رو است که امیرالمومنین علیه السلام مومنین را به سمت ولایت دعوت کرده اند:

می فرماید: «همه شما را وصیت می کنم.» به چه چیز؟ باز «بتقوی الله.» مجدداً «تقوا». اولین و آخرین کلمه امیرالمؤمنین، علیه السلام تقواست. به دنبال آن: «و نظم امرکم.» نظم امرتان. یعنی چه؟ یعنی همه کارهایی که در زندگی می کنید، منظم باشد؟ معنایش این است؟ ممکن است معنایش این هم باشد. فرمود «نظم امورکم.» کارهایتان را منظم کنید. فرمود «نظم امرکم.» آن چیزی که باید منظم و محکوم نظم و انضباط باشد، «یک چیز» است. «نظم امور» فرموده است. فرموده است: «نظم امرکم.» انسان می فهمد که این نظم امر، عبارت است از امری مشترک بین همه است. به نظر من می رسد که «نظم امرکم» عبارت از اقامه نظام و حکومت و ولایت

اسلامی باشد. معنایش این است که با قضیه حکومت و نظام، منطبق با نظم و انضباط رفتار کنید و بلبشو نباشد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴

بنابراین می‌توان بیان داشت که در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی باید به ایفای نقش امامت و ولایت بپردازد که این از سوی اهمیت نقش و جایگاه حکومت اسلامی را به معرض نمایش می‌گذارد و به مسئولین نظام جمهوری اسلامی گوشزد می‌کند که وظایف آنها بسیار سنگینتر از دیگر نظام‌ها است و از سوی دیگر این نکته را مشخص می‌سازد که در جامعه اسلامی، نوع نگاه به حکومت باید به شکلی تعریف شود که آن را قادر به ایفای نقش مورد نظر خود بنماید. نظام جمهوری اسلامی در این قالب وظیفه‌دار پیاده‌سازی احکام الهی در سطح جامعه است.

از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که ولایت در ادبیات دینی ما، علاوه بر جنبه حکومتی، جنبه عاطفی گسترده‌ای دارد و در حقیقت اگرچه عقاید از مسیر عقل پذیرفته می‌شوند اما اثر خود را بر دل انسان می‌گذارند. از این رو، هنگامی که از ولایت صحبت می‌شود، حتماً این بعد عاطفی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. توجه به جنبه عاطفی در ولایت اهل بیت علیهم السلام در بیانات مقام معظم رهبری به وضوح قابل مشاهده است:

ای حسین مظلوم! این حسین شهید! ما هم امروز در اول این سال نو، از اعماق وجودمان عرض می‌کنیم: «السَّلامُ عَلَیکَ یا ابا عبد اللّٰه، السَّلامُ عَلَی الْحُسَینِ الشَّهِید». شهادت تو، جهاد تو و ایستادگی تو، اسلام را رونق داد و دین پیامبر را جان تازه بخشید. اگر آن شهادت نبود، از دین پیغمبر چیزی باقی نمی‌ماند. امروز دل‌های ما هم مشتاق حسین بن علی (علیه السلام) و آن ضریح شش گوشه و آن قبر مطهر است. ما هم گرچه دوریم، ولی به یاد حسین بن علی و به عشق او سخن می‌گوییم. ما با خودمان عهد کرده‌ایم و عهد می‌کنیم که یاد حسین، نام حسین و راه حسین را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم. همه‌ی ملت ما، همه‌ی کشور ما، همه‌ی شیعیان عالم و بلکه همه‌ی آزادگان در سرتاسر جهان، یک چنین احساسی نسبت به حسین بن علی (علیه السلام) دارند. سخن جامع

رضوی ۸۵

ایشان دیگر افراد اثرگذار در این زمینه را نیز به توجه به عواطف مومنین نسبت به اهل بیت علیهم السلام فراخوانده‌اند:

اولین ویژگی باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت علیهم السلام را زیاد کنند. چون رابطه عاطفی، یک رابطه بسیار ذی‌قیمت است. شما، روحانیون، باید کاری کنید که محبت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روزه‌روز نسبت به حسین بن علی علیه السلام، خاندان پیغمبر و مناشیء معرفت الهی، بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده، در مجالس مذکور وضعی را به وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا، از لحاظ عاطفی به اهل بیت علیهم السلام نزدیک نشد، بلکه احساس دوری و بیزاری کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا، مضر هم بوده است. حال شما که مؤسس یا گوینده چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم، بر اثر حضور در این مجالس، نسبت به حسین بن علی علیه السلام و اهل بیت پیغمبر علیهم افضل صلوات الله روزه‌روز بیشتر شود. جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویر احمد» در آستانه ماه محرم ۷۳

با این حال، نباید، رویکرد معظم له به نقش اهل بیت علیهم السلام را صرفاً به مسائل عاطفی محدود ساخت، بلکه بررسی بیانات ایشان نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم السلام و تبعیت مومنین از آنها در حوزه‌های فراوانی مورد توجه قرار گرفته است. برقراری ارتباط و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام از جمله تاکیدات مکرر ایشان است:

به لطف و فضل الهی، در این راه گامهای زیادی برداشته شده است. اما برادران و عزیزان! ما در نیمه راهیم. اگر پیام امام حسین را زنده نگه می‌داریم، اگر نام امام حسین را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و بر آن ارج می‌نهمیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره امام حسین را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران ان شاء الله خواهد رسید. نام امام حسین علیه السلام را خدا بزرگ کرده است و حادثه کربلا را در تاریخ نگه داشته است. این که می‌گوییم ما بزرگ نگه‌داریم، معنایش این نیست که ما این کار را می‌کنیم؛ نه. این

حادثه عظیمتر از آن است که حوادث گوناگون دنیا بتواند آن را کمرنگ کند و از بین ببرد. خطبه‌های نماز جمعه

تهران ۷۹

از همین رو است که در مواقع مختلف، راه اهل بیت علیهم السلام و ویژگی‌های آنان مورد تاکید ایشان قرار گرفته است:

امام حسین علیه‌السلام در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قبل از حادثه کربلا، ده سال امامت و مسئولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلایی نمی‌کرد؛ اما به مجرد این که فرصت به او اجازه داد که آن کار مهم را انجام دهد، فرصت را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را از دست نداد. این سه خصوصیت، تعیین کننده است. در تمام ادوار نیز همین طور است؛ در انقلاب نیز همین گونه بود. امام ما هم که می‌بینید این قدر خدای متعال او را به مقام رفیع رساند - و رفعناه مکاناً علیاً (۲) - و علی‌رغم همه عوامل در سرتاسر دنیای مادّیت و استکبار که می‌خواستند او را محو کنند، به فراموشی دهند و کوچک کنند، او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود، علت همین بود که این سه خصوصیت را داشت: اولاً با اخلاص بود و برای خود چیزی نمی‌خواست؛ ثانیاً به خدای خود اعتماد داشت و می‌دانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد - به بندگان خدا هم اعتماد داشت - ثالثاً زمان و «موقع» را از دست نداد. در لحظه لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره لازم و حرکت لازم را کرد. دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۷۷

این، یک طرف. بهترین نمونه در نقطه مقابلش هم حسین بن علی علیه‌السلام است که در او، خودخواهی و خود و من و منافع شخصی و قومی و گروهی وجود ندارد. این، اولین خصوصیت نهضت حسین بن علی علیه‌السلام است. در آن کاری که انجام می‌دهیم، هر چه مایه اخلاص در من و شما بیشتر باشد، آن کار، ارزش بیشتری پیدا می‌کند. هر چه از قطب اخلاص دور شویم، به سمت قطب خودپرستی و خودخواهی و برای خودکار کردن و به فکر خود بودن و منافع شخصی و قومی و نظایر آن نزدیک شده‌ایم که یک طیف دیگر است. بین آن اخلاص مطلق و خودخواهی مطلق، یک میدان وسیع است. هر چه از آن جا به این طرف نزدیکتر شویم،

ارزش کار ما کمتر می‌شود؛ برکتش کمتر می‌شود؛ ماندگاری‌اش هم کمتر می‌شود. این، خاصیت این قضیه است. هر چه ناخالصی در این جنس باشد، زودتر فاسد می‌شود. اگر ناب باشد، هرگز فاسد نمی‌شود. حالا اگر بخواهیم به محسوسات مثال بزنیم، این آلیاژ اگر صددرصد طلا باشد، فاسد شدنی نیست؛ زنگ خوردنی نیست. اما به هر اندازه که مس و آهن و بقیه مواد کم قیمت داخل این آلیاژ باشد، فساد آن و از بین رفتنش بیشتر است. این یک قاعده کلی است. این، در محسوسات است. اما در معنویات، این موازنه‌ها بسیار دقیقتر است. ما به حسب دید مادی و معمولی، نمی‌فهمیم. اما اهل معنا و بصیرت، می‌فهمند. نقاد این قضیه، صراف و زرگر این ماجرا، خدای متعال است. «فان الناقد بصیر». اگر یک سرسوزن ناخالصی در کار ما باشد، به همان اندازه آن کار کم ارزش می‌شود و خدا، از ماندگاری آن می‌کاهد. جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و «یگان ویژه نیروی انتظامی» ۷۲

یکی از حوزه‌های مورد توجه در بیانات معظم له در زمینه اهل بیت علیهم السلام، موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ویژگی‌های ایشان است. از جمله موضوعات مهم مرتبط با مهدویت، انتظار فرج است که معظم له تلاش کرده‌اند تا تعبیر صحیحی از آن را ارائه دهند:

نکته‌ی بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ی است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک تازی می‌کنند و چپاولگری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج

می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» یا «ان الارض لّله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین». یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند. آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می‌کند. این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می‌کند و از دل‌مردگی و افسردگی آنها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه‌ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد. دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۸۴

نکته مهم دیگر در این زمینه، حضور و توجه قلب شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه است:

یک نکته‌ی دیگر در مسأله‌ی مهدویت این است که عقیده‌ی ما این است که امام زمان (ارواح‌نفاذ) متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه می‌شود. این جوان‌های مؤمن ما که در میدان‌های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در

میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال می‌کنند. این که مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاش‌شان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمی‌کنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی‌دهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می‌کنند؛ امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه‌ی شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولتمردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است.

دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۸۴



نگاره ۹: ولایت

بر اساس بیانات مقام رهبری، ولایت در جامعه اثرگذاری‌های مختلفی دارد که شاید مهمترین آنها در ایجاد رابطه با خدای تعالی و ایجاد وحدت بین مومنین خلاصه شود. به عبارت دیگر، همه داشته‌هایی که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن بنا شده است به واسطه ولایت الهی تعریف می‌گردد. نکته دیگر این است که رمز وحدت بین مردم کشور، در تبعیت آنها از ولایت الهی تجلی پیدا می‌کند و اگر وحدت بین مردم از راه‌های

دیگر تامین شد، رویکرد عالی نظام جمهوری اسلامی محقق نشده است. امر دیگری که شخص ایشان در بیانات خود به آن اشاره دارند این است که بنا بر نقش وحدت‌زای ولایت، هر جا اختلاف بین مومنین حاصل شد، قطعاً در آنجا شیطان و دشمن خدا حاضر هستند (۲۹ آذر ۶۸).

اخلاق و معنویت

اخلاق و معنویت از جمله موضوعاتی هستند که معظم له بارها و بارها در شرایط مختلف در مورد اهمیت آنها صحبت کرده‌اند و در مقاطع مختلف توجه به برخی از موضوعات اخلاقی و معنوی را مورد تاکید قرار داده‌اند. در دیدگاه ایشان، بخش عمده فرهنگ یک جامعه را عقاید و اخلاقیات مردم تشکیل می‌دهد:

به نظر ما این‌گونه است که بخش عمده‌ی فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته‌ی از همان عقاید است. در واقع عقاید یا اخلاقیات، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند و به وجود می‌آورند. خلیات اجتماعی، رفتارهای اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ و خلیات فردی، رفتارهای فردی را به وجود می‌آورند. بنابراین درست است که مقوله‌ی فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، لیکن اساس و ریشه‌ی فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم، و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۹

بررسی بیانات ایشان در مقاطع مختلف، جلوه‌های مهمی از اهمیت این موضوع را روشن می‌سازد.

۱- اخلاق و معنویت بخش مهمی از پیام اسلام و تفاوت آن با جامعه جاهلی هستند

اخلاق و معنویت بخش مهمی از پیامی است که رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله برای نجات بشر با خود آوردند:

خود آن حضرت، بنابر حدیث متواتر و معروف، فرمود: «بعثت لأتمم مكارم الاخلاق». بعثت با این هدف در عالم پدید آمد که مکرمت‌های اخلاقی و فضیلت‌های روحی بشر عمومیت پیدا کند و به کمال برسد. دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص) ۸۵

این بعثت در واقع دعوت مردم به عرصه‌ی تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. اینها چیزهائی است که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آنها نیازمند است. سالروز عید سعید مبعث ۸۸

و بخش مهمی از تلاش‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این راستا صورت گرفته است: شاخص پنجم، اصلاح اخلاقی و رفتاری است. انسانها را تزکیه و از مفاسد و ردائیل اخلاقی، پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مزگی می‌سازد؛ «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه». تزکیه، یکی از آن پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکایک افراد، کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰

و وجود مبارک ایشان نیز الگوی روشنی از پایبندی به اصول اخلاقی بوده‌اند:

به‌طور خلاصه اخلاق پیامبر را به «اخلاق شخصی» و «اخلاق حکومتی» تقسیم می‌کنیم. به عنوان یک انسان، خلقیات او و به‌عنوان یک حاکم، خصوصیات و خلقیات و رفتار او. البته اینها گوشه‌ای از آن چیزهایی است که در وجود آن بزرگوار بود. چندین برابر این خصوصیات برجسته و زیبا در او وجود داشت که من بعضی از آنها را عرض می‌کنم. آن بزرگوار، امین، راستگو، صبور و بردبار بود. جوانمرد بود؛ از ستم‌دیدگان در همه شرایط دفاع می‌کرد. درست‌کردار بود؛ رفتار او با مردم، بر مبنای صدق و صفا و درستی بود. خوش سخن بود؛ تلخ زبان و گزنده‌گو نبود. پاکدامن بود؛ در آن محیط فاسد اخلاقی عربستان قبل از اسلام، در دوره جوانی، آن بزرگوار، معروف به عفت و حیا بود و پاکدامنی او را همه قبول داشتند و آلوده نشد. اهل نظافت و تمیزی ظاهر بود؛ لباس، نظیف؛ سروصورت، نظیف؛ رفتار، رفتار با نظافت. شجاع بود و هیچ جبهه عظیمی از دشمن، او را متزلزل و ترسان نمی‌کرد. صریح بود؛ سخن خود را با صراحت و صدق بیان می‌کرد. در زندگی، زهد و پارسایی پیشه او بود. بخشنده بود؛ هم بخشنده مال، هم بخشنده انتقام؛ یعنی انتقام نمی‌گرفت؛ گذشت و اغماض می‌کرد. بسیار با ادب بود؛ هرگز پای خود را پیش کسی دراز نکرد؛ هرگز به کسی اهانت نکرد. بسیار با حیا بود. وقتی کسی او را بر چیزی که او بجا می‌دانست، ملامت می‌کرد - که در تاریخ نمونه‌هایی وجود دارد - از شرم و حیا سرش را به زیر می‌انداخت. بسیار مهربان و پرگذشت و فروتن و اهل عبادت بود. در تمام زندگی آن بزرگوار، از دوران نوجوانی تا هنگام وفات در شصت و سه سالگی، این خصوصیات را در وجود آن حضرت می‌شد دید... او حافظ و نگهدارنده ضابطه و قانون بود و نمی‌گذاشت قانون - چه توسط خودش، و چه توسط دیگران - نقض شود. ...

از دیگر خلقیات حکومتی او این بود که عهد نگهدار بود... او همچنین رازدار بود. خطبه‌های نماز جمعه تهران

معظم له چرایی این اهمیت داشتن اخلاق و معنویت را اینگونه تبیین می‌کنند:

یک سرفصل عبارت است از تکمیل مکارم اخلاقی: «بشت لاتمم مکارم الاخلاق». جامعه بدون برخورداری افراد از خلیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است. مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یکدیگر باشند، دچار حیل‌گری با یکدیگر باشند، دچار حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه‌ورزی با یکدیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به منتهای شکوه برسد، این جامعه، جامعه‌ی بشری مطلوب نیست. جامعه‌ای که انسانها در آن از یکدیگر احساس ناامنی کنند، هر انسانی احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بددلی دارند، نسبت به او کینه‌ورزی می‌کنند، برای او توطئه می‌چینند و نسبت به او و دارایی‌اش حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست. اما اگر در جامعه‌ای فضایل اخلاقی بر دل و جان مردم حاکم باشد، مردم نسبت به یکدیگر مهربان باشند، نسبت به یکدیگر گذشت و عفو و اغماض داشته باشند، نسبت به مال دنیا حرص نورزند، نسبت به آنچه دارند بخل نورزند، به یکدیگر حسد نورزند، در مقابل راه پیشرفت یکدیگر مانع‌تراشی نکنند و مردم آن دارای صبر و حوصله و بردباری باشند، این جامعه حتی اگر از لحاظ مادی هم پیشرفتهای زیادی نداشته باشد، باز مردم در آن احساس آرامش و آسایش و سعادت می‌کنند؛ اخلاق، این است. ما به این احتیاج داریم. ما باید در دل خود، خلیات اسلامی را روزبه‌روز پرورش دهیم. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود، وسیله‌هایی برای سعادت بشرنند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد. دیدار عمومی بسیجیان ۸۵

با این تبیین، اخلاق و معنویت جزء مهمی از حیات طیه را شکل می‌دهند:

نظام اسلامی به وعده‌ی قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طیه حرکت می‌دهد. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحینه حیاة طیه». حیات طیه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدفهای او حرکت می‌کند؛ این زندگی گواراست؛ فقط «دنیا» نیست، فقط هم «آخرت» نیست. آن ملت‌هایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌تری از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود. و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند. از طرف دیگر، حیات طیه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست.

اسلام نمی‌گوید من می‌خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیای آنها هرجور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به‌وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض ریشه‌کن می‌شود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه‌کن می‌شود؛ جنگها و برادرکشی‌ها از بین می‌رود؛ ناامنی‌ها در زندگی بشر به صفر می‌رسد. انبیاء برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند. صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۸۳

این اهداف تعریف شده، منحصر به یک بخش از زندگی انسان‌ها نیست؛ این اهداف شامل زندگی مادی و معنوی مردم است. اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادتمند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به‌دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به‌دست نمی‌آید. حیات طیبیه‌ی اسلامی، زندگی‌یی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزله‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این‌که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت‌خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. اجتماع بزرگ مردم جیرفت ۸۴

از همین رو است که اخلاق و معنویت، یکی از معیارهای اصلی جداسازی جامعه اسلامی از جامعه جاهلی است:

یک نقطه سوم فرض کنیم که عبارت است از حرکت به سمت مکارم اخلاق. این، باز غیر از آن دوتا است. یک جامعه یک وقت انسانهایی برخوردار از اخلاقهای صحیح دارد. آحاد آن جامعه مردمانی هستند با گذشت، متفکر، عاقل، اهل خیر و احسان، اهل کمک به یکدیگر، دارای صبر در مشکلات، دارای حلم بر سختیها، دارای اخلاق و برخورد خوش با یکدیگر و دارای ایثار در آن جایی که مثلاً ایثار لازم است. برعکس هم ممکن است صدق کند. یعنی مردمانی باشند که روابطشان با یکدیگر نه براساس رحم و مروت و انصاف و اخلاق خوب که بر مبنای سودجویی تنظیم شده است. یکی، دیگری را تا وقتی قبول و تحمل می‌کند که با منافع او سازگار باشد. اگر سازگار نبود، حاضر است او را نابود کند و از بین ببرد. این هم یک نوع جامعه است. این جامعه، جامعه جاهلی می‌شود و با جامعه‌ای که در آن مکارم اخلاق حاکم است و جامعه اسلامی نامیده می‌شود، فرق دارد. خصوصیت بعثت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دعوت به مکارم اخلاق بود. این هم یک عنصر و

نکته دیگر در حیات رسالی و بعثت پیغمبر. پس می‌توان گفت که در حقیقت یکی از مرزها و ممیزه‌های اسلام و جاهلیت، مسأله اخلاق است. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۷۳

۲- اخلاق و معنویت موتور حرکت و توشه راه بشر به سوی کمال هستند

نکته مهمی که در بیانات معظم له بارها بر آن تاکید شده است، اهمیت و نقشی است که اخلاق و معنویت در به حرکت درآوردن اعضای جامعه برای حرکت از ظلمات به سمت نور ایفا می‌کنند:

حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل میکند؛ سرعت میبخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه‌ی فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه‌ی زمانها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶

از همین رو است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز حرکت خود برای نجات و فلاح بشر را از تزکیه شروع می‌کنند:

انگیزه و موتور پیشبرنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آنها را در جهت صحیح به حرکت در می‌آورد. پس شاخص اول، دمیدن و تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه درست به افراد است، که پیغمبر این را از مکه شروع کرد و در مدینه پرچمش را با قدرت بالا برد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰

نمونه آشکار قدرتی که معنویت و اخلاق به انسان‌ها می‌دهد را می‌توان در وقوع انقلاب بزرگ اسلامی مردم ایران مشاهده نمود:

یک ملت اگر با این مفاهیم آشنا شد و دل خود را در این فضا وارد کرد و حرکت خود را با این میزان تنظیم نمود، پیش خواهد رفت و کوهها را در مقابل خود ناچیز خواهد دید. ملت ما در یک لحظه تاریخی، چنین حالتی پیدا کرد و این انقلاب به وجود آمد. شما خیال نکنید این انقلاب حتی قابل پیش‌بینی بود؛ خیر، قابل پیش‌بینی هم نبود؛ این قدر عظیم بود. این که ملتی با دست خالی بتواند یک نظام پوسیده فاسد، اما مورد حمایت صد در صد همه قدرتهای ظالم دنیا را که با سخت‌ترین روشهای استبدادی حکومت می‌کرد و کسی جرأت نفس کشیدن نداشت، از بین ببرد و عقیده و آرمان خود - یعنی اسلام - را جای آن بگذارد، اصلاً متصور نبود. حتی به ذهن آدمهای خوشبین هم نمی‌رسید که چنین چیزی ممکن باشد؛ اما ملت ما این کار را کرد. آرمانهای معنوی و اخلاقی و آرزوهای بزرگ، آن‌چنان نیرویی به این ملت داد که هیچ فشار و تحمیل و تهدید و حادثه تلخی نتوانست او را وسط راه نگه دارد و متوقف کند. لذا تا آخر رفت. دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۸۱

این امر بعد از انقلاب نیز ادامه پیدا کرده است و هر توفیقی که ملت ایران در سال‌های پس از انقلاب به دست آورده است در سایه معنویت بوده است:

عزیزان من! بدانید که تا امروز هم ملت ایران هر توفیقی پیدا کرده است، به برکت تکیه به معنویات آن را به دست آورده است. کسانی که از لحاظ مادیات جلوتر از ملت ایران باشند، در دنیا هستند؛ اما آنها نتوانستند بر روی ملتهای دیگر و جوانان کشورهای دیگر این‌گونه تأثیرات شگرفی را باقی بگذارند که ملت ایران با انقلاب خود، با حرکت خود، با امام خود، با مجاهدات خود و با شهادتهای خود، آن تأثیرات را گذاشت. شما بر روی ملتهای دیگر و بر روی جریان عادی بسیاری از کشورهای جهان، اثر بسیار عمیقی گذاشتید. این به برکت معنویت بود. دیدار اقشار مختلف مردم ۷۷

۳- عدم توجه به اخلاق و معنویت، موجب ایجاد ناامنی در دنیا می‌شود

علاوه بر جنبه ایجابی اخلاق و معنویت، معظم له تالی‌های فاسد عدم توجه به اخلاق و معنویت را نیز در موارد متعدد مورد اشاره قرار داده‌اند. از دیدگاه ایشان، دلیل اصلی بسیاری از مشکلات و بحران‌هایی که امروزه در جهان جریان دارد، عدم توجه به اخلاق و تزکیه نفس است:

تزکیه‌ی اخلاقی برای یک کشور، یک امر ضروری است؛ مهرورزی انسانها با یکدیگر، انصاف انسانها نسبت به یکدیگر، رعایت حال انسانهای دیگر در برنامه‌ریزی زندگی انسان، رحم و مروت بین افراد بشر، چیزهائی است که زندگی بشر را آرامش میبخشد. اگر ملاحظه میکنیم که دنیا امروز بیش از گذشته در آتش ناامنیها میسوزد - ناامنی، امروز بزرگترین بلای بشر یا لاقلاً یکی از بزرگترین بلایای بشری است؛ انسانها در درون خانواده‌شان امنیت ندارند؛ در محیط زندگی اجتماعی امنیت ندارند؛ در میان کشور و میهن خودشان امنیت ندارند - این ناامنی ناشی از سوء سیاستها، ناشی از قدرت‌طلبیها، ناشی از بی‌اخلاقیها، ناشی از دوری انسانها از تزکیه است. و اسلام ما را به تزکیه دعوت میکند و این یک قلم بسیار عمده از تعالیم اسلام است. «یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه»؛ آیات الهی را تلاوت میکند و آنها را تزکیه میکند؛ آنها را تعلیم میدهد. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۱۶

به همین دلیل است که دول استکباری، همانگونه که نماد ظلم و بی‌عدالتی هستند، نماد فساد و بی‌اخلاقی نیز به حساب می‌آیند:

امروز امریکا - منظورم حکومت امریکا است - مظهر ظلم علیه بشریت است و به خود مردم امریکا هم امروز دارد ظلم میشود. نظام طاغوتی و شبکه‌ی مفسد صهیونیستی در دنیا، امروز مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری است؛ ضلالت و گمراهی. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۱۶

نبود اخلاق و معنویت نه تنها انسان‌ها را در روابطشان با خدا و یکدیگر دچار مشکل می‌کند، بلکه موجب سوء استفاده از دیگر حوزه‌های پیشرفت بشری می‌شود و انسان‌ها را به سمت و سوی بلا و بحران هدایت می‌کند:

هر جایی که دانش باشد، اما وجدان و معنویت و اخلاق و عاطفه و احساسات بشری در آن جا غایب باشد، بشر از آن دانش سودی نخواهد برد. دانش بدون معنویت و اخلاق، بمب اتم می‌شود، به جان بی‌گناهان می‌افتد؛ اسلحه می‌شود، غیر نظامیان را در لبنان و فلسطین اشغالی و دیگر مناطق عالم هدف قرار می‌دهد؛ مواد کشنده شیمیایی می‌شود، در حلبچه و بقیه نقاط عالم، زن و کودک و مرد جوان و انسان و حیوان را به نابودی می‌کشد! اینها از کجا آمد؟ این مواد کشنده، از همین مراکز علم و از همین کشورهای اروپایی خارج شد! آنها بودند که این مواد را ساختند و در اختیار رژیم‌های که ملاحظات لازم را نداشت، گذاشتند. نتیجه این شد که مشاهده کردید. سلاحها و انواع و اقسام فرآورده‌های علم، امروز نتوانسته است و نمی‌تواند بشر را خوشبخت کند، خانواده‌ها را سعادتمند نماید، فرزندان و کودکان و زنان و مردان را لذت زندگی بچشانند؛ به خاطر این‌که با اخلاق و معنویت همراه نیست. ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. این که می‌بینید دنیای غرب نسبت به پایبندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دینداری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آنهاست. آنها علم را پیش بردند - البته کار مهم و بزرگی بود - اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار ۷۶

از همین رو است که معظم له دانشمندان را به تزکیه و توجه به اخلاق دعوت می‌کنند:

از همین جا شما جوانهای عزیز توجه کنید که ورود در میدان معرفت علمی - حالا هر علمی؛ چه علوم انسانی، چه علوم قرآنی، چه علوم طبیعی یا انواع و اقسام علوم - که امروز شماها در آن تلاش و کار می‌کنید - و ورود در میدان تحقیق علمی باید شما را از غور و پیشرفت در میدان معرفت دینی، تمرین اخلاقی و کسب فضیلت باز ندارد؛ باید اینها را با هم داشته باشید. این آیه‌یی که این برادر عزیزمان در ابتدا قرائت کردند: «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه»، خدای متعال پیغمبر را فرستاد، تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند. بنابراین، تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دو را از هم جدا نکنید. این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به‌طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه‌یی است که در اروپای مسیحی به‌وجود آمد و بکلی با محیط اسلامی و با فهم و تعالیم اسلامی سازگار نیست؛ چرا که اگر دانشمند

بافضیلت و بااخلاق باشد؛ در هر رشته‌ای، از آن می‌توان امید برای اعتلای بشریت و اعتلای کشور خودش داشت؛ این دانشمند هدفها را هدفهای ارزشمند می‌کند و حرکتش حرکت به نفع انسانیت و به نفع عدالت و به نفع فضیلت و در جهت مقابل نابسامانی‌های عجیب دنیای امروز خواهد شد. شما سعی کنید این جور دانشمندانی در آینده باشید و هدف خودتان را این مسائل قرار دهید؛ انسانهایی باشید که می‌توانند چرخ دنیا را در جهت درست به حرکت دریاورند؛ این را برای خودتان هدف قرار دهید؛ و این ممکن است؛ البته باید کارهای مقدماتی فراوانی برای رسیدن به آن هدف انجام بگیرد. دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۸۳

۴- پیشرفت بشری تنها زمانی اتفاق می‌افتد که اخلاق و معنویت هم در کنار دیگر ابعاد دیده شود

شاید بر اساس موارد فوق باشد که در تحلیل ایشان، یکی از خواسته‌های اصلی ملت ایران در هنگام بروز انقلاب اسلامی، معنویت و اخلاق بوده است:

رواج اخلاق فاضله، یکی دیگر از ارزشها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نیک و خلقیات اسلامی پسندیده در بین آنها شیوع پیدا کند و برادری، محبت، همکاری، صبر، اغماض، بخشش، دستگیری از ضعفا و کمک به ضعفا و گفتن حق بین آنها رایج شود... خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

یا در جای دیگر می‌فرمایند:

هدف انقلاب چه بود؟ هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیتی که عرض می‌کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها - که از اول و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری، در علم و در بقیه‌ی خواسته‌ها و دستاوردهای بشری - برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی. آزادی فقط آزادی اجتماعی نیست - اگرچه آزادی اجتماعی، یکی از مصادیق مهم آزادی است - هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، هم آزادی به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست‌اندازی بیگانگان و استیلاي آنها - که گاهی کشور بظاهر مستقل هم هست، اما زیر نفوذ است - و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ۸۷

این امر، تبدیل به یکی از ابعاد منشور وجودی انقلاب و نظام اسلامی شده است. امری که باید تا دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی در آن پیش رفت:

هدف از این انقلاب هم تشکیل جامعه‌ی اسلامی است و معیارها و شاخصهای عمده‌ی جامعه‌ی اسلامی هم اینهاست: جامعه‌ی برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق و برخوردار از عدالت. بیانات رهبر معظم انقلاب

در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۸۶

ما هنوز اول راهیم؛ نمی‌شود گفت وسط راه. ما خواسته‌ایم کشور و جامعه‌ی خود را طبق نظر اسلام بسازیم. طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ی را باید ساخت؟ جامعه‌ی که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسانها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ی را می‌خواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه‌ی علم، همه‌ی بنیان‌های اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ی را می‌خواهد که در آن، افراد و مجموعه‌ی یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه‌ی ملتها؛ «و تکنونوا شهداء علی الناس». دیدار خانواده‌های شهدا ۸۴

ببینید جوانان عزیز! آنچه که امروز اتفاق افتاده است، این نیست که یک دولتی در کشوری با مواضع خاصی بر سر کار آمده، مثل اینکه هر دولتی یا هر کشوری یک مواضع خاص سیاسی دارد؛ مسئله‌ی ما و مسئله‌ی جمهوری اسلامی این نیست، مسئله‌ی یک پدیده‌ی عظیم و بتدریج توسعه‌یابنده و ریشه‌دواننده‌ی در یک بخش مهمی از دنیاست؛ تشکیل یک نظامی که معنویت، جزو بافت اصلی آن محسوب میشود. این یک پدیده‌ی بسیار مهم و مورد نیاز بشریت هم هست، که مورد استقبال قرار گرفته است و بیشتر هم خواهد شد. نظامی که بر اساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن خواهد بود. خصوصیت این نظام، این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد، نه؛ این یک مغالطه و نشانه‌ی غلط دادن است؛ که در تبلیغات جهانی علیه ما، این نشانه داده میشود. به هیچ‌وجه این‌گونه نیست؛ بلکه معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گم‌شده‌ی از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه‌ی قدرتمندِ قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برمیگردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذا زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاکدامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است. این بخش دوم را پنجه‌ی مؤثر قدرتمندان مادی دنیا، بتدریج از میان بشریت دور کردند؛ صد سال پیش مثل امروز نبوده؛ دویست سال پیش باز بهتر بوده است. این خاصیت یک نظام ویژه

در وضع کنونی جهان است. این نظم موجود جهان - که از صد سال، صدوپنجاه سال، دویست سال قبل قوت گرفته - اقتضائش همین بوده که دامن معنویت بتدریج از فضای زندگی انسان جمع بشود و این به ضرر بشریت تمام شده است. بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی‌درپی - همچنان که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفتهای شگفت‌آوری دارد - نیازمند است؛ اما در کنار معنویت. خوب، نظام اسلامی هم، آن نظامی است که میخواهد این عنصر گمشده‌ی از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۸۵

از این‌رو، اخلاق و معنویت یکی از ابعاد مهم پیشرفت جامعه اسلامی را شکل می‌دهند:

مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) ۸۱

ما می‌توانیم قله‌های علم و اخلاق - نه علم بی‌اخلاق و ضد‌اخلاق؛ مثل علمی که امروز در دنیای غرب وجود دارد - و پیشرفت و عزت حقیقی انسان در جامعه را فتح کنیم و عدالت و روابط عادلانه را در کشورمان برقرار نماییم. دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ۸۳

در این پیشرفت، دیگر عوارض ناشی از بی‌اخلاقی دیگر معنایی ندارد و معنویت پایه اصلی است:

بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶

۵- باید به پیشرفت معنوی و اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های کشور توجه کنیم

اگرچه اخلاق و معنویت موتور حرکت و توشه مسیر پیشرفت کشور هستند، اما این به معنای یک طرفه بودن این ارتباط و عدم توجه به توسعه معنویت و اخلاق در جامعه نیست. جامعه اسلامی باید در راستای دستیابی به ابعاد مختلف اخلاقی در اخلاق ملی خود حرکت کند:

امروز اخلاقیات زیادی در کشورمان مورد نیاز است که به صورت اخلاق ملی در بیاید دیدار با شاعران

۸۷

و معنویت و اخلاق را درون خود پیشرفت دهد:

و اما این پیشرفتهای در کجاست؟ این تحولی که می‌گوییم باید به وجود بیاید و این حرکت به جلو در کجاست؟ در همه مناطق مربوط به زندگی جامعه. قوانین، تحول پیدا می‌کند و باید روزبه‌روز بهتر و کاملتر شود. در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روزبه‌روز بایستی تحول صورت گیرد و پیشرفت حاصل گردد. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم. دیدار مردم شاهرود ۸۵

هرچه این پیشرفت بیشتر باشد، موفقیت‌های جامعه اسلامی نیز بیشتر خواهد بود:

عزیزان من! بدانید که تا امروز هم ملت ایران هر توفیقی پیدا کرده است، به برکت تکیه به معنویات آن را به دست آورده است. کسانی که از لحاظ مادیات جلوتر از ملت ایران باشند، در دنیا هستند؛ اما آنها نتوانستند بر روی ملتهای دیگر و جوانان کشورهای دیگر این‌گونه تأثیرات شگرفی را باقی بگذارند که ملت ایران با انقلاب خود، با حرکت خود، با امام خود، با مجاهدات خود و با شهادتهای خود، آن تأثیرات را گذاشت. شما بر روی ملتهای دیگر و بر روی جریان عادی بسیاری از کشورهای جهان، اثر بسیار عمیقی گذاشتید. این به برکت معنویت بود. این معنویت را باید روزبه‌روز زیاد کرد. عزت ملت ایران، سربلندی ملت ایران و امید بی‌پایان ملت

ایران، به برکت اتکاء و امیدواری به خداوندگار است و این با ارتباط روزافزون، شفافتر و متجلی‌تر و متأللی‌تر می‌شود. این‌که ما این‌قدر تأکید می‌کنیم جوانان ما که بحمدالله در این زمان منبع صفا و نورانیتند، بیشتر به در خانه خدا بروند - با این‌که امروز وضع جوانان نسبت به گذشته به طور کلی متحول شده است و امروز نورانیت و معنویت مضاعفی دارند - به خاطر این است که هرچه رابطه با خدا را مستحکم‌تر کنیم، توفیقات و هدایت الهی بیشتر و دلهای ما روشنتر خواهد شد. دیدار اقشار مختلف مردم ۷۷

به دلیل همین امر است که دشمن نمی‌خواهد این اتفاق در جامعه اسلامی رخ دهد:

جوانان خودسازی کنند - هم خودسازی علمی، هم خودسازی اخلاقی و معنوی و دینی، هم خودسازی جسمی - و روحیه و امید خود را برای دفاع از این کشور حفظ نمایند که این سرمایه بسیار بزرگی است؛ نقطه مقابل آن چیزی است که دشمن مایل است در ایران اتفاق بیفتد. دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۸۱

و تلاش فراوانی برای پررنگ کردن ابعاد سیاسی اسلام در مقابل ابعاد معنوی و اخلاقی آن صورت می‌دهند:

در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. یک عده از این طرف، سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، یک عده هم در طرف مقابل، اسلام را فقط سیاست و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری می‌دانند. اخلاق و معنویت و محبت و فضیلت و کرامت را که بزرگترین هدف بعثت پیغمبر ماست، ندیده می‌گیرند. دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص) ۸۵ در دیدگاه ایشان، برای استقرار اخلاق در جامعه، نیازمند تلاش همزمان آحاد جامعه و نظام آموزشی کشور هستیم:

برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزشهای اخلاقی که به وسیله‌ی آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی باید در همه‌ی سطوح به انسانها تعلیم داده شود؛ اینها موظفند. این یک قلم از کارهای لازم در سال پیامبر اعظم الهی است؛ یعنی خودمان را در خلیات فاضله، مؤمن و مسلمان و تابع پیغمبر کنیم. یک فهرستی از صفات رذیله و زشت

تهیه کنیم و ببینیم که هر کدام از آنها در ما هست، سعی کنیم آن را کنار بگذاریم. همچنین یک فهرستی از خلقیات نیک تهیه کنیم و سعی کنیم با تمرین، آنها را برای خود فراهم کنیم. البته عامل پیشرفت در این راه، محبت است؛ محبت به خدا، محبت به پیامبر، محبت به این راه، محبت به آموزگاران اخلاق - یعنی پیامبران و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) - این عشق است که انسان را در این راه با سرعت پیش می‌برد؛ این عشق را باید در خودمان روزبه‌روز بیشتر کنیم. «اللهم ارزقنی حبک و حباً من یحبک و حباً کلّ عمل یوصلنی الی قریبک»؛ محبت خدا، محبت محبوبان الهی و محبت کارهایی که محبوب الهی است؛ این عشقها را در دل خود برویانیم. این یک قلم از تعلیمات پیامبر، در سال پیامبر اعظم است. دیدار عمومی بسیجیان ۸۵

البته باید توجه داشت که معظم له انتظار ندارند اخلاق ملی به صورت ناگهانی تغییر کند و به شکل ناگهانی رذائل خود را کنار بگذارد. دستیابی به اخلاق تزکیه شده نیازمند صبر و تلاش فراوان است:

عزیزان من! در یک تحوّل اجتماعی، آن چیزی که آخرتر از همه اصلاح می‌شود و تغییر پیدا می‌کند، اخلاق است؛ اخلاق، نه به معنای رفتار. البته رفتارهای افراد با یکدیگر را که عرفاً به آن «اخلاق» می‌گویند، آن هم دیر عوض می‌شود؛ لیکن منظور ما آن نیست. آن چیزی که از همه دیرتر عوض می‌شود، اخلاقیات و خُلُقِیات انسانهاست؛ چه خُلُقِیات فردی، چه خُلُقِیات جمعی؛ که جمعهای مختلف عالم، خُلُقِیاتی دارند. یک قوم به تعصّب معروف است، یک قوم به راحت‌طلبی شهرت دارد و ... اینها خیلی دیر عوض می‌شود. اگر چیز بدی از این قبیل در قومی هست و اخلاق زشتی وجود دارد، خیلی دیر عوض می‌شود. دیدار با حجّه‌الاسلام والمسلمین محمّدی ری‌شهری و دست‌اندرکاران امور حج ۷۶

معارف اسلامی و احکام

معارف اسلامی و احکام نیز بخش مهمی از جنبه توحیدی انقلاب اسلامی را شکل می‌دهند. انتقال صحیح معارف اسلامی به عامه مردم و اجرای دقیق و درست احکام آن از جمله اهداف عالی انقلاب اسلامی می‌باشد. انتقال صحیح این معارف می‌تواند زمینه اجرای مناسب دیگر ابعاد را فراهم نماید. اجرای این احکام نیز از جمله وظایف اصلی حکومت اسلامی است. معارف و احکام اسلامی پایه‌های بنای محکم اسلامی هستند که دانستن و عمل کردن به آنها معنای واقعی مسلمان بودن را شکل می‌دهد. احکام و معارف اسلامی، مبنای وحدت و برکت دهنده به نظام اسلامی هستند:

راهی که در نوزدهم دی به وسیله مردم و جوانان قم آغاز شد، راه پُرمخاطره‌ای بود؛ اما هدف بزرگی هم در پایان این راه وجود داشت و آن، ایجاد نظام اسلامی بود؛ یعنی نظامی که به برکت احکام و شریعت الهی، نظام عدالت و تقوا باشد. هدف همه پیغمبران هم ایجاد چنین دنیایی بوده است؛ دنیایی که در آن عدالت و تقوا باشد. دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم ۸۰

وحدت مردم، اتحاد قلبی مردم، اتحاد روحی مردم، محبت مردم، وفاق مردم حول نظام اسلامی، حول احکام مقدسه اسلام، حول قانون اساسی - که قانون اساسی هم منطبق بر احکام اسلامی است - حول قوانین کشور - که لاقابل اغلب آنها منطبق بر قوانین اسلامی است؛ اگر نگوییم همه‌اش منطبق است - «وحدت ملی» را تشکیل می‌دهد. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

وجود این احکام و معارف است که به کشورهای اسلامی توانمندی‌های لازم برای مواجهه با بحران‌های پیش روی آنها را می‌دهد:

و امت اسلامی ما، امروز در مقابل یک تجربه‌ی بسیار عظیم تاریخی قرار دارد. به دیگران نظری نمی‌کنیم؛ به خودِ امت اسلامی نظر می‌کنیم. امت اسلامی در درون خود، قرآن را دارد، احکام اسلامی را دارد، خطوط روشن زندگی سعادت‌مندان‌ی بشر را در قرآن دارد. امت اسلامی میتواند با بازگشت به خود، با بازگشت به هویت

اسلامی، در مقابل این موج مخرب همه‌ی بنیانهای زندگی بشر بایستد؛ اگر همت کند. امت اسلامی باید همت بکند. در درجه‌ی اول هم مسئولان کشورهای اسلامی مخاطب این سخنانند؛ آنها باید همت بکنند. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۸۶

شناخت صحیح و عمل به این احکام و معارف است که می‌تواند جوامع اسلامی را از زیر یوغ دول استکباری رهایی بخشد:

دولتهای اسلامی برای حفظ منافع ملی خودشان، برای جلب عواطف ملت‌های خودشان، برای ادای مسؤولیت تاریخی خودشان، باید روی نقاط اساسی هویت امت اسلامی تکیه کنند؛ از ملت فلسطین باید صریحاً دفاع کنند؛ از استقلال کامل عراق و سپردن اختیار به ملت عراق باید دفاع کنند؛ از ملت افغانستان باید دفاع کنند؛ از ملت‌های مسلمان در اروپا و آسیا و آفریقا باید دفاع کنند؛ از هویت قرآنی و از احکام قرآن در کشورهاشان باید دفاع کنند؛ ارتباطاتشان را با همدیگر نزدیک و صمیمی کنند؛ با هم صادق باشند؛ به هم کمک کنند و دست یکدیگر را بگیرند؛ آن وقت امت اسلامی خواهد توانست خود را از زیر یوغ استکبار نجات دهد و تهدیدهایی را که امروز دنیای استکبار نسبت به دنیای اسلام دارد، از سر بگذرانند. دیدار کارگزاران نظام و قشرهای مختلف مردم ۸۴

از همین‌رو است که اولین بخش از خطوط اصلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نظام اسلامی در مدینه در نظر گرفتند، معرفت نسبت به دین بود:

اول به عنوان مقدمه عرض کنم: پیامبر اکرم نظامی را به وجود آورد که خطوط اصلی آن چند چیز بود. من درمیان این خطوط اصلی، چهار چیز را عمده یافتیم: اول، معرفت شفاف و بی‌ابهام؛ معرفت نسبت به دین، معرفت نسبت به احکام، معرفت نسبت به جامعه، معرفت نسبت به تکلیف، معرفت نسبت به خدا، معرفت

نسبت به پیامبر، معرفت نسبت به طبیعت. همین معرفت بود که به علم و علم اندوزی منتهی شد و جامعه اسلامی را در قرن چهارم هجری به اوج تمدن علمی رساند. پیامبر نمی‌گذاشت ابهام باشد. در این زمینه، آیات عجیبی از قرآن هست که مجال نیست الان عرض کنم. در هر جایی که ابهامی به وجود می‌آمد، یک آیه نازل می‌شد تا ابهام را برطرف کند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۷

دشمن نیز به درستی این نکته را دریافته است و برای غلبه بر قدرت مسلمین، تمرکز خود را بر جدا کردن آنها از این معارف قرار داده است:

روزی که اروپاییها سوار کشتیها شدند و آمدند کشورهای منطقه آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیه جاها را تصرف کردند، از این روحیه مسلمانان می‌ترسیدند. برای این که مسلمان بی خطر شود، دوکار باید با او بکنند: یکی این که او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم این که روحیه او را بشکنند و تحقیرش کنند. پس، ببینید همه سیاستهای دشمنان اسلام در طول مبارزه با اسلام - که این یکی دو قرن اخیر، اوج این مبارزه بوده است - در این دو چیز متمرکز می‌شود: یکی دور کردن مسلمین از احکام اسلام و دوم تحقیر مسلمین و شکستن و خرد کردن روحیه آنان. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۷۵

استکبارستیزی

در نگاه اسلامی، همواره با دوگان حق و باطل مواجه هستیم. در دیدگاه توحیدی بیان شده توسط معظم له نیز این دوگان به صورت واضح مشاهده می‌شود. صرف ایمان به خدا، اتصال به ولایت و متصف شدن به اخلاق و معنویت نمی‌تواند نگاه توحیدی افراد را کامل کند، کفر به طاغوت و مبارزه با استکبار نیز برای تکمیل باورهای توحیدی لازم و ضروری است. این امر در موارد متعددی توسط ایشان بیان شده است:

حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است؛ که «اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث والنسل». حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیاست - نه فقط دین - کما این که در گذشته کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند. حاکمیت خدا، یعنی نجات و سعادت انسانها. حاکمیت دین خدا، یعنی پاسخگویی به نیازهای اساسی انسانها. هر نیازی که انسانها دارند - نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و همه و همه - در ظل حاکمیت دین خدا تأمین می‌شود. دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم ۷۷

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالّٰه هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروہی و ثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم امریکا نشوند. ما دعوت می‌کنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن همین است که به وسوسه‌های آنها در زمینه‌ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند. دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۵

آنچه به عنوان استکبار مکررا در بیانات ایشان مورد اشاره قرار گرفته است، جلوه مهم و ابرز طاغوت در دوره ما است. اما استکبار یعنی چه؟:

استکبار، معنای وسیعی دارد. در قرآن هم، شاخه‌ها و مشتقات استکبار، مکرر به کار رفته است. خود کلمه استکبار هم، در قرآن به کار رفته است. به نظر می‌رسد که استکبار، غیر از تکبر است. شاید این طور بشود گفت که تکبر، بیشتر به یک صفت قلبی و روحی اشاره می‌کند؛ یعنی انسان خود را برتر از دیگران بداند و بگیرد. استکبار، بیشتر به جنبه‌ی عملی تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند، در رفتار خود با دیگران هم، طوری کار را سازماندهی می‌کند که این تکبر، در عمل مشخص و واضح می‌شود. دیگران را حقیر می‌کند، به دیگران اهانت می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند و برای دیگران، به عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود. روز مبارزه با استکبار جهانی ۷۵

همین ویژگی‌ها است که باعث شده است استکبار جهانی برنامه‌های متعدد و خطرناکی برای امت اسلامی در نظر گرفته باشد و برای آنها تلاش کند:

هدف استکبار، محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و بخصوص در خاورمیانه است. دیدار کارگزاران نظام و قشرهای مختلف مردم ۱۴

در این میان، ضعف کشورهای اسلامی و عدم مقابله آنها با روحیه استکباری کشورهای مستکبر، خود به عنوان عاملی اساسی در تقویت این روحیه استکباری و آسیب‌رساندن آن به جامعه عمل می‌کند:

قدرت‌های استکباری خیال می‌کنند کلید خوشبختی و بدبختی ملت‌ها دست آنهاست. البته اگر ملتی خودش را رها کند، همین‌طور است. اگر ملتی عزم و اراده را شعار خود نسازد، همین‌گونه است؛ کم‌این‌که ملت‌های مسلمانی را دیدیم که اراده‌ی خودشان را به کار نگرفتند؛ لذا زندگی و مرگشان در دست قدرت‌های بیگانه افتاد تا بر آنها مسلط شوند. اما اگر ملتی عزم و ایمان و اراده‌ی راسخ خود را به کار بگیرد و هویت و شخصیت خود را بشناسد و آن را قدر بداند، هیچ قدرتی قادر نیست بر او مسلط شود. اجتماع بزرگ مردم شهرستان زرنند

استکبار نه تنها به دنبال اهداف و آرمان‌های خود است، بلکه به شدت با کشورها و جوامعی که در مقابل آن بایستند برخورد می‌کند و به ایداء آنها می‌پردازد:

خداوند متعال با اشاره به یکی از ملتهای مؤمن گذشته می‌فرماید: «و ما نقوموا منهم ألا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید(۱)»؛ دشمنان، چون آنها را مؤمن یافته بودند - و انسان مؤمن تسلیم زور و استکبار نمی‌شود - به‌خاطر ایمانشان از آنها انتقام می‌گرفتند. ایمان، ایستادگی، مقاومت و خودباوری ملت ایران برای دشمن ناگوار است. آنها حکومت‌های مطیع و فرمانبر و ملتهای بی‌حال و تسلیم در مقابل زورگوییهایشان را می‌پسندند. دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۸۲

انقلاب اسلامی ما نیز از ابتدا با شعار کفر به طاغوت شکل گرفته است:

چون انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرف نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۸۲

مردم و مسئولین نظام ما دلایل مختلفی برای این امر دارند، مقام معظم رهبری در تبیین این دلایل می‌فرمایند: چرا مردم با استکبار مبارزه کردند و چرا استکبار بد است؟ باید توجه کنید، اولین احساسی که یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس دینی نیست؛ احساس غیرت ملی است؛ احساس هویت و احساس وجود است؛ چون استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه اینها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار

کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است. یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در ایران قبل از انقلاب اتفاق افتاده بود. این احساس است که ملت‌ها را در مقابل استکبار به جوش و خروش می‌آورد؛ لذا شما می‌بینید ملت‌هایی که این را هم ندارند، مسلمان هم نیستند، امروز - نه آن‌روز؛ آن‌روز کسی جرأت نمی‌کرد در مقابل امریکا بایستد؛ این راه را ملت ایران باز کرد - تا آن جایی که می‌توانند، در مقابل امریکا می‌ایستند.

مقابله ملت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. وقتی ملت ما با این روحیه در مقابل امریکا و دستگاه فاسد وابسته به امریکا ایستاد، یک پشتوانه عظیم از اعتقادات و ایمان دینی پشت سرش بود و همین هم توانست او را موفق کند و پیش ببرد. دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی)

۷۸

یکی از نکاتی که بر اهمیت این بخش می‌افزاید، استمرار این روحیه استکبارستیزی در سالیان گذشته است: این‌که می‌بینید ملت ما بعد از بیست‌وشش سال «مرگ بر امریکا» را فراموش نمی‌کند، به‌خاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر امریکا»یی که مردم ما می‌گویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که اول هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» گفته می‌شود. استعاذه‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست. «مرگ بر امریکا» هم برای این است که ملت فراموش نکند سلطه‌گران جهانی منافع سرشاری که در این کشور داشته‌اند و دست آنها کوتاه شده، از یاد نبرده‌اند. آنها همیشه دنبال این هستند که همان منافع را باز در داخل این کشور برای خودشان تأمین کنند و به قیمت نابودی استعداد جوانان و آینده‌ی

این کشور، بر ثروت و علم و فناوری خود بیفزایند. پس ملت ایران دیر شروع کرد؛ از انقلاب اسلامی شروع کرد. دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ۱۳

راز دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی ایران هم در همین نکته نهفته است:

راز دشمنی‌های استکبار هم همین است؛ برای خاطر اینکه اسلام، نظام اسلامی و حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، با ظلم مخالف است؛ با استکبار مخالف است؛ با دست‌اندازی به زندگی مردم مخالف است؛ با تجاوز به ملت‌ها مخالف است؛ با فرعونیت قدرتها مخالف است؛ با استبداد بین‌المللی - مثل استبداد داخلی کشورها - مخالف است. این مخالفت هم فقط مخالفت قلبی نیست؛ نه، مخالفتی است که در مقام عمل و هر جایی که اقتضاء پیدا کند، بروز خواهد کرد؛ ظهور پیدا خواهد کرد. این را میدانند؛ این از جمهوری اسلامی شناخته شده است. لذا آن کسانی که اهل تجاوزند، آن کسانی که اهل دست‌اندازی به منابع ثروت دیگرانند، اهل استکبارند، اهل فرعونیت در برخوردهای سیاسی خودشان هستند، با نظام جمهوری اسلامی قهراً مخالفند. دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام ۱۶

از این‌رو، مقام معظم رهبری سخت‌گیری بر کفار و عدم اجازه دادن به آنها برای نفوذ به جامعه را به عنوان راهبردی دینی در مواجهه با طاغوت و کفار تبیین می‌کنند:

این را هم به شما عرض کنم: موفقیت هر ملتی در پیشرفتهای خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. اینها نسبتشان متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی - ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشد - نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملت از آینده‌ای همراه با عزّت و همراه با افتخار و تأمین‌شده، فاصله‌اش بیشتر است. نه این‌که با هر بیگانه‌ای باید ستیزه‌گری کرد؛ نه، گاهی هم انسان به خاطر مصالح، با بیگانه‌ای دوستی می‌کند؛ اما به همان بیگانه دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند.

از اوّل انقلاب که به گلی رشته‌های نفوذ امریکا و دیگر قدرتمندان - فقط هم امریکا نبود؛ منتها بدترینشان امریکا بود - در این کشور گسسته شد، اینها دائم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدفهای خودشان بپردازند. از همه راهها هم برای این کار استفاده می‌کنند و در این بیست و یکی، دو سال استفاده کرده‌اند. امروز بیشترین کاری که از آن استفاده می‌کنند، مانور سیاسی است. این مانور سیاسی به شکلهای مختلف جلوه می‌کند. یک سیاسی‌کار، وقتی می‌خواهد مقصود خود را عملی سازد، گاهی اخم می‌کند، گاهی لبخند می‌زند، گاهی بغض نشان می‌دهد، گاهی تهدید می‌کند، گاهی جلو می‌آید و گاهی پشت می‌کند. اینها مانور سیاسی است. یک روز می‌گویند ما به ملت ایران بسیار بدی کردیم و مثلاً یعنی متأسفیم! یک روز می‌آیند علیه ملت ایران در مجلس سنای خود قانون تصویب می‌کنند. یک روز می‌آیند خائنین و روسیاهترین گروهکهای ضدّ انقلاب را مورد تمجید قرار می‌دهند. یک روز به خاطر این که ایران با صهیونیسم صریحاً و علناً - به خاطر غصبی که در فلسطین کرده - مخالف است، علیه او تبلیغات می‌کنند. یک روز پول می‌گذارند برای این که نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. اینها یعنی مانور سیاسی؛ اینها یعنی سیاسی‌کاری. از هر شیوه‌ای هم استفاده می‌کنند؛ در رادیوهاشان، در تبلیغاتشان، در تماسشان با شخصیت‌های داخلی، در فریب دادنشان. هر گوشه از این خاکریز عظیمی را که ملت ایران در مقابل نفوذ دشمن ایجاد کرده، بینند قدری نرم و نفوذ پذیر است، همان جا متمرکز می‌شوند تا نفوذ کنند؛ شخصیت سیاسی باشد، حزب سیاسی باشد، مسؤول دولتی باشد. برای همین است که خدای متعال در سوره سراسر حماسه و درس فتح، بعد از آن که همه آیات حماسه را بیان می‌کند، درباره اصحاب پیغمبر می‌فرماید « اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم »؛ اینها در مقابل کفّار - یعنی همان دشمنانی که صف بسته‌اند - شدیدند. مراد از کفّار، آن یهودی یا مسیحی نبود که زیر سایه پیغمبر در مدینه زندگی می‌کرد. همان وقت بودند، مسیحیان و یهودیانی که داخل مدینه زندگی می‌کردند و پیغمبر و اصحابش با آنها روابط خوبی داشتند. آنها را « اشدّاء علی الکفّار » نمی‌گویند. « اشدّاء علی الکفّار » به کفّاری می‌گویند که یا مثل کفّار قریش به طور دائم علیه اسلام و مدینه اسلامی در حال تحرّکات نظامی بودند؛ یا مثل یهودیهای بنی قریظه و خیبر و بقیه مناطق دائم

کارشکنی می‌کردند - برونند این طرف و آن طرف سفر کنند، این گروه و آن گروه را علیه اسلام جمع کنند؛ لشکرکشی کنند، تحریک کنند، شایعه درست کنند - و یا کسانی که در چهره مسلمان اما با دل و باطن کافر در داخل مدینه زندگی می‌کردند و دائم هم یا با کفار دسته اول و یا با کفار دسته دوم ارتباط داشتند. «اشدء علی الکفار»، یعنی اشدء بر این سه دسته. اما «رحماء بینهم»؛ بین خودشان رحیم و مهربان بودند. ببینید؛ این روش اسلامی است. این برای این است که دشمن به هیچ طریقی در مقابل این اشدء نمی‌تواند نفوذ کند. اشدء یعنی چه؟ اشدء، یعنی با استحکام مطلق. درباره آهن می‌گوید: «فیه بأس شدید». شدید است؛ یعنی مستحکم است. شدت در این جا به معنای ظلم نیست، به معنای حتماً خونریزی هم نیست. به معنای استحکام است؛ یعنی این خاکریز نباید شل و نرم باشد؛ این دیوار نباید رخنه داشته باشد.

معظم له در مواقع متعددی به موضوع الزامات مواجهه با استکبار اشاره داشته‌اند که در جایگاه مربوطه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

فصل دوم: عدالت

مقدمه

عدالت، یکی دیگر از ارکان شجره طیبه فرهنگ دینی است که در مکررا در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. تاکید گسترده ایشان بر اهمیت و جایگاه عدالت در بیانات مطرح شده در سالیان مختلف قابل توجه و ملاحظه است:

- بدانید سعادت این کشور و این ملت در وحدت کلمه و پیمودن راه اسلام و پیگیری عدالت است. اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۸۴

- امروز در دنیا نظامی به وجود آمده است که براساس رهنمودهای قرآنی و هدایت اسلامی، برای بشریت عدالت می‌خواهد و می‌طلبد و صریحاً اعلام می‌کند با ظلم مخالف است و با آن کنار نمی‌آید. اسلام پرچمی را برافراشت که تمام آرمانهای انسانی در پای این پرچم، قابل برآورده شدن است. این پرچم امروز در نظام جمهوری اسلامی برافراشته شده است. دانشگاه افسری امام علی علیه السلام ۸۰

- عدالت و عدل، مهمترین ارزش در جامعه است: «بالعدل قامت السموات والارض»؛ آسمان و زمین به عدالت وابسته است؛ نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست. در یک جامعه آزاد - حتی آزاد به همان سبک امریکایی - اگر عدالت نباشد - که در آن جاها نیست و همان آزادی هم به نفع یک طبقه و علیه یک طبقه خواهد بود - چند نفر سفیدپوست یک نفر سیاهپوست معلول را از روی ویلچر برمی‌دارند و به اتومبیل خودشان می‌بندند، به بیابانها می‌برند و روی زمین می‌کشند! بالاخره آزادی است دیگر! عدالت که نباشد، امنیت هم در خدمت طبقه مرفه و برخوردار و سوءاستفاده‌چی است. اگر عدالت نباشد، همه خیرات به یک طرف می‌رود. من پارسال به شما عزیزان عرض کردم که هشت سال دوران سازندگی را گذرانیدیم که از بهترین و پرکارترین دورانهای ما بوده است. خیلی تلاش شده است، خیلی زحمت کشیده شده است؛ اما خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خدا ترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه مستضعفین، یعنی پابرنه‌ها، یعنی کسانی که بار تورم بر روی دوش آنهاست و گرانیها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه

کارمند، طبقه کارگر، کسبه ضعیف، قضات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در یک اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای این که درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم. فلسفه وجود من و امثال من در این جا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لا غیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان می‌کنید - که اعزّ همه خلایق عندالله و عند عباده الصّالحین است - این است که می‌گوییم: «یملاالله به الارض عدلاً و قسطاً»، نمی‌گویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه عدالت و دنبال عدالت است. دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۷۸

- امروز مهمترین حرف نظام اسلامی عدالت است. امروز ما می‌خواهیم عدالت اجرا شود. همه تلاشها و مجاهدتها برای این است که در جامعه عدالت تأمین شود؛ که اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسانها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند. بنابراین عدالت محور همه چیز است. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۲

این اهمیت، موضوعی اصیل است که از ابتدای خلقت تا ظهور حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف مورد توجه قرار داشته است:

- و عدالت. استقرار عدالت، دستور همه‌ی انبیاء الهی است، که فرمود ارسال رسل و فرستادن کتابها و این همه تلاشی که انبیاء و پیروان انبیاء انجام دادند، برای این است که: «لیقوم الناس بالقسط»؛ زندگی مردم، زندگی همراه با قسط باشد. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ۸۶

- شاخص دوم (در ویژگی‌های جامعه نبوی)، قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار - بدون هیچ ملاحظه - است. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰
- خطّ اصلی دوم، عدالت مطلق و بی‌اغماض بود. عدالت در قضاوت، عدالت در برخورداریهای عمومی و نه خصوصی - امکاناتی که متعلق به همه مردم است و باید بین آنها باعدالت تقسیم شود - عدالت در اجرای حدود الهی، عدالت در مناصب و مسؤولیت‌دهی و مسؤولیت پذیری. البته عدالت، غیر از مساوات است؛ اشتباه نشود. گاهی مساوات، ظلم است. عدالت، یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن و به هر کسی حقّ او را دادن. آن عدل مطلق و بی‌اغماض بود. در زمان پیامبر، هیچ کس در جامعه اسلامی از چارچوب عدالت خارج نبود خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۷

- اصول اسلامی، عدالت اسلامی، تکریم انسان، روحیه‌ی جهاد، سازندگی اسلامی، مبانی اخلاقی و ارزشی اسلام در دوران پیغمبر با وحی الهی نازل شد و تا آن حدی که ممکن بود، به وسیله‌ی پیغمبر در جامعه‌ی اسلامی اعمال شد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۳
- یک نکته دیگر در دعوت اسلامی، عبارت است از استقرار عدل در بین انسانها. خصوصیت جاهلیت، نظام ظالمانه بود. ستمگری، عرف رایج بود. این طور نبود که گاهی یک نفر ظلم کند. بنای نظام جامعه بر ظلم و تبعیض و زورگویی قوی به ضعیف بود، زورگویی مرد به زن بود، زورگویی ثروتمند به بی پول بود، زورگویی ارباب به برده بود. باز همان اربابها به نوبه خودشان زورگوییهای سلاطین و صاحبان قدرت را قبول می کردند. زوراند زور بود. یکسره، زندگی مردم ظلم و تبعیض و زورگویی بود. این، خصوصیت زندگی جاهلی است. هر جا این طور باشد، جاهلی است. اسلام نقطه مقابل آن را آورد. استقرار عدل را آورد. «انّ الله یأمر بالعدل والاحسان». این یکی از خصوصیات جامعه اسلامی است. عدل فقط هم شعار نیست. جامعه اسلامی باید دنبال عدالت هم برود و اگر عدالت نیست، آن را تأمین کند. اگر در دنیا دو نقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هردو هم غیراسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل، ولو غیراسلامی است، توجّه موافق دارد. مهاجرین به حبشه را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خودش به حبشه فرستاد. یعنی آنها را در پناه یک پادشاه کافر، به خاطر عدل قرار داد. به تعبیر دیگر، مردم را از خانه و زندگی و محیط زیستشان به خاطر ظلمی که به آنها می شد، دور کرد. این هم یک نقطه است. یعنی استقرار عدل، تبعیت از عدل، ترویج عدل، تلاش و مجاهدت برای عدل، بزرگداشت عدالت هر جا که باشد - ولو در بلاد غیرمسلم - و تقبیح ظلم در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد. این هم یکی از خصوصیات اسلامی است و شما می بینید زندگی اسلامی و حیات مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و تاریخ اسلامی در بهترین ازمه و سالمترین دورانهایش، حاکی از عدل پروری و عدالت جویی است. این هم یکی از ممیزات بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله است. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۷۳
- اگر به زندگی امیرالمؤمنین و حوادث دوران تقریباً پنج ساله حکومت آن حضرت نگاه کنیم، می بینیم عمده آنچه برای آن بزرگوار در این مدّت به عنوان مشکل پیش آمد، ناشی از عدالتخواهی ایشان بود. این نشان می دهد که مسأله عدالت چقدر سخت است. عدالتخواهی و دنبال عدالت رفتن، به زبان آسان است؛ اما در عمل آن قدر با موانع گوناگون مواجه می شود که دشوارترین کار هر حکومت و نظامی این است که عدالت را در جامعه تأمین کند. عدالت فقط عدالت اقتصادی نیست؛ عدالت در همه امور و شؤون زندگی بسیار دشوار است. این همان چیزی است که امیرالمؤمنین با آن قدرت ملکوتی و شأن

الهی، آن را وجهه همت خود قرار داد و دنبال کرد. لذا امیرالمؤمنین در این عبارت معروف فرموده است: «والله لان ایت علی حسک السعدان مسهدا، و أجر فی الاغلال مصفدا، احب الی من ان التقی الله و رسوله يوم القيامة ظالما لبعض العباد و غاصبا لشیء من الحطام» (۲)؛ یعنی از خلافت کنار آمدن که هیچ؛ اگر مرا به غل و زنجیر بکشند و روی خارهای مگیلان هم با تن عریان بکشانند، حاضر نیستم حتی به یک نفر از بندگان خدا ظلم کنم. به خاطر همین منطق، امیرالمؤمنین همه مشکلات دوران خلافت خود را لمس کرد و با آنها مواجه شد؛ چون عدالت او بود که آن دشمنها و دشمنیها را علیه او به وجود می آورد. امیرالمؤمنین ایستادگی کرد و به خاطر مواجهه با مشکلات و حل آنها حاضر نشد از عدالت دست بردارد؛ این شد درس. خطبه های نماز جمعه تهران ۸۲

- امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمی شعبان ۸۶

دلایل مختلفی برای این اهمیت یافتن عدالت در دیدگاه معظم له یافت می شود. از دیدگاه ایشان، عدالت یک اصالت و حقیقت ذاتی بشر است که در هیچ دوره ای کهنه نمی شود:

- حقایق بشری و اصالت های بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی کنند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته اند و به عدالت نیازمند بوده اند؛ این تغییر پیدا نمی کند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسؤولانی که نسبت به آنها وفادار باشند، در خدمت آنها باشند و برای آنها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ اینها که تغییر پذیر نیست. درس امیرالمؤمنین در نهج البلاغه ناظر به این چیزهاست. این اصالتها و این ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین بیان می کند؛ ما آنها را می خواهیم؛ والا ما که نمی گوییم اگر خواستیم از این شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیرالمؤمنین برویم؛ نه، حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله ی بسیار تندتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می فرستادند، که دو ماه در راه بود؛ امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می زنید. اینها متغیرات است، اما عدالت و صلاح مسؤولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ این که تغییر پذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و

قدمهایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتیم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۴

• حکومت امیرالمؤمنین در زمینه اقامه عدل، حمایت از مظلوم، مواجهه با ظالم و طرفداری از حق در همه شرایط، الگویی است که باید از آن تبعیت شود. این کهنگی بردار هم نیست و در همه شرایط گوناگون علمی و اجتماعی دنیا، می‌تواند برای خوشبختی و سعادت انسانها الگو باشد. ما نمی‌خواهیم از روش اداری آن دوره تقلید کنیم و بگوییم اینها مشمول تحوّل زمانی است و مثلاً روزبه‌روز روشهای نویی می‌آید. ما می‌خواهیم از جهتگیری آن حکومت که تا ابد زنده است، تبعیت کنیم. دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پا فشردن بر حقیقت، ارزشهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه باارزش است. ما اینها را باید دنبال کنیم؛ اصول اینهاست. خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان ۸۰

این نیاز ذاتی به عدالت، بواسطه تمایل به حرکت انسانها از ظلمات به سمت نور و تکامل معنوی ناشی می‌شود.

نظام جمهوری اسلامی اساساً برای پاسخ به دعوت پیامبران تشکیل شده که محور اساسی آن عبارت است از رساندن انسان به تکامل معنوی، که این ممکن نخواهد شد جز در سایه‌ی ایجاد یک دنیای برخوردار از حسنات و معروف‌هایی که برای انسانها زندگی را قابل تحمل و لذت‌بخش بکند، که از اساسی‌ترین آنها هم عدالت است. بنابراین تشکیل جامعه‌ی عادلانه یک هدف است؛ اما این هدف، هدف میانه است. دیدار با نمایندگان مجلس هشتم ۸۸

در حقیقت، حیات طیبه برای انسانها زمانی شکل می‌گیرد که عدالت در جامعه حکمفرما شده باشد: حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مسأله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. در اسلام، عدالت مسأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به‌هیچ‌وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند. اجتماع بزرگ مردم جیرفت ۱۴

با توجه به این اهمیت است که عدالت تبدیل به یکی از آرمان‌های حکومت اسلامی می‌شود:

معیارها و شاخصهای عملدهی جامعه‌ی اسلامی هم اینهاست: جامعه‌ی برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق و برخوردار از عدالت. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) ۸۶

و یکی از شاخص‌هایی که پیشرفت یا عقب‌ماندگی جامعه اسلامی بر اساس آنها تعریف می‌شود:

- عزیزان من! این سخن نو - توحید، کرامت انسان و عدالت اجتماعی - در دنیا جا باز کرد؛ اینها سه رکن اصلی است. ما باید همه عقب‌ماندگیهای خود را در این سه رکن، عقب‌ماندگی بدانیم. هرچه شخصیت و رفتار ما مسئولان از رفتار توحیدی فاصله بگیرد و احترام ما به زندگی، شخصیت، هویت و عزت مردم کاهش پیدا کند و به هر مقدار که شکافهای طبقاتی علاج نشود و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور دنبال نگردد، این عقب‌ماندگی است. باید همه تلاش ما این باشد که عقب‌ماندگیها را جبران کنیم؛ فضای جامعه هم باید این‌چنین باشد. این‌که گاهی به بعضی کسان - مسئولان و دیگران - هشدار می‌دهم، به‌خاطر همین نقطه نظر است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ۸۲

- اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامیهای امروز ما در عرصه‌ی رسیدن به هدفهای انقلاب و اداره‌ی مطلوب کشور، به‌خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است. هرکدام از ما نسبت به خودمان اغماض می‌کنیم. اسم عدالت را می‌آوریم و به آن تحریض هم می‌کنیم؛ اما در مقام عمل نسبت به خودمان اغماض می‌نماییم. حالا قدری اغماض نسبت به خود، بر اثر نقصها، کوچک بودن و کوتاهیهای طبیعی ما قابل قبول است؛ اما ما نسبت به خودمان زیاد اغماض می‌کنیم. خیلی از امکانات و برخورداریها را برای خود روا می‌داریم که برای دیگران روا نمی‌داریم. ما این فرهنگ حاکم بر ذهن خودمان را باید عوض کنیم و مردم هم همین‌طور. این‌طور نباشد که مردم در مسابقه‌ی زندگی احساس کنند که هیچ مرز و مانعی به نام عدالت، جلو آنها را نمی‌گیرد و آنها تا هر جا که بتوانند بروند، مانعی ندارند. لذا شما می‌بینید یک نفر ثروت نامشروع و حرامی را از یک راه غیرعادلانه به دست آورده - مثلاً در ظرف ده سال چندین میلیارد تومان گیرش آمده - که اگر توزیع کنیم، می‌بینیم گاهی درآمد بنده و شما در طول مدت خدمتتان هم به قدر ثروت یک روز یا یک هفته یا یک ماه او نمی‌شود، بعد هم طلبکار است! طلبکار است که من به مملکت خدمت کردم و این قدر تولید ایجاد نمودم. در ذهن او اصل عدالت

اصلاً نقشی ندارد و اهمیتی به مسأله‌ی عدالت نمی‌دهد که این‌جا عدالتی پایمال شده، بی‌عدالتی به وجود آمده و تخلف از قانون شده و این درآمد و دستاورد ناشی از آن است. ما باید این فرهنگ را در ذهن خود و در ذهن جامعه منتشر کنیم. این یکی از آن پیامهاست. دیدار مدیران صدا و سیما ۸۱

به عبارت دیگر، از دیدگاه ایشان، پیشرفت بدون عدالت پیشرفتی اسلامی نیست:

- اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیائی است. این‌جور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیائی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. این‌جور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است. جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) ۸۸

- اسلام به ملتها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصّبات جاهلانه و کج فکریها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفّه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار

قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می‌آید. امروز گرفتاریهای ملت‌های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرتهای مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملت‌های مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگی آنها دخالت می‌کنند؛ آنها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند؛ از ثروتهای آنها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب ماندگی علمی و عقب ماندگی در شؤون زندگی، از دیگر گرفتاریهای ملت‌های مسلمان است. همه این گرفتاریها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود. دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۷۸

انقلاب اسلامی ملت ایران نیز با توجه به همین مبانی، از ابتدا عدالت را به عنوان یکی از آرمان‌های خود برگزید و در راستای رسیدن به آن تلاش می‌کند:

- راهی که در نوزدهم دی به وسیله مردم و جوانان قم آغاز شد، راه پُرمخاطره‌ای بود؛ اما هدف بزرگی هم در پایان این راه وجود داشت و آن، ایجاد نظام اسلامی بود؛ یعنی نظامی که به برکت احکام و شریعت الهی، نظام عدالت و تقوا باشد. هدف همه پیغمبران هم ایجاد چنین دنیایی بوده است؛ دنیایی که در آن عدالت و تقوا باشد. دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم ۸۰
- آنچه که اساس مطلب برای ما ایرانی‌هاست - که همیشه باید این را در مد نظر داشته باشیم - این است که ملت ما و مجموعه‌ی ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه‌های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می‌کنیم، احساس می‌کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی‌های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملت‌های مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه‌های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ استقلال ملی داشته باشد؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه‌ی ظرفیتهای خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملت در آن صورت می‌شود الگو برای همه‌ی جوامع مسلمان و حتی غیر مسلمان. ملت ایران می‌خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، بالیمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته؛ این هدف ملت ایران است. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۶

• انقلاب یک حقیقت همیشه جاوید است؛ انقلاب پرچم عدالت و آزادی و استقلال و عزت است؛ انقلاب پرچم اسلام است. چنین چیزی هرگز کهنه نمی‌شود، همیشه طرفدار و سرباز دارد و همیشه در میان انسانهای آگاه، دارای دل‌باخته است. دیدار مردم قم ۸۱

اما عدالتی که به این شدت مورد توجه ایشان قرار دارد و جملات فوق میزان اهمیت آن را به نمایش می‌گذارد چیست؟. معظم له اشارات فراوانی در زمینه تعریف عدالت در بیانات مختلف خود داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد بهره‌گیری از تعریف ذیل می‌تواند فضای کلی بحث عدالت را در دیدگاه ایشان روشن سازد:

عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند. دیدار مردم شاهرود ۸۵

این تعریف، حد و مرز مشخصی نمی‌شناسد و عدالت را در همه حوزه‌ها تعریف می‌کند. بر اساس همین تعریف ایشان از عدالت است که هر جا فرصتی برای بهره‌برداری وجود داشته باشد، عدالت هم در آنجا تعریف می‌شود حتی در حوزه اخلاق!:

خصوصیت دوم و شاخصه دوم حکومت امیرالمؤمنین عدالت است؛ عدالت مطلق. یعنی هیچ مصلحت شخصی و هیچ سیاست مربوط به شخص خود را بر عدالت مقدم نمی‌کند. «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ لَا وَاللَّهِ (۱)»؛ من حاضر نیستم پیروزی را از راه ظلم به دست آورم. ببینید چقدر این تابلو، تابلو درخشانی است؛ چه پرچم بلندی است. به شما می‌گویند ممکن است در این میدان سیاست، در این میدان مسابقه علمی، در این میدان انتخابات، در این میدان جنگ، پیروز شوید؛ اما متوقف به این است که این ظلم را انجام دهید. کدام را انتخاب می‌کنید؟ امیرالمؤمنین می‌گوید من این پیروزی را نمی‌خواهم. من شکست بخورم عیبی ندارد، اما ظلم نمی‌کنم. همه این حرفهایی که راجع به امیرالمؤمنین درباره عدالت شنیده‌اید، محورش همین عدالت‌طلبی مطلق امیرالمؤمنین است. عدالت برای همه و عدالت در همه شؤون؛ یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی (ع) ۸۱

همچنین عدالت از دیدگاه معظم له را باید در ابعاد فردی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داد:

. عدالت انسانی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، خود را نشان می‌دهد: عدالت یک انسان در قلمرو فردی او، و عدالت یک انسان در زمینه حکومت و فرمانروایی او، که به آن عدالت اجتماعی می‌گوییم. هر دوی اینها در

زندگی امیرالمؤمنین برجسته است. اینها را ما باید به قصد عمل کردن بدانیم؛ بخصوص کسانی که در جامعه مسئولیتهایی بر دوش دارند و در قلمرو حکومت، صاحب شأنی هستند. در امیرالمؤمنین عدالت شخصی در حدّ اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده او از بهره‌های زندگی، در هزینه کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه شئون او خودش را نشان می‌دهد. در واقع در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه عدالت جمعی و منطقه تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادّعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هرکس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اوّل باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا - به همان معنایی که در ابتدای خطبه عرض کردم - یعنی مراقبت برای خطا نکردن. البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالأخره هر انسان غیر معصومی دچار خطا می‌شود؛ اما این مراقبت، یک صراط مستقیم و یک راه نجات است و از غرق شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد. انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد. این جاست که امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاه‌والسّلام درس همیشگی خودش را به همه کسانی که در امور سیاسی جامعه خود نقشی دارند، بیان کرده است: «من نصب نفسه للنّاس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»؛ هرکس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد - در هر محدوده‌ای - اوّل باید شروع به تأدیب و تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند. یعنی اوّل خودش را اصلاح کند، بعد به سراغ دیگران برود. می‌فرماید: «ولیکن تأدیهه بسیره قبل تأدیهه بلسانه»؛ اگر می‌خواهد دیگران را تربیت کند، باید با سیره و روش و رفتار خود تربیت کند؛ نه فقط با زبان خود. به زبان بسیار چیزها می‌شود گفت؛ اما آن چیزی که می‌تواند انسانها را به راه خدا هدایت کند، سیره و عمل کسی است که در محدوده‌ای - چه در آفاق یک جامعه و، چه در محدوده‌های کوچکتر - او را به عنوان پیشوا و معلّم و کسی که مردم بناست از او پیروی کنند، منصوب کنند. بعد می‌فرماید: «و معلّم نفسه و مؤدّبها احقّ بالأجلال من معلّم النّاس و مؤدّبهم»؛ کسی که خود را تعلیم می‌دهد و تأدیب می‌کند، بیشتر مستحقّ اجلال و تکریم است، از آن کسی که می‌خواهد دیگران را تأدیب کند، در حالی که خودش را تأدیب نکرده است. این، منطق و درس امیرالمؤمنین است. حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دلها و مقبولیت در ذهنهاست. کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اوّل باید در درون خود به صورت دائمی مشغول تأدیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکّر دهد و خود را موعظه نماید. جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۸۰

این امر از توجه مستمر اسلام به جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها نشأت می‌گیرد:

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگر هستند. این می‌تواند پایه و مبنایی برای همه‌ی مسائل کلان کشور و نسخه‌هایی که برای آینده‌ی خودمان خواهیم نوشت، باشد. این دو زاویه‌ای که اسلام از آن به انسان نگاه میکند، یکی نگاه به فرد انسان است؛ به انسان به عنوان یک فرد؛ به من، شما، زید، عمرو به عنوان یک موجود دارای عقل و اختیار نگاه میکند و او را مخاطب قرار می‌دهد؛ از او مسئولیتی می‌خواهد و به او شأنی می‌دهد، که حالا خواهیم گفت. یک نگاه دیگر به انسان، به عنوان یک کل و یک مجموعه‌ی انسانهاست. این دو نگاه با هم منسجمند؛ مکمل یکدیگرند. هر کدام، آن دیگری را تکمیل میکند.

در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می‌گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت میکند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان اَنک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه». اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله‌ی کوتاه میشود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمیکند. وظیفه‌ی هر فردی به عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذا اهتمدیتیم». باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل میکند؛ سرعت میبخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه‌ی فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه‌ی زمانها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند.

اسلام در این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، توصیه میکند زهد بورزد. زهد یعنی دلباخته و دلبسته‌ی دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد میکنند، قطع رابطه‌ی با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. دنیا چیست؟ دنیا همین طبیعت، همین بدن ما، زندگی ما، جامعه‌ی ما، سیاست ما، اقتصاد ما، روابط اجتماعی ما،

فرزند ما، ثروت ما، خانه‌ی ماست. دلبستگی به این دنیا، دلباخته شدن به این نمونه‌ها، در این خطاب فردی، کار مذمومی است. دلباخته نباید شد. این دلباخته نشدن، دلبسته نشدن، اسمش زهد است؛ اما اینها را رها هم نباید کرد. کسی از متاع دنیا، زینت دنیا، از نعمتهای الهی در دنیا رو برگرداند، این هم ممنوع است. «قل من حرم زينه الله أتی اخرج لعباده و الطّیبات من الرّزق قل هی للذّین امنوا»؛ یعنی کسی حق ندارد که از دنیا اعراض کند. اینها جزو مسکّمات و معارف روشن دین است که من نمیخواهم توضیح بدهم. این، نگاه فردی است. در این نگاه به فرد انسان، اسلام استفاده‌ی از لذائذ زندگی و لذائذ حیات را برای او مباح میکنند؛ اما در کنار او یک لذت بالاتر را که لذت انس با خدا و لذت ذکر خداست، آن را هم به او یاد می‌دهند. انسان در یک چنین راهی به عنوان انسان اندیشمند و دارای اختیار، باید انتخاب کند و در این صراط حرکت کند و برود. در این نگاه، مخاطب البته فرد انسان است. هدف این حرکت و این تلاش هم رستگاری انسان است. اگر انسان به این دستورالعمل و نسخه‌ای که به او داده شده است. عمل بکند، رستگار می‌شود. این، یک نگاه است.

در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمرکم فیها». همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردن دنیا یعنی چه؟ یعنی از استعدادهای فراوان و غیرقابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آنها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند. در این زمین و پیرامون زمین، استعدادهایی هست که خدای متعال اینها را گذاشته است و بشر باید اینها را پیدا کند. یک روزی بشر آتش را هم نمی‌شناخت، اما آتش بود؛ الکتریسیته را نمی‌شناخت، اما در طبیعت بود؛ قوه‌ی جاذبه را نمی‌شناخت، قوه‌ی بخار را نمی‌شناخت، اما اینها در طبیعت بود. امروز هم استعدادها و قوای بیشمار فراوانی از این قبیل در این طبیعت هست؛ بشر بایستی سعی کند اینها را بشناسد. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و یکی از لوازم خلیفه بودن انسان، این است.

عین همین مطلب در مورد انسانهاست؛ یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانائی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل میکند. این هم نگاه کلان است. در این نگاه کلان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه‌ی افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه‌ی افراد. یکایک افراد جامعه‌ی بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده‌ی افراد انسان است. در این نگاه می‌بینید انسان همه‌کاره‌ی این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۶

بررسی بیانات معظم له نشان می‌دهد که عدالت ابعاد مختلفی دارد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان ابعاد اصلی مورد اشاره در حوزه عدالت در بیانات ایشان را اینگونه بیان نمود:

- توزیع منصفانه حقوق و فرصت‌ها
- زیر بار ظلم نرفتن و مبارزه با آن
- تلاش برای مقابله با شکاف طبقاتی

توزیع منصفانه حقوق و فرصت‌ها

بخش قابل توجهی از بیانات معظم له که در سطور فوق مورد اشاره قرار گرفت، به مسئله توزیع منصفانه حقوق و فرصت‌ها و به عبارت دیگر، برقرار کردن عدالت باز می‌گشت که برای پرهیز از اطاله خواننده به مطالب قبلی ارجاع داده می‌شود.

زیر بار ظلم نرفتن و مبارزه با آن

در کنار تلاش برای توزیع عادلانه حقوق و فرصت‌ها، زیر بار ظلم نرفتن و مبارزه با آن نیز نقش مهمی در تعریف عدالت از دیدگاه معظم له ایفا می‌کند:

- این یکی دیگر از معیارهای حکومت امیرالمؤمنین است. *تحمّل ظلم را نمی‌کند؛ خودش هم به ظلم تسلیم نمی‌شود، ولو مصالحش از دست برود. یکی از ظلمهای بزرگ، تبعیض است؛ چه تبعیض در اجرای احکام، چه تبعیض در اجرای مقررات. اینها به هیچ وجه برای امیرالمؤمنین قابل قبول نیست. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی(ع) ۸۱*
- امروز آمریکا - منظورم حکومت امریکا است - مظهر ظلم علیه بشریت است و به خود مردم امریکا هم امروز دارد ظلم میشود. نظام طاغوتی و شبکه‌ی مفسد صهیونیستی در دنیا، امروز مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری است؛ ضلالت و گمراهی. قدرتهائی که امروز تسلط بر عالم دارند، قدرتهای ستمگر و ظالمند و به همین دلیل هم با جمهوری اسلامی سر ناسازگاری و سر ستیزه‌گری دارند. ایستادگی جمهوری اسلامی، مظهر عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین است. آنچه ما ملت ایران و مسئولان بالخصوص بر عهده داریم، این است که این الگو را هرچه بیشتر به نمونه‌ی اصلی خود نزدیک و شبیه

کنیم. در داخل کشور شعار «عدالت» را جدی باید گرفت؛ شعار «دینداری» را جدی باید گرفت؛ راه امیرالمؤمنین را جدی باید گرفت و همین است که میتواند ما را برای رسیدن به آرمانها و آرزوهای بلند ملت ایران کمک کند. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۶

- این که می‌گوییم حکومت اصولگرا، یعنی پیرو و پایبند به چنین ارزشهای ماندگاری (عدالت) که هرگز کهنگی‌پذیر نیست. اتفاقاً زورگوها و قلدرهای دنیا از همین پایبندی ناراحتند. آنها هم از همین خشمگین می‌شوند که چرا حکومت اسلامی در ایران طرفدار مظلومان فلسطین یا طرفدار ملت افغانستان است یا با فلان دولت قلدر و ظالم در دنیا سازش نمی‌کند. این که شما می‌بینید بنیادگرایی و اصولگرایی مثل یک دشنام، در دست و دهان دشمنان این ملت می‌چرخد، به خاطر همین است. این اصول، همان چیزهایی است که قلدرها و زورگوهای دنیا از آن متضرر می‌شوند و با آن مخالفند. آن روز با امیرالمؤمنین هم بر سر همین چیزها جنگیدند. تلاش ما به عنوان حکومت باید این باشد. خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان ۱۴۰۰

از این رو، مطالبه مبارزه با ظلم و ظالم، باید یکی از مطالبات کلیدی مردم از حکامشان باشد: در نظام جمهوری اسلامی، مردم باید از مسئولان نشان مقابله با ظلم و ظالم و مفسد را بخواهند. باید معیارشان برای پذیرش یک حاکم و یک مسئول بالا و والای نظام، این چیزها باشد: مبارزه با ظلم، کنار نیامدن با ظالم، تسلیم نشدن در مقابل زورگویی، حفظ حرمت انسان و انسانیت، سعی در احقاق حق در همه قالبها و شکلهای میدانی. بنابراین من اینها را در محضر عام مردم مطرح می‌کنم؛ کمالین که امیرالمؤمنین نیز همین بیانات را خطاب به مردم گفته است. نامه‌های آن بزرگوار اگرچه خطاب به اشخاص است، اما همه مطلع می‌شدند. خطبه‌ها هم که در مقابل چشم مردم مطرح می‌شد. خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان ۱۴۰۰

نکته جالب در این میان این است که بواسطه ذاتی بودن ارزش عدالت در وجود انسانها، هرچه دنیا به سمت بی‌عدالتی بیشتر حرکت کند، جا برای دینی که یکی از ابعاد اصلی آن عدالت است باز می‌شود: امروز ظرفیت عالم برای فهم پیام نبوی، از گذشته بسیار بیشتر است. هرچه علم بشر بیشتر شود، توفیق پیام اسلام محتملتر می‌شود. هرچه قدرتمندان عالم - در هر کجای دنیا - از ابزارهای حیوانی و سبع گونه بیشتر استفاده کنند برای سرکوب کردن احساسات انسانی، برای به تسخیر کشیدن انسانها - که ظلم قدرتها به بشر، به این ترتیب آشکارتر شود - جا برای شناسایی نور اسلام بیشتر باز خواهد شد و انسانها بیشتر تشنه خواهند شد.

امروز ما آثار تشنگی بشریت را به پیام اسلام - که پیام توحید است، پیام معنویت است، پیام عدالت است، پیام کرامت انسان است - احساس می‌کنیم؛ انسانها مشتاقند. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام ۷۹

تلاش برای مقابله با شکاف طبقاتی

همانگونه که در سطور فوق نیز مورد اشاره قرار گرفت، در دیدگاه معظم له، در نگاه اسلامی، شکاف طبقاتی و عدم بهره‌مندی بخشی از جامعه از فرصت‌های مختلف امری مذموم است. از دیدگاه ایشان، همین وجود شکاف طبقاتی و ظلم خود یکی از عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است:

ارزش بعدی، عدالت است. مردم می‌دیدند که جامعه، جامعه غیرعادلانه‌ای است. بی‌دریغ از بالا تا پایین ظلم می‌کردند؛ خودشان هم به خودشان ظلم می‌کردند. در داخل رژیم طاغوت، آن‌جا هم نسبت به همدیگر ظلم و بی‌عدالتی روا می‌داشتند؛ به مردم هم بی‌نهایت ظلم می‌شد. در قضاوت ظلم می‌شد، در تقسیم ثروت ظلم می‌شد، در کار ظلم می‌شد، به شهرهای دور دست ظلم می‌شد، به آدمهای ضعیف ظلم می‌شد. همه جا ظلم محسوس بود و انسان با پوست و گوشت خودش ظلم را حس می‌کرد. مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزشهایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عده دیگر از اولیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشمئز می‌شود و آن را نمی‌پسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیستها ادعا نمی‌کردیم که همه بیایند نان‌خور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه. اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آنها قابل قبول نبود... خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

از همین رو است که حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در همان ابتدای جمهوری اسلامی، تلاش‌های فراوانی را برای جبران حقوق ضایع شده این گروه از جامعه انجام دادند:

سوم از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت می‌دانست؛ همین‌طور هم هست و همان‌طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب،

جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی‌شود این را در درجه دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می‌شود؟! خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت مقام معظم رهبری ۷۸

فصل سوم: کرامت

مقدمه

کرامت موضوعی است که مقام معظم رهبری در کنار توحید و عدالت به عنوان یکی از محورهای شکل‌گیری نظام اسلامی تعریف کرده‌اند. ایشان کرامت را اینگونه تعریف می‌کنند:

رکن دیگر انقلاب اسلامی، توجه به کرامت انسان است. جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای

استان زنجان ۸۲

کرامت بشر بخش مهمی از پیامی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با خود آورده‌اند. معظم له کسانی که این هدف را مورد غفلت قرار می‌دهند سرزنش می‌کنند:

در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. یک عده از این طرف، سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، یک عده هم در طرف مقابل، اسلام را فقط سیاست و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری می‌دانند. اخلاق و معنویت و محبت و فضیلت و کرامت را که بزرگترین هدف بعثت پیغمبر ماست، ندیده می‌گیرند. این هم «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» است؛ این هم «ثَوَمَنَ بَعْضُ وَ نَكْفُرَ بَعْضُ» است. اسلام را در جملات براق و مشعشع سیاسی خلاصه کردن، از خشوع دلها غافل شدن، از ذکر، از صفا، از معنویت، از زانو زدن در مقابل خداوند، از خدا خواستن، به خدا دل بستن، اشک ریختن در مقابل عظمت پروردگار، رحمت الهی را طلب کردن، صبر و حلم و سخا و جود و گذشت و برادری و رحم را ندیده گرفتن و صرفاً به سیاست چسبیدن به اسم اسلام، هم همان انحراف را دارد؛ تفاوتی نمی‌کند. دیدار

کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص) ۱۵

پیامی که روز به روز تشنگی بشر به آن بیشتر می شود:

امروز ما آثار تشنگی بشریت را به پیام اسلام - که پیام توحید است، پیام معنویت است، پیام عدالت است، پیام کرامت انسان است - احساس می کنیم؛ انسانها مشتاقند. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام ۷۹

اگرچه مفهوم کرامت در موارد معدودی توسط ایشان مورد اشاره قرار گرفته است، اما بررسی تعریفی که از آن صورت گرفته است نشان می دهد که ابعاد کرامت از دیدگاه ایشان بارها و در سخنرانی های مختلف مورد اشاره و توجه قرار گرفته است. در این تعریف، ابعاد اصلی کرامت عبارتند از:

- آزادی
 - استقلال
 - مورد تحقیر قرار نگرفتن (شرافت)
 - عزت و خودباوری
- در ادامه هرکدام از ابعاد فوق مورد بررسی قرار می گیرد.

آزادی

آزادی از جمله موضوعاتی که عرصه سیاسی کشور را تا حد زیادی به خود مشغول کرده است. معظم له ضمن تاکید بر اهمیت موضوع آزادی، جامعه را از افتادن در دام تقلید از غربی‌ها در این موضوع بر حذر می‌دارند:

که در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را - که شعار دیگر ماست - به کار گیریم؛ یعنی مستقل فکر کنیم؛ تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسأله که پایه بسیاری از مسائل و پیشرفتهای ماست، بنا شد از دیگران تقلید کنیم و چشمهایمان را فقط بر روی دریچه‌ای که تفکرات غربی را به ما می‌دهد، باز کنیم، خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم و نتیجه تلخی در اختیار خواهد بود. مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۷

ایشان آزادی را مفهومی می‌دانند که اسلام به شدت بر روی آن تاکید کرده است:

مسأله «آزادی» یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم‌السلام به‌طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته تعبیری که در این‌جا از آزادی می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرفداری در دنیا ندارد. فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت کند. مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و بخصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محل بحث ما نیست. آزادی معنوی چیزی است که همه کسانی که معتقد به معنویاتند، آن را قبول دارند؛ محل رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در این‌جا بحث می‌کنیم «آزادی اجتماعی» است؛ آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. همین مقوله، در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. آیه شریفه ۱۵۷ سوره «اعراف» می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ أَلَتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». خداوند یکی از خصوصیات پیامبر را این قرار می‌دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسانها بر می‌دارد و «اصر» یعنی تعهدات تحمیلی بر انسانها را از آنها می‌گیرد. مفهوم خیلی عجیب و وسیعی است. اگر

وضع جوامع دینی و غیردینی در آن دوره را در نظر داشته باشید، می‌دانید که این «اصر» - این تعهدات و پیمانهای تحمیلی بر انسانها - شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری از قیود اجتماعی غلطی که دستهای استبداد یا تحریف یا تحمیق بر مردم تحمیل کرده بود، می‌شود. «اغلال» هم که غل و زنجیرهاست، معلوم است. در این هر دو کلام، دو خصوصیت برای «آزادی» هست که البته کلام امیرالمؤمنین این برجستگی و امتیاز را داراست که ضمانت اجرایی هم دارد. یکی از آن دو خصوصیت، همین است که حریت جزو فطرت انسانی است - «وقد خلقک الله حراً» - مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

۷۷

و خود اسلام نیز ابعاد مختلفی همچون آزادی اجتماعی (که در پاراگراف بالا تعریف شد)، آزادی معنوی و آزادی سیاسی را برای جوامع اسلامی در نظر گرفته است:

- هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیتی که عرض می‌کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها - که از اول و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری، در علم و در بقیه‌ی خواسته‌ها و دستاوردهای بشری - برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی. آزادی فقط آزادی اجتماعی نیست - اگرچه آزادی اجتماعی، یکی از مصادیق مهم آزادی است - هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، هم آزادی به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست‌اندازی بیگانگان و استیلای آنها - که گاهی کشور بظاهر مستقل هم هست، اما زیر نفوذ است - و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. همه‌ی کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج انسانی است. این باید در جامعه‌ی اسلامی خود را نشان بدهد. ایران با این خصوصیات، مطلوب انقلاب بود. شما بپرسید که از کجای انقلاب، این خصوصیات در می‌آمد؟ کجا تدوین شد؟ من عرض می‌کنم از کلمه‌ی اسلامی. اسلام

اصلاً همین‌هاست. آن کسی که غیر از این در مورد اسلام تصور میکند، اسلام را نشناخته. آن کسی که تصور میکند اسلام فقط به جنبه‌های معنوی، آن هم با برداشت و تلقی خاص از جنبه‌های معنوی - عبادت و زهد و ذکر و امثال اینها - می‌پردازد، به دنیای مردم، به لذات مردم، به خواسته‌های بشری مردم نمی‌پردازد، او اسلام را درست نشناخته؛ اسلام اینجوری نیست. همه‌ی این چیزهایی که گفتیم؛ هم آن چیزی که مربوط به مسائل دنیائی جامعه است - مثل عدالت، مثل امنیت، مثل رفاه، برخورداری از ثروت، برخورداری از آزادی و استقلال - هم آنچه که مربوط به مسائل اخروی است؛ مثل رستگاری، تقوا، پرهیزگاری، رشد اخلاقی، تکامل معنوی انسان، در کلمه‌ی اسلامی مندرج است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۸۷

- اسلام به ملتها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصّبهای جاهلانه و کج فکریها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۷۸

دلیل تاکید جدی اسلام بر موضوع آزادی نیز از بیانات ایشان، باز بودن راه تکامل معنوی برداشت می‌شود: بشر خصوصیتش این است که مجموعه انگیزه‌ها و غرایز متضادی است و مکلف است که در خلال این انگیزه‌های گوناگون، راه کمال را بی‌یابد. به او آزادی داده شده، به خاطر پیمودن راه کمال. همین آزادی با این ارزش، برای تکامل است؛ کما این‌که خود حیات انسان برای تکامل است: «و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون». خداوند جنّ و انس را آفریده، برای رسیدن به مرتبه عبودیت او که مرتبه بسیار والایی است. آزادی هم مثل حق حیات است؛ مقدمه‌ای برای عبودیت. مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۷۷

انقلاب اسلامی ایران نیز با تکیه بر اهمیت آزادی در نگاه اسلام، آزادی را به عنوان یکی از ارزش‌های خود برگزید:

آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزش‌های انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادانه فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادی‌ها باشد... خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

از این رو است که آزادی تعریف شده در جمهوری اسلامی، محدود به حدود اسلامی است و آزادی بی‌قید و بند نیست:

• ما به آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را انقلاب و پیشروان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد. امام اینها را به این کشور هدیه کرد و خون شهدا این ارزشها را به این کشور بخشید. کسانی که پاسدارِ خون شهدا هستند و کسانی که پیرو امامند، علمداران این مفاهیمند. در این‌که شکی نیست! اما این آزادی، محدود است و آزادی مطلق نیست. حدّش کجاست؟ حدّش عبارت است از حدودی که اسلام تعیین کرده است. اگر بنا شود که کسانی مردم را به بی‌ایمانی و به شهوات سوق دهند، در این کار، آزاد نیستند. این آزادی، آزادی خیانت است. اگر قرار شد کسانی بنشینند و توطئه کنند و این توطئه را به شکلی در نوشته‌ای منعکس کنند، این آزادی توطئه است و مردود است. دیدار فرماندهان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۷۷

• این هیچ ربطی ندارد به این‌که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. طبیعی است که ما با آزادی‌هایی مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادی‌ها مخالفیم. ما با آزادی‌های جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می‌دهد. همین الان در کتابهای ما

هست؛ کتابهای منتشر شده الان وجود دارد. اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار شود، اسمش را می‌گفتم. کتابی که جوانان را به طور واضحی، با شیوه‌های هنری، به سمت گناه سوق می‌دهد! این یک مسأله فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جوابش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد! بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) ۷۸

استقلال

استقلال جزء شعارهای کلیدی انقلاب اسلامی و جزء ارزش‌هایی است که در جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است:

ارزشها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

و تبدیل به یکی از اهداف عالی نظام شده است:

ملت ما و مجموعه‌ی ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه‌های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می‌کنیم، احساس می‌کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی‌های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملت‌های مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه‌های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ **استقلال ملی داشته باشد**؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه‌ی ظرفیتهای خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی برزندگی او حاکم باشد. این ملت در آن صورت می‌شود الگو برای همه‌ی جوامع مسلمان و حتی غیر مسلمان. ملت ایران می‌خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، بالیمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته؛ این هدف ملت ایران است. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۶

و هر الگوی پیشرفتی باید تضمین کننده استقلال کشور باشد:

یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید بعنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند،

دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود. امروز هستند کشورهایی - بخصوص در آسیا - که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفته‌های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، وابسته‌اند. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند. نه در سیاستهای جهانی، نه در سیاستهای اقتصادی عالم و نه در طراحی‌های مهمی که در عرصه‌ی بین‌المللی مورد توجه است. دنباله‌روند؛ غالباً هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد. دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۸۸

معظم له در موارد متعددی به معنای استقلال اشاره کرده‌اند. اشارات مختلف موجود در بیانات ایشان به شرح زیر است:

- عدم اتخاذ رویکرد انفعالی نسبت به قدرتمندان: استقلال یعنی در مقابل حرکت قدرتمندان عالم، حالت انفعال به خود نگیریم. آنچه که منفعت ماست، آنچه که مصلحت ماست، آنچه که با هدفهای ما و آرمانهای ما منطبق است، آن را دنبال کنیم؛ زیر فشار تبلیغات دشمن و کار سیاسی دشمن قرار نگیریم. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶

- استقلال یعنی در مقابل حرکت قدرتمندان عالم، حالت انفعال به خود نگیریم. آنچه که منفعت ماست، آنچه که مصلحت ماست، آنچه که با هدفهای ما و آرمانهای ما منطبق است، آن را دنبال کنیم؛ زیر فشار تبلیغات دشمن و کار سیاسی دشمن قرار نگیریم. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶

- عدم تبعیت از سیاست‌های دیگران: یکی از مهمترین بخشهای تشکیل‌دهنده‌ی هویت این انقلاب، استقلال و هویت ملت ایران بود؛ چیزی که در طول دوران پنجاه ساله‌ی حکومت پهلوی و در حدود پنجاه سال قبل از آن در حکومت قاجار، بکل لگدمال شده بود. کشور به این بزرگی، ملت به این

با استعدادی، ثروت به این انبوهی، یکجا در اختیار سیاستهای بیگانه بود؛ یک روز در رقابت روس و انگلیس، یک روز مستقلاً در اختیار انگلیس، در نهایت هم در اختیار دزدی قوی پنجه‌تر از اینها؛ یعنی امریکا. ملت ایران - چه فرزانشان که با علم و آگاهی از آن وضعیت رنج می‌بردند، و چه آحاد مردم که از آثار آن وضعیت دچار شکنجه و ستم بودند - یکی از بزرگترین هدفهایشان این بود که این هویت اسیر را بازیابی کنند؛ استقلال خودشان را به دست بیاورند و تابع سیاست این کشور و آن کشور نباشند. امروز هم مهمترین دشمنی‌هایی که با این انقلاب می‌شود، به خاطر همین است. دیدار پرسنل نیروی هوایی ۸۳

- تصمیم‌گیری بر اساس مصالح خود: استقلال یعنی این که ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرتهای بیگانه را قبول کنند. بیگانگان هرچه خواستند، بر طبق میل آنها انجام شود؛ اگر آنها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزنند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرض و تجاوز کردند، کسی حرف نزنند؛ اگر ملت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جان خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۲

- عدم وابستگی به دیگر کشورها: اساس قضیه در این انقلاب و این کشور، مسأله «استقلال» است. به دنبال استقلال از خیرات و برکات، همه چیز به یک کشور می‌رسد. چنان که همه ضعفها از «وابستگی» یک کشور به خارج، واصل و عاید می‌شود. چون وابستگی، اول ندیده گرفتن موجودیهای و و موهبات الهی در حق یک ملت است. وابسته شدن به یک مرکز قدرت - در هر حالی که باشد - و دنباله‌رو آن بودن و حرکت کردن؛ ندیدن عقاید، ندیدن فرهنگ بومی، ملاحظه نکردن آمال مردم و حتی ملاحظه نکردن مصلحت ملی، از نتایج وابستگی است. بدترین دولتها و حکومتها حکومتی است که وابستگی را بر ملت خود تحمیل کند. ملتها نمی‌خواهند وابسته باشند. اهل یک روستا را شما نگاه کنید! اگر بتواند

دلش می‌خواهد وابسته به مرکز روستا یا فرضاً مرکز شهر نباشد. اصلاً وابستگی، خلاف طبیعت انسان است. اما دولتها آن را بر مردمشان تحمیل می‌کنند و در راه این تحمیل، ملت را می‌کوبند. دیروز به نوعی و امروز به نوعی دیگر. دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش ۷۵

این استقلال در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تعریف می‌شود:

- یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته به کمپانیهای جهانی نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹
- یکی از بزرگترین مظاهر استقلال انسان، استقلال فکری است. ببینید اسلام چه می‌گوید؛ ببینید منطق صحیح چه می‌گوید. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹
- ولی از این بالاتر، «استقلال فرهنگی» است: فرهنگ استقلال، اعتقاد به استقلال و ایمان. مهم این است که با هر نوع وابستگی مقابله شود. یک ملت به این نقطه که رسید، دیگر هیچ مشکلی ندارد. دیدار

پرسنل و فرماندهان ارتش ۷۵

با توجه به اینکه استقلال یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی است و باعث قطع دست مستکبرین شده است، یکی از عوامل دشمنی آنها با ملت ایران، همین روحیه استقلال طلبی مردم است:

ملت ایران در انقلاب خود یک حرف بزرگ زد و آن حرف این بود که ایران و ایرانی نمی‌خواهد دیگر زیربار سلطه بیگانگان برود - این بیگانگان، می‌خواهد امریکا باشد؛ می‌خواهد انگلیس باشد؛ می‌خواهد شوروی آن روز باشد - می‌خواهد مستقل بماند. آنها با این استقلال طلبی ملت ایران کینه می‌ورزند و دشمنند و می‌دانند که این استقلال ملت ایران ناشی از روح دینی و از اسلام است؛ پس با اسلام هم دشمنی می‌کنند. هرکس که به اسلام نزدیکتر و روح استقلال در او قویتر باشد، دشمنی آنها با او بیشتر است. این دشمنیها، این بدخواهیها، این

کینه‌ورزیهای بیست ساله، به‌خاطر اینهاست. ولی ملت ایران محکم و استوار ایستاد و به ملت‌های دیگر هم درس

داد. دیدار اقشار مختلف مردم ۷۸

شرافت

یکی از ابعاد مهم کرامت بشری، حفظ شرافت انسان‌ها و عوامل سربلندی آنها است. برای شناسایی برخی از حوزه‌هایی که موجب شرافت انسانی هستند، می‌توان از موارد که رهبر معظم انقلاب از آنها برای تبیین تحقیرها استفاده کرده‌اند بهره‌گرفت:

• مسائل مالی و اقتصادی: امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و

کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این که انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه‌چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! در دیدار با نمایندگان مجلس ششم و در تاریخ بیست و نهم خرداد ۱۳۷۹

• مسائل معرفتی: این هم باز یک خصوصیت دیگر است، یعنی خودبزرگ بینی و توده‌ی مردم را نابخرد

بحساب آوردن و تحقیر قشرهای مردم که این، هم آنروز، و هم در همه‌ی اعصار تطبیق می‌کند با کسانی که از اندکی دانش و معرفت برخوردارند چه روشنفکر دینی چه روشنفکر غیر دینی، به مردم با نظر تحقیر نگاه می‌کند و ما در جامعه‌ی خودمان از این قبیل داشتیم و همچنان متأسفانه هنوز هم داریم، وقتی به این توده‌های مردم که با عشق و اخلاص برای دفاع به جبهه‌های جنگ می‌شتابند نگاه می‌کند اینها را تحقیر می‌کند، به مراسم مردم و به باورهای مردم با نظر تحقیر نگاه می‌کند، اگر به او گفته بشود: چرا شما در جمع مردم وارد نمی‌شوید و چرا با آنها هم آوا و هماهنگ و هم‌گام نمی‌شوید؟ می‌گوید: آیا من با اینها هم آوا بشوم؟! ملت را و توده‌های مردم را نابخرد می‌داند! در حالی که ممکن است توده‌های مردم بیسواد، یا احساساتی باشند، اما نابخرد نیستند و در همه‌ی ادوار همه‌ی کارهای بزرگ که حاکی از عزم و اراده‌ی ملی بوده، بدست توده‌های مردم انجام گرفته. بیانات در جلسه چهاردهم تفسیر سوره بقره ۱۳۷۰

- **فرهنگ، ارزش‌ها و باورها:** اینها با انواع روشها و شیوه‌ها سعی کردند فرهنگ غربی را بر کشور ما حاکم کنند. به خاطر این، ملت ایران را تحقیر می‌کردند؛ فرهنگ ملی را تحقیر می‌کردند؛ باورهای ملی را تحقیر می‌کردند. شما ببینید در دوران حکومت پهلوی‌ها و اندکی قبل از آن در اواخر حکومت قاجارها، که همین حمله‌ی غربیها شروع شده بود و در دوران پهلوی‌ها به اوج رسیده بود، پرورش یافته‌های آن دوران، ملت ایران را اصلاً قابل این نمی‌دانستند که بتواند خودش را اداره کند، بتواند کاری بکند، بتواند چیزی بسازد، چیزی به دنیا ارائه بدهد و یا بر معلومات دنیا اضافه کند. این به خاطر چیست؟ این به خاطر تحقیر فرهنگ ملت، تحقیر هویت ملی و تحمیل فرهنگ بیگانه است. هویت ملی، با «فرهنگ» شکل می‌گیرد. هویت هر ملتی، فرهنگ اوست؛ این را ناپیستی زخمی و جریحه‌دار کرد.

- **جنسیت:** آن روز دخترانی را به عنوان «دختر نمونه» و «دختر شایسته»، از آغوش گرم و عفیف خانواده‌ها بیرون می‌کشیدند و در منجالب فساد فرومی‌کردند. اما امروز، چنین چیزی نیست. حق زن در کجا ضایع می‌شود؟ در جایی که جلو تحصیل زنان گرفته شود؛ جلو اشتغال زنان به کارهای متناسب با بانوان گرفته شود؛ جلو خدمت‌رسانی زنان یا خدمت‌رسانی به زنان گرفته شود و نیز در جایی که زن تحقیر شود. بروید به جوامع امریکایی نگاه کنید! خواهید دید که در آنجا زن تحقیر می‌شود. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می‌شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقیر می‌شود. حق مادری، به این شکلی که در مراکز اسلامی هست، در آنجا معنا ندارد. بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۰

- **تحقیر علمی و سیاسی:** اسلام عزیز است. اسلام دارای علو است. ما به اسلام احتیاج داریم برای اینکه از تحقیر قدرتهای استکباری، تحقیر علمی، تحقیر سیاسی و فرهنگی آنها نجات پیدا کنیم. بیانات مقام معظم رهبری و فرماندهی‌کل قوا در دیدار مردم قم ۸۱

بر این اساس، حفظ کرامت انسانی نیازمند حفظ شرافت افراد و جوامع در حوزه‌های مختلف است.

احساس عزت و خودباوری

جامعه‌ای که بیداری در آن رخ می‌دهد، به سمت احساس عزت و خودباوری به حرکت در می‌آید. اما عزت چیست؟

- همچنانی که یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يقولون لئن رجعنا الى المدينة ليخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنين و لكنّ المنافقين لا يعلمون». (۲) منافقان با خودشان گفتگو میکردند که ما عزیزیم و مسلمانها را - که ذلیلند - از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینجور میگویند، لیکن نمیفهمند و نمیدانند؛ آنکه عزیز است مؤمنانند؛ عزت از آن خداست و از آن پیامبر خدا و از آن مؤمنان بالله. این یک تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ «عزت ملی». اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آنها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت براحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار میگیرد... یکی از اساسی‌ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به

ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید. جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۸

عزت از جمله شاخص‌های نظامی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه به وجود آورده‌اند:

- شاخص ششم، اقتدار و عزت است. جامعه و نظام نبوی، توسری‌خور، وابسته، دنباله‌رو و دست حاجت به سوی این و آن درازکن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را پیش می‌برد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰

- قرآن دستورالعمل یک حیات سعادت‌مندانه و زندگی توأم با عزت است و این چیزی است که امروز برای متفکران مسلمان مبهم و مشکل نیست. دیدار با مسئولان کشوری و لشکری به مناسبت عید سعید

فطر ۷۶

احساس عزت و خودباوری مزایای زیادی برای جوامع به دنبال دارد. برخی از این منافع در عبارات ذیل مورد اشاره قرار گرفته است:

- اگر این عزت‌نفس و این اعتمادبه‌نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می‌کند، خطرپذیری‌ها می‌کند، در میدانهای دشوار قدم می‌گذارد و کوه‌ها را از جا می‌کند. دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۸۳

- مطلب دوم این است که یک ملت اگر در چشم ملت‌های دیگر از عزت برخوردار نباشد، کارش زار است! کارش در سیاست، در تجارت و در فرهنگ، زار است. اولین دشمنی بزرگی که قدرتهای استکباری و استبدادی با یک ملت می‌کنند، این است که او را ذلیل می‌کنند؛ عزت او را از او می‌گیرند. ملت ایران با این سابقه تاریخی، با این عظمت، با این استعداد، با این جوانان خوب، با این همه زیبایی - زیبایی انسانی و طبیعی و تاریخی که در میان این ملت هست - در دوران رژیم گذشته، در چشم

بیگانگان به ملتی تبدیل شده بود که آنها از آن ملت، فقط فرش یا پسته را می‌شناختند! می‌گفتند اینها همان کسانی هستند که برای ما فرش می‌بافند و پسته تولید می‌کنند! اهانت به یک کشور و یک ملت از این بالاتر! صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (ع) ۷۷

احساس خودباوری نیز می‌تواند نقش مهمی در موفقیت جامعه ایفا نماید:

- سوم، خودباوری. این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت - یعنی باور کرد که می‌تواند - این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده ما باور دارد که می‌تواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم؛ اما هنوز عقیم. هیچ‌کس خیال نکند که چون در میدان علم پیشرفت کرده‌ایم، به مقصد رسیده‌ایم و دیگر بس است؛ نه، ما را خیلی عقب نگه داشته‌اند؛ ولی ما پیشرفت کرده‌ایم و در این بیست و پنج سال خیلی جلو آمده‌ایم. طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه دنیا بالاتر و بیشتر بوده است! چند روز قبل که جوانان نخبه پیش من آمده بودند، این نکته را به آنها هم گفتم. خودباوری در علم، سیاست و در دفاع از کشور به ما کمک کرد. در دوران جنگ هشت ساله اگر خودباوری نداشتیم، پدر این ملت درآمده بود و این کشور پامال شده بود. همین بود که جوان بیست و پنج ساله به خودش باور و اعتقاد و اتکاء داشت. یک لشکر را به یک جوان بیست و پنج ساله می‌سپردند؛ می‌رفت می‌ساخت، می‌پرداخت، آماده می‌کرد، حرکت می‌کرد، اقدام می‌کرد و کارهای بزرگ انجام می‌داد. امروز این خودباوری وجود دارد. دانشگاههای ما امروز کار علمی می‌کنند؛ جوانان ما پیشرفتهای علمی می‌کنند؛ در بخشهایی پیشرفتهای علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور می‌گویند. کشور ژاپن که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور

کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربیها که هیچ مایل نیستند به منطقه شرق نگاهی بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجّهی بکنند، به خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدّی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی - علمی امریکا گفته اند ما نمی خواهیم یک ژاپن اسلامی به وجود آید! ژاپن اسلامی یعنی شما. گفته اند نمی خواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. اینها حرکت ملت ایران را می بینند؛ این خودباوری را می بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود. خطبه های نماز جمعه تهران ۸۲

احیای روح خودباوری در جامعه از جمله اقدامات مهم حضرت امام ره علیه است:

- اول، احیای روح خودباوری و استقلال در مردم. در طول سالیان دراز به مردم تفهیم شده بود که شما نمی توانید. هرچه افراد از همه طبقات - روحانی، غیرروحانی، دانشگاهی، عالم، جاهل - می گفتند، پاسخ می دادند که نمی شود و فایده ای ندارد. این روحیه باید عوض می شد. این گونه خُلُقِیات اجتماعی، مثل خُلُقِیات فردی نیست. خُلُقِیات فردی هم به آسانی عوض نمی شود؛ اما خُلُقِیات اجتماعی خیلی دشوارتر است. امام باید این را به روح خودباوری و اتّکاء به نفس و مشی مستقل تبدیل می کرد. برای خاطر این خصوصیت، امام باید هیچ گونه دخالت و نفوذی را از غیر این ملت بر این ملت تحمّل نکند و نکرد. این که می بینید امام این گونه در مقابل امریکا و در مقابل شوروی آن روز می ایستاد، به خاطر این بود. امریکاییها بیست و پنج سال تمام، سرشان را پایین انداخته بودند و به این جا آمده بودند. سفره ی گسترده ای بود که اینها و یک مشت مزدور، هر کار خواسته بودند، کرده بودند؛ تا ماههای اوّل انقلاب هم هنوز قطع امید نکرده بودند! من قضایایی را در ذهن دارم که حالا وقت نیست آنها را بگویم. امام، به کل نوک همه این پُرمدّعاها را چید! اگر اندک غفلتی از امام سرمی زد، از طرق مختلف و از پنجره های متعدّد، همان کسانی که از در بیرون شده بودند، دوباره وارد می شدند. امام قرص و محکم جلو نفوذ و تسلّط بیگانه را به هر کیفیتی بست و ایستاد. این اوّلین نقطه بود. خطبه های نماز جمعه تهران ۷۸

بیداری

بیداری مفهومی است که در قالب‌های مختلف و در زمینه موضوعات مختلف مکرراً مورد اشاره معظم له قرار گرفته است. برای اینکه درک درستی از مفهوم بیداری داشته باشیم، باید مفاهیم مختلفی را مورد بررسی قرار دهیم. اولین نمونه از مفاهیم مرتبط با بیداری، موضوع غفلت است.

غفلت

سعدی در گلستان ... حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد. کشور ما و ملت بزرگ ما و بخصوص طبقه‌ی جوان ما آن روز به‌طور عام - فقط استثناءها بیرون بودند - دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدمهای متدین و متورع هم بودند، آدمهای بی‌دین و لایابالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوانهای پاکی بودند؛ اما در غفلت عمومی جوانها همه همراه بودند. بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۸۳

غفلت از جمله موضوعات مهمی است که می‌تواند تاثیرات ویرانگری بر سرنوشت ملت‌ها داشته باشد. غفلت می‌تواند نسبت به موضوعات مختلفی صورت پذیرد:

- غفلت از خدا: آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ» یعنی قرآن را وسیله ذکر و به هوش بودن و متوجه بودن آحاد مسلمانان معرفی فرموده است؛ زیرا بسیاری از مردم، در طول

زمان دچار غفلت از حقایق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدس پروردگار بوده‌اند. در سوره‌های قرآن، درباره ذکر و غفلت مطالب زیادی بیان شده است که به گمان من در دو سوره «یاسین» و «انبیاء»، بیش از دیگر سوره‌ها، روی این دو مطلب تکیه شده است. قرآن می‌خواهد مردم مسلمان غافل نباشند، بلکه متوجه باشند. صحن «آستان قدس رضوی» ۷۳

- **غفلت از آرمان‌ها:** قیام ملت ایران توانست مسلمانان نقاط مختلف دنیای اسلام و کشورهای اسلامی را متوجه خود کند و به آنها تکان سختی بدهد؛ خیلی‌ها را از خواب بیدار کرد و جوانها را هم متوجه آرمانهای دست‌یافتنی کرد. دیدار مردم شاهرود ۱۵

- **غفلت از آینده:** بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۸۳

- **غفلت از مبارزه:** امت اسلامی مایه‌ی حیات دنیای مدرن و مرفقی و صنعتی یعنی نفت را در اختیار داشت؛ اما امروز وضع سیاسی، علمی و عقب‌افتادگی‌هایش را نگاه کنید! این به‌خاطر به خواب رفتن و غافل شدن از مبارزه است. دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۸۲

- **غفلت از دشمن:** همچنان که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «من نام لم ینم عنه» (۲). آن وقتی که شما در سنگرتان به خواب رفته‌اید، خیال نکنید که سنگربان سنگر مقابل هم در خواب است. خیر؛ او متوجه شماست و منتظر است که به خواب بروید. برای ملت، خواب رفتن، بزرگترین دشمن است. دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، در آستانه روز ارتش جمهوری اسلامی ایران ۷۶

- **غفلت از توانمندی‌ها:** اولاً علت این‌که ما هر سال چنین جلسه‌یی را تشکیل می‌دهیم، این است که این جلسه نماد «ما می‌توانیم» است. توجه داشته باشید که ده‌ها سال در این کشور، حساب شده و به نشان، کار کردند برای این‌که ثابت کنند ایرانی نمی‌تواند. ما می‌خواهیم نشان دهیم که ایرانی می‌تواند. انقلاب یکی از بزرگترین همت‌هایش به این گماشته شده بود که هم به دنیا بگوید، هم به خود ملت ایران

بگویند که ما می‌توانیم. و من به شما بگویم؛ انقلاب در این زمینه موفق شده است. خودباوری در کشور

ما بیدار شده است. دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور ۱۴

حتی گاهی این غفلت تا حدی پیچیده می‌شود که فرد در حالیکه احساس می‌کند در راستای حق تلاش می‌کند، برای دشمن کار می‌کند: غفلت بزرگی است که انسان به خیال این‌که از حقیقت دفاع می‌کند، از نقشه‌ی دشمن دفاع کند و برای دشمن کار کند. دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج ۱۳

غفلت یکی از ابزارهای بسیار مهم دشمن در مواجهه با جوامع اسلامی نیز هست:

- شما به اکناف عالم نگاهی بکنید؛ ببینید این قدرتهای ستمگر، با مسلمانها چه می‌کنند! اولین نیت آنها این است که مسلمانان را در خواب غفلت نگه دارند و اگر کسی هست که به مسلمانان هشدار می‌دهد، هر طور می‌توانند، او را از صحنه خارج کنند. این، بزرگترین همت استکبار و قدرتها و قلدرهای جهانی است. می‌خواهند مُنذِرِ نباشد؛ مُنبِهی نباشد؛ بیدار کننده‌ای نباشد و به همین سبب، با جمهوری اسلامی ایران مخالفند. دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان

۷۲

- در این مملکت، آنچه که برای امریکا، برای استکبار و برای جهانخواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردی است که این مردم به سینه دشمنان این کشور و جهانخواران زده‌اند؛ این را نمی‌خواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت مقام معظم

رهبری ۷۸

- قرآن می‌خواهد مردم مسلمان غافل نباشند، بلکه متوجّه باشند. نقطه مقابل این خواست الهی و قرآنی، خواست کسانی است که مست قدرت یا شهوتند، که در آیه شریفه قرآن در سوره «نساء» نسبت به اراده پروردگار، این گونه می‌فرماید: «یرید الله لیبئن لکم و یهدیکم سنن الدین من قبلکم» یعنی خدا می‌خواهد که شما هدایت شوید؛ راه را پیدا کنید؛ چشمهای شما ببیند و قلب شما آگاه باشد. اما در آیه

بعد، نقطه مقابل این است «و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً» اما کسانی که مست قدرت و شهوتند، دچار غفلت هستند و می‌خواهند شما هم مثل آنها در غفلت به سر ببرید و متوجه نباشید و راهتان را پیدا نکنید. لذا، صاحبان قدرت و گردن‌کلفت‌های عالم که قدرت و شهوت و مقام و همه موجبات غفلت را با همدیگر دارند، هر جا به مردم و کسانی که بیدارند و دل‌هایشان به هدایت الهی نورانی است برخورد می‌کنند، می‌خواهند آنها را هم مانند خود دچار غفلت کنند و از راه راست منحرف نمایند. صحن «آستان قدس رضوی» ۱۳

- کسانی که اگر به نقطه‌یی از دنیا نگاه می‌کنند، جز نگاه طمعکارانه نیست - یعنی استعمارگران - در طول دو قرن در سرتاسر کشور ما به دنبال منافع و اهداف شیطانی خودشان هر کاری توانستند، کردند و برای این‌که مانعی بر سر راه آنها نباشد، مردم را در غفلت نگه داشتند. اجتماع بزرگ مردم جیرفت ۱۴

- دشمن در مراحل متعدّد شکست مفتضحانه‌ای هم خورد؛ اما این دشمن کمین می‌گیرد، از غفلتها استفاده می‌برد و حمله می‌کند. دیدار مردم قم ۱۱

از سوی دیگر، بیداری از این غفلت از جمله شاهکارهای انقلاب اسلامی مردم ایران است:

- سعدی در گلستان ... حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد. دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۸۳

از این‌رو به نظر می‌رسد که مهمترین عرصه مواجهه نظام اسلامی و دنیای استکبار و به تبع آن، اسلام ناب و اسلام امریکایی، همین جنگ غفلت و بیداری باشد:

- مانع اساسی و عمده‌ای که بر سر راه اهداف امریکا وجود دارد عبارت است از نهضت بیداری دنیای اسلام. دنیای اسلام در حال بیدار شدن است. اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس ۸۲

این امر بیداری را تبدیل به یک آرمان نموده است و انقلاب اسلامی از اعمالی که بیداری مردم را حفظ نماید پشتیبانی می‌کند:

- ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت زده و خواب‌آلوده نباشند؛ دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۸۴

- این که می‌بینید ملت ما بعد از بیست و شش سال «مرگ بر امریکا» را فراموش نمی‌کند، به خاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر امریکا» بی که مردم ما می‌گویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که اول هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم الله الرحمن الرحیم» گفته می‌شود. استعاذه‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست. «مرگ بر امریکا» هم برای این است که ملت فراموش نکند سلطه‌گران جهانی منافع سرشاری که در این کشور داشته‌اند و دست آنها کوتاه شده، از یاد نبرده‌اند. آنها همیشه دنبال این هستند که همان منافع را باز در داخل این کشور برای خودشان تأمین کنند و به قیمت نابودی استعداد جوانان و آینده‌ی این کشور، بر ثروت و علم و فناوری خود بیفزایند.

دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ۸۳

بروز این غفلت در جوامع اسلامی، علل و عوامل متعددی دارد. اما آنچه در این مقطع مهم است، راهکار برون‌رفت از این غفلت و خواب‌آلودگی است. اینجا است که موضوع بیداری از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌شود. دلایل فراوانی برای تبیین اهمیت موضوع بیداری وجود دارد. در نظامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنا نهادند، پایه همه چیز بر بیداری و آگاهی قرار گرفته است:

- شاخص سوم، علم و معرفت است. در نظام نبوی، پایه همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص، به

نیروی فعال - نه نیروی منفعل - بدل می‌کنند. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۰

- بیدار کردن مردم، بیدار کردن دنیا و بیدار کردن بشریت، کار بزرگ پیامبر اکرم و دعوت نبوی بود؛ «ان هو اَلا ذکر للعالمین». این ذکر است، یاد است، تذکر است، هشدار است، بیدارباش برای همه بشر است.

البته این بیداری، منتی است که خدای تعالی بر مومنین می‌گذارد و آنها را از خواب غفلتشان بیداری می‌کند:

- خدای متعال، بر ما به عنوان یک ملت، منت گذاشته و بیدارمان کرده است. ما هم قبلاً در خواب غفلت بودیم. ما هم در سایه نا مبارک نظامهای طاغوتی و سلطنتی، راه را نمی‌شناختیم. ما هم از اخلاق اسلامی برکنار بودیم. خدا بر ما منت نهاد، بیدارمان کرد و دلهایمان را روشن نمود. صحن «آستان قدس رضوی» ۷۳

- بدون ایمان هم ممکن نبود این بیداری به وجود بیاید. دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ۸۶

بسیاری از موفقیت‌های انقلاب اسلامی نیز تحت تاثیر همین بیداری بوده است:

- شما به برکت این بیداری و هوشیاری کارهای زیادی کرده‌اید، عرصه‌های زیادی پیش رفته‌اید و تصرف کرده‌اید، موفقیت‌های بزرگی به دست آورده‌اید؛ باز هم در سایه‌ی همین بیداری و هوشیاری است که خواهید توانست قله‌ها را فتح کنید، خواهید توانست خود را از آسیب‌پذیری بیرون بیاورید. کاری کنید که دیگر کسی جرأت نکند ملت ایران را تهدید هم بکند. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۶

و تنها راهکاری که ملت‌های مسلمان برای مواجهه با استکبار در اختیار دارند، همین بیداری است:

- در مقابل روح سرکش و طغیانگری که امروز استکبار دارد، فقط یک عامل وجود دارد که می‌تواند آن را مهار کند و جلو این طغیانگری را بگیرد و آن، بیداری و اراده ملت‌هاست. وقتی ملتی بیدار است، حقوق خود را می‌شناسد، دشمن را می‌شناسد، هدف او را می‌داند و تصمیم می‌گیرد در مقابل او بایستد. این‌جاست که دیگر گمیت استکبار و امریکا و همه تجهیزات نظامی لنگ است. این‌جاست که دیگر نمی‌تواند کاری بکند. این همان نکته اساسی است که انقلاب اسلامی از اول روی آن تکیه کرد و نظام اسلامی براساس این پایه مستحکم، خود را بنا نمود. دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۸۲

- ملتها در چنین مقاطعی یک راه بیشتر ندارند و آن اینکه جوهر خودشان را نشان بدهند، قدرت خودشان را به صحنه بیاورند، از تواناییهای خودشان استفاده کنند تا دشمن نتواند بر روی ضعفها و ناتوانیهای آنها تکیه کند. جز این راهی برای یک ملت وجود ندارد. این کاری بود که ملت ایران کرد. این کار هم احتیاج دارد به بیدار بودن، آگاه بودن، تنبلی نکردن، دل به خواسته‌ها و آسایشهای حقیر مادی نقد و کوچک نسپردن، اهداف و آرمانهای بزرگ را در نظر گرفتن و وارد میدان شدن؛ به این احتیاج دارد. اساسش بیداری است؛ این کار را ملت ایران کرد. دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ۸۶

- این که می‌گوییم عمل به اسلام، این است که ما حرف و وعده‌ی قرآن را قبول داشته باشیم، معنایش این است که وقتی قرآن می‌گوید «وَلْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصِرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»، این را باور کنیم. اگر نصرت خدا کردید، «لْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ»، خدا شما را نصرت میکند. «إِنَّ اللَّهَ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ»، این را باور کنیم. این معرفت قرآنی به ما یک‌چنین باوری را میدهد؛ آن وقت ثمره و نتیجه‌اش در بیداری ملتها، در ضعف روزافزون قدرتهای متجاوز و در به هم خوردن برنامه‌ی متجاوزان و مستکبران برای کشورهای مسلمان، اینجاها ظاهر میشود. دیدار قاریان شرکت کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن ۸۵

اگرچه مرور اجمالی سطور فوق می‌تواند نشانه‌های فراوانی از مفهوم بیداری را در اختیار خواننده قرار دهد، اما در ادامه، به شکل تفصیلی، ابعاد اصلی بیداری مورد توجه قرار خواهد گرفت. دو بعد اصلی شکل‌دهنده مفهوم بیداری که در سطور بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: "آگاهی" و "عزت و خودباوری".

آگاهی

آگاهی از جمله موضوعات مهمی است که بارها و بارها مورد اشاره و ترغیب و تمجید معظم له قرار گرفته است. بررسی بیانات ایشان نشان می‌دهد که نمونه‌های مختلفی از آگاهی مورد اشاره ایشان قرار گرفته است. با

این حال به نظر می‌رسد که مهمترین ابعادی که در حوزه آگاهی مورد اشاره معظم له قرار گرفته است، آگاهی به خویشتن و آگاهی به دشمن است:

- امروز کشور ما خوشبختانه دوره‌یی را می‌گذراند که دو آگاهی در آن هست: یکی آگاهی به توانایی و استعداد ذاتی خود؛ دوم آگاهی به این‌که قدرتهای در پی سیطره‌ی بر کشور ما و بر کشورهای نظیر ما، مهمترین معارض دشمنان شدن و پیشرفت علمی کشور ما هستند. یعنی آگاهی به معنای خودشناسی، و آگاهی به معنای دشمن‌شناسی و توطئه‌شناسی. به برکت این دو آگاهی، این امید وجود دارد که ما بتوانیم به پیشرفتهای عظیم علمی نایل شویم. دیدار اساتید دانشگاه ۸۴

خودآگاهی

نمونه‌های فراوانی از آگاهی وجود دارد که ذیل عنوان خودآگاهی قرار می‌گیرند. برخی از این موارد عبارتند از:

- معرفت: در نظام نبوی، پایه همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص، به نیروی فعال - نه نیروی منفعل - بدل می‌کنند.
- آگاهی‌های تاریخی: بسیاری از این کج‌روی‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید، ناشی از کمبود آگاهی است. نسل امروز - به‌ویژه نسل جوان ما - باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد.
- توانایی‌ها: انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶

• **استعدادها:** این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد و جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. دیدار اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۸۲

• **تنوع قومی:** مشخص کنید که این قوم برای آرمانهای ملی و برای آرمانهای اسلامی، چه گام بلندی میتواند بردارد. آنوقت مسابقه قرار بدهید: مسابقه‌ی بین فارسها، کردها، ترکها، عربها، گرها، ترکمنها، بلوچها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آنوقت معلوم میشود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این میشود یک فرصت. دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۸۸

• **میراث عمیق و غنی:** اسلام با داشتن یک پنجم جمعیت دنیا و با حضور در یکی از حساسترین مناطق جهانی - که این منطقه‌ی مسلمان‌نشین است - و با دارا بودن ثروت و ذخایر عظیم و با داشتن میراث علمی و معنوی عمیق و عریق و کهن، بالقوه می‌تواند با جمع‌آوری امکانات خود مجموعه‌یی مقتدر، ثروتمند و مستقل تشکیل بدهد. دیدار مردم پاکدشت، در سالروز عید سعید غدیر ۸۳

• **حقوق:** هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خودش آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۸۰

واضح است که بررسی بیشتر بیانات معظم له در این زمینه می‌تواند گونه‌های دیگری از داشته‌های جامعه اسلامی که اعضای جامعه باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند را شناسایی کند. اما نکته‌ای که در اینجا مورد اشاره بود، نقشی بود که آگاهی در بیداری اعضای جامعه اسلامی دارد. تنها جامعه‌ای می‌تواند به معنای واقعی بیداری دست پیدا نماید که اعضای آن از آگاهی‌های مختلفی برخوردار باشند. همانگونه که در صفحات آتی خواهیم دید، یکی از مهمترین راهکارهایی که دشمن برای به غفلت کشیدن جوامع و ناامید کردن آنها از حرکت مورد استفاده قرار می‌دهد از بین بردن آگاهی‌ها، ارائه اطلاعات نادرست یا تحقیر داشته‌های یک ملت است. از این‌رو، آگاهی داشتن اعضای جامعه از داشته‌ها، نقش مهمی در مواجهه با دشمن ایفا می‌کند.

دشمن آگاهی

اگرچه خودآگاهی می‌تواند نقش مهمی در بیداری جوامع ایفا نماید، اما به تنهایی نمی‌تواند کافی باشد، چرا که جامعه اسلامی همواره دشمنانی دارد که در کمین آن هستند و به شکل خاص برای ضربه زدن به این روند خودآگاهی فعالیت می‌کنند. دشمن‌آگاهی، خود از دو بخش اصلی دشمن‌شناسی و دشمنی‌شناسی تقسیم می‌شود. در بخش دشمن‌شناسی، مصادیق دشمنان مورد توجه قرار می‌گیرند و در بخش دشمنی‌شناسی، راهکارهای مورد استفاده دشمنان در برخورد با جامعه اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

- و آگاهی به معنای دشمن‌شناسی و توطئه‌شناسی. دیدار اساتید دانشگاه ۱۴
- در همین نماز جمعه هم یکی دو سال پیش عرض کردم که مهم‌تر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد می‌شود، حواس خود را جمع خواهد کرد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۱
- اگر در هر نقطه‌ای که شما هستید، بتوانید بفهمید دشمن در فکر چیست، یقیناً مبالغه زیادی از حمله دشمن را پیشگیری خواهید کرد و خودتان را مصونیت خواهید بخشید و کارهایی را که باید انجام دهید، انجام خواهید داد. نماز جمعه‌ی تهران به امامت حضرت آیه‌الله خامنه‌ای ۷۸

دشمن‌شناسی (دشمن نظام اسلامی کیست؟)

در دیدگاه مقام معظم رهبری، دو دشمن اصلی همواره به تهدید جامعه اسلامی می‌پردازند. از این دشمنان گاهی به عنوان دشمن و گاهی به عنوان مانع یاد شده است.

اولین دشمن، دشمن درونی نامیده می‌شود:

- ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشته‌ن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به

دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمنهای درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افتتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان در آمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سالهای قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موریانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد، بنا را ویران می‌کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد می‌کند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمدالله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

۱۸۶

- اجمالاً، بشر دو نوع موانع بر سر راه خود دارد: یکی موانعی است که درون وجود خود او قرار دارد و دیگر، موانعی که بیرون از وجود اوست و در داخل شخصیت و روان او نیست. هردو نوع این موانع، خطرناک و باز دارنده حرکتند. از موانع درونی انسان، می‌توان به «خُلُقِیَّات فاسد» اشاره کرد. مثلاً در راه تکامل، خودخواهی انسان یک مانع است. خودپرستی و خودبینی - که انسان فقط شخص خود را به حساب بیاورد و دیگران را به چیزی نشمارد - مانع بزرگی در راه تکامل انسان است که در او حسد،

طمع، حرص و برادرکشی ایجاد می‌کند. انسان مبتلا به این گرفتاریها، بسیاری از جنگها را به راه می‌اندازد و بسیاری از ظلمها و نامردمیها را به وجود می‌آورد. منشأ همه اینها، خودخواهی است. از جمله موانع دیگری که انسان را از راه کمال باز می‌دارد، تنبلی، تن‌پروری، بی‌اعتنائی به کار و بی‌شوقی نسبت به حرکت است. شمادر دعای شب اول ماه رمضان می‌خوانید: «اللهم اجعلنا مَمَّنْ نَوى فَعْمَل و لا تَجْعَلنا مَمَّنْ شَقى فَكسَل و لا مَمَّنْ هُو عَلى غَیر عَمَل یتَکَل» ببینید چه عبارتهای پر مغز و چه درسی در پوشش دعاست! دعا کننده از این که جزو کسانی باشد که دچار کسالت و بی‌عملی هستند، به خدا پناه می‌برد. نمی‌خواهد از جمله کسانی باشد که می‌خواهند، اما عمل نمی‌کنند و انتظار دارند بدون کارکردن نتیجه بگیرند و بدون کشتن بدروند. « و لا تَجْعَلنا مَمَّنْ شَقى فَكسَل و لا مَمَّنْ هُو عَلى غَیر عَمَل یتَکَل.» می‌گویید: خداوند! مرا جزو کسانی که فقط به آرزو تکیه می‌کنند و به عمل و تلاش نمی‌پردازند، قرار نده. شما به جوامع عقب افتاده عالم - از جمله جوامع اسلامی خود ما در کشورهای متعدّد - نگاه کنید! یکی از رازهای عقب افتادگی و انحطاط این کشورها - از لحاظ مادی و معنوی - این است که عمل در زندگی‌شان، نقش زیادی ندارد. اینها دردها و مرضهای درونی است اینها موانع درونی انسان است که او را از کار باز می‌دارد. از جمله، شهوترانی یا میل به شهوات؛ که هر چه می‌خواهد انجام دهد، فکر عاقبت را نکند و دنباله رو هوی و هوس خود باشد. در روایت معروفی نقل شده است که فرموده اند: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان، اتباع الهوى و طول الامل»؛ ترسناکترین بلایی که از ابتلای شما مسلمانان به آن می‌ترسم، این است که دنباله روِ هوای نفس خودتان باشید؛ یعنی شهوترانی کردن و شهوات را بر عقل مسلط ساختن. اینها همه موانع درونی انسان است. اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) در روز عید سعید فطر

۷۱

- ما دو دشمن داریم: دشمنِ اوّل در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناکتر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب

دشمنان بیرونی شدن، مایوس شدن از وعده الهی و تحقق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. همه کسانی که در جبهه‌های عظیم مثل جبهه انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اول در جبهه دل خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آنها را فریب می‌دهد و یا چهره چاپلوس دشمن دچار گمراهیشان می‌کند. انسان اول در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه بیرونی آشکار می‌شود. دیدار مردم قم ۸۱

بنابراین اگر جامعه اسلامی از دشمن درونی خود غفلت کند، توان مواجهه با دشمن بیرونی را نیز نخواهد داشت.

مقام معظم رهبری مد ظله دشمن درونی را در سه دسته اصلی ضعف ایمان، سوء عملکرد (مانند تبلی، بی‌اعتمادی به دیگران، بی‌نشاطی، خودخواهی و ...) و دنیاطلبی خلاصه می‌کند:

- خوب، حالا من دشمن داخلی، یعنی در واقع دشمن درونی را در سه چیز خلاصه می‌کنم. اعتقاد من این است که همه‌ی این چیزها به این سه چیز برمی‌گردد - در بحثهای شما هم که نگاه کردم، به خیلی از این موارد، اشاره و درباره‌اش بحث شده است - اگر ما بتوانیم این سه چیز را علاج کنیم، خیلی از مشکلات، حل خواهد شد. اول هم خود من، نمی‌خواهم از کس دیگری اسم بیاورم. بنده یکی از کسانی هستم که در جریان امور این مملکت، نقش دارم. یک مقدار از ضعفها هم در من است؛ در طبقات مختلف مسئولین و در خواص است. هرچه پایین بیاییم، نقشها کم‌رنگتر می‌شود. این ایرادها در ماهاست؛ باید آنها را برطرف بکنیم. اگر هست، باید برطرف بکنیم؛ اگر نیست که چه بهتر!
- یکی از آنها بی‌ایمانی - ضعف ایمان - است. این آسیب درون است. یکی، سوء عملکرد در همه‌ی زمینه‌هاست؛ از جمله در تبلیغ، که جای صحبت از صدا و سیما هم هست. یکی از آنها دنیا طلبی است؛ یعنی مزه‌ی دنیا را با حرص و ولع، در دهان مزمزه کردن و چرب و شیرین دنیا را قدر دانستن!

به نظر من این سه چیز، عوامل اصلی است و همه چیز، به این سه چیز برمی گردد. هر دستگاه، یا هر فردی که موجب این سه چیز بشود، به انقلاب ضربه می زند. هر کس موجب گردد که مردم به بی ایمانی سوق داده بشوند و ایمان مردم ضعیف بشود، کمک به آسیبهای انقلاب می کند. هر دستگاهی که عملکرد مؤثری دارد، اگر این عملکرد را اصلاح نکند، یا در آن اشکالی و آسیبی وجود داشته باشد، دارای سوء عملکرد است. معنای آسیبها هم که می گوئیم، مطلقاً خیانت نیست؛ که بگوئیم همه جا خیانت است. نه، منظورمان تنبلی، بی دقتی، بی اهتمامی، دلسوزی و تلاش لازم را نکردن، کار علمی انجام ندادن و متناسب با نیاز، پیش نرفتن است؛ همه ی اینها سوء عملکرد است. البته من توقع معصومیت ندارم - که بگوئیم ما باید معصوم باشیم - نه، بالاخره گوشه ی کار، یک جور خالی خواهد ماند؛ لیکن باید تلاش کنیم کار را درست کنیم. یا هر دستگاهی که مردم را به دنیا طلبی سوق بدهد و آنها را تشویق به بهره مندی شخصی و التذاطلخانه از دنیا بکند، به نظر من کمک به آسیبهای انقلاب و ضربه خوردن به انقلاب می کند. شما برادران و خواهرانی که این جا تشریف دارید، به نظر من می توانید در محیط دانشگاه، در بخشی از این مطالبی که گفتم، نقشهای زیادی داشته باشید. تلاش کنید برای این که ایمانها را راسخ و عمیق و ایمانها را پاک و زلال کنید؛ مشوب و غبارآلود نکنید، وسوسه و ریب در ایمان به وجود نیاورید و دلها را آلوده ی به تردید نکنید. این هیچ خدمتی نیست به کسی که یک ایمان صاف و قوی و محکم دارد که ما در ایمان او خدشه و وسوسه و ریب ایجاد کنیم! نخیر، این هیچ توجیهی ندارد. به این عنوان که ما می خواهیم فکر او به کار بیفتد! دیدار شرکت کنندگان در همایش

آسیب شناسی انقلاب ۷۷

همانگونه که در سطور فوق دیده شد، معظم له خطرات دشمن درونی را بیشتر از دشمن بیرونی می داند، اما این نکته باعث نمی شود که از دشمن بیرونی غفلت کنیم، این دستور عقل و شرع مبین است:

- بعضی ناخشنود می شوند از این که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی نگری است. وقتی ما می گوئیم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که

ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهیهای ما در ناکامیابیهای نظام اسلامی بی تأثیر بوده است. نخیر؛ این طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرَافْنَا فِيْ امْرَا(۲)». نباید اسراف، زیاده روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه شریفه که به ما تعلیم می دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می فرماید: «و ثَبْتَ اَقْدَامَنَا وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ(۳)»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حداکثر بهره را می برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می کند. دیدار مردم قم ۸۱

دشمن بیرونی

دومین دشمنی که جامعه اسلامی را به شکل جدی تهدید می کند، دشمنی است که به عنوان دشمن بیرونی شناخته می شود. اما دشمن بیرونی چیست؟

- دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۶

• دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقق مقاصد خود حاضرند همه دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگهای خونین راه بیندازند، برای این‌که به منافع خود دست پیدا کنند. امروز تهدیدهای امریکا علیه عراق، دیروز علیه افغانستان، در طول این سالیان علیه مردم فلسطین و مردم لبنان را نگاه کنید! عربده‌کشیهای مستکبران عالم را ببینید! اینها جلوه‌های همان دشمن بیرونی است. دیدار مردم قم ۸۱

• یک نوع موانع هم، خارج از وجود انسان است. مثلاً حکومتهای ظالم و دیکتاتور، در طول تاریخ مانع تکامل انسانها بوده‌اند. سرمایه‌داران بزرگ و زراندوز که همه تلاش خود را صرف این می‌کرده‌اند که خود به نوایی برسند، دیگران را برای رسیدن به مقاصد خود استخدام و استثمار می‌کردند. اینها جزو موانع کمال بشرند. فساد آنها، ظلم آنها، قدرت آنها، پول آنها، شلاق آنها، شمشیر آنها، امروز بمب اتم آنها، موشکهای بالستیک آنها، سیاستهای پیچیده آنها، توطئه‌های تبلیغاتی آنها، نیروهای نظامی آنها، همه و همه، موجب می‌شود که میلیاردها انسان، از راه کمال باز بمانند. در کشورهایی هم که سلاطین مستبد بر انسانها حکومت می‌کنند، یا حکام وابسته به اجانب و قدرتها زمام امور را در دست دارند، انسانها نمی‌توانند راه کمال را بپیمایند. وقتی نظام اجتماعی، غلط و ظالمانه است و براساس صحتی استوار نیست؛ وقتی انسانها از حکومت سالم، قانون درست و رجال مؤمن و دلسوز برخوردار نباشند، در چنین شرایطی انسان نمی‌تواند به تکامل برسد. اگر این موانع وجود نداشت، چهره عالم و تاریخ به گونه‌ای دیگر بود؛ یعنی این همه ظلم و فقر و فساد و بدبختی و این همه پایمال کردن حقوق ضعفا در عالم نبود؛ یعنی این همه برادرکشی و محرومیت و فاصله طبقاتی وجود نداشت. همه بدبختیهایی که در طول تاریخ بشر بوده است، امروز هم که قرن پیشرفتهای عظیم علمی است، عیناً در دنیا دیده می‌شود. اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن‌الحجج، علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) در روز عید سعید فطر

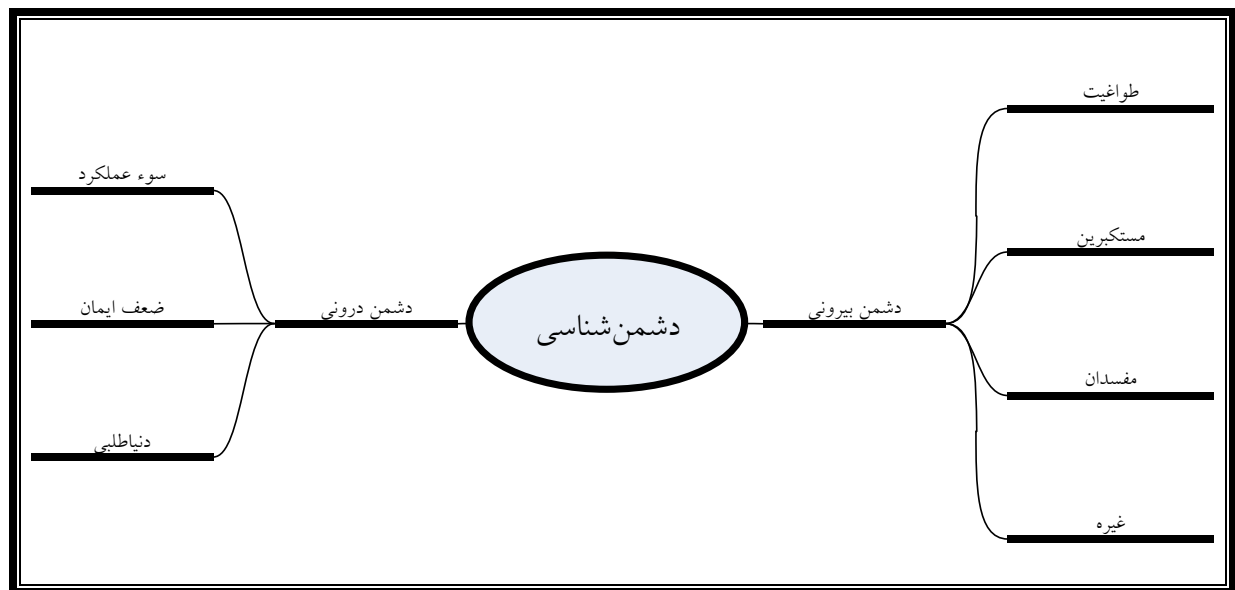
مصادیق مختلفی به عنوان دشمن بیرونی نظام اسلامی در بیانات معظم له مورد اشاره قرار گرفته‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

- **دولت مستکبر امریکا:** امروز امریکا - منظورم حکومت امریکا است - مظهر ظلم علیه بشریت است و به خود مردم امریکا هم امروز دارد ظلم میشود. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۶

- **نظام‌های طاغوتی و شبکه‌های مفسد صهیونیستی:** نظام طاغوتی و شبکه‌ی مفسد صهیونیستی در دنیا، امروز مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسل‌های بشری است. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۶

- **طمع‌ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می‌بینند، دشمنند.** دیدار جمع کثیری از مردم قم ۷۹

دلایل فراوانی برای این دشمنی وجود دارد که بسیاری از آنها در بخش‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفتند.



دشمنی شناسی

شناسایی راهکارهایی که دشمن از طریق آنها به نظام اسلامی ضربه می‌زند، به اندازه شناسایی دشمنان نظام اسلامی اهمیت دارد. عمده مباحث مطرح شده در مبحث راهکارهای دشمنی دشمنان در حوزه فرهنگ در بیانات معظم له به دو حوزه تهاجم فرهنگی و استعمار فرانو تقسیم نمود.

تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی موضوعی است که از ابعاد و مولفه‌های مختلفی برخوردار است:

- تهاجم فرهنگی یک مسأله بسیط نیست؛ بلکه طراحیه‌ها و برنامه‌ریزیهایی که دشمن برای هدف قرار دادن اعتقاد، اخلاق و فضیلت در قشرهای مختلف می‌کند، هرکدام به نحوی با وسایل و ابزارهای فرهنگی است و طبعاً مقابله با آنها نیز متنوع است و نمی‌شود یک نسخه واحد برای همه جا نوشت.

جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۲

- من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌یی خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا این‌جا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا این‌جا مخالفم. مسأله‌ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. دیدار جوانان، اساتید، معلمان و

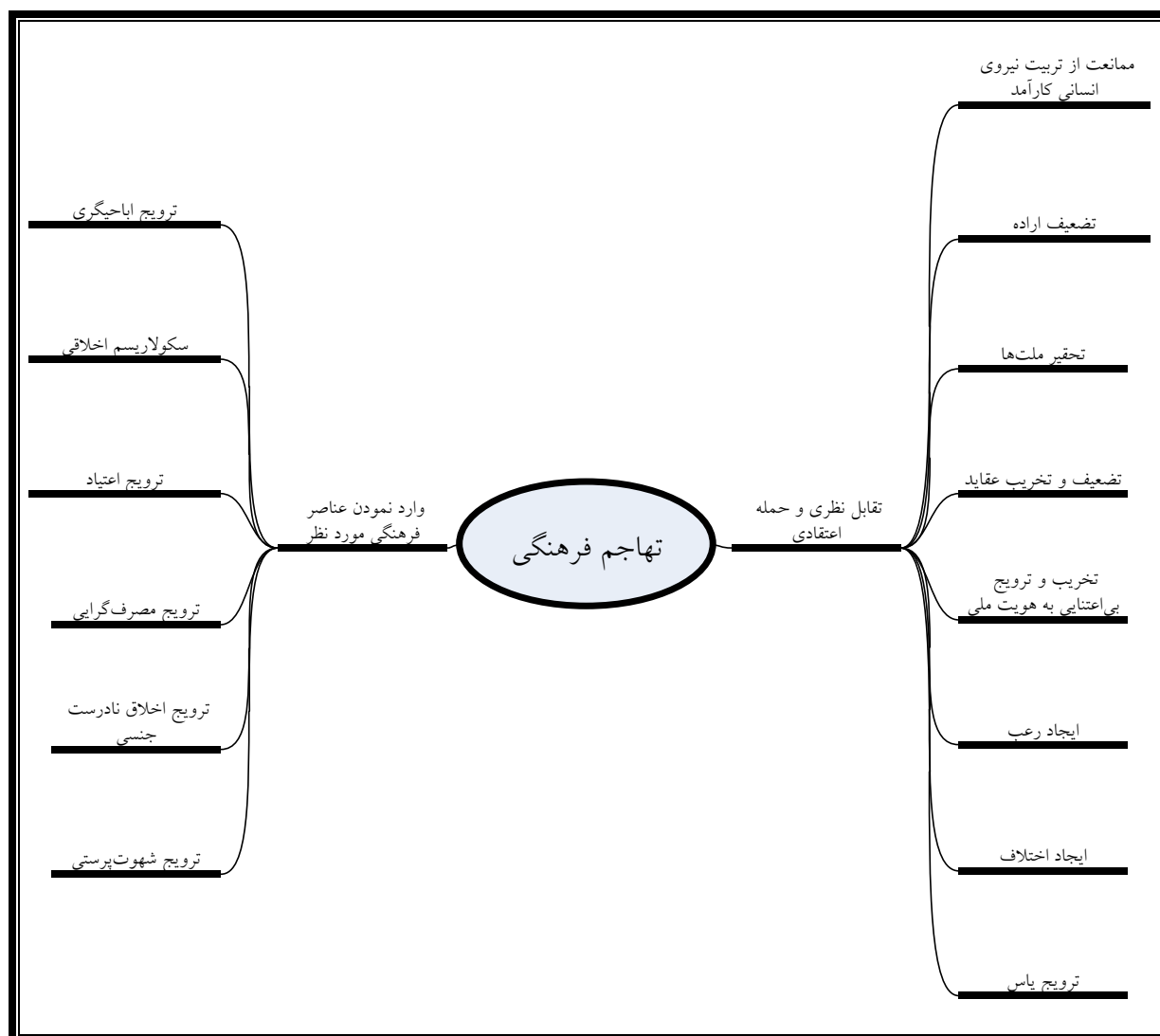
دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳

- هدف از این تقابل نظری و حمله اعتقادی، معلوم و روشن است. نظام جمهوری اسلامی متکی به مردم است و مردم هم با ایمان و روحیه و اعتقاد خود به این نظام علاقه‌مند و دلبسته‌اند و از آن دفاع می‌کنند؛ این حقیقت در طول این سالها فهمیده شد. اگر این ابزار از دست نظام اسلامی گرفته شود، بدیهی است برای کسی که فکری برای این کشور و این نظام در سر دارد، چقدر حائز اهمیت است. لذا

دیدیم از همان سالهای هفتاد و سه و هفتاد و چهار روز به روز این تقابل شدیدتر شد و رخنه افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام در سطوح مختلف شروع گردید. حتی در خود انقلاب و حتی در ریشه های عمیق تر انقلاب - مانند اسلام، عاشورا، تشیع و جدا نبودن دین از سیاست - که جزو مبانی مسلّم فکری در نظر متصدیان انقلاب و روشنفکران کشور و پیشروان این حرکت عظیم بود، شبهه افکنی و تردید افکنی به شکل همه جانبه و عمیق شروع شد. سمینارها و کنگره ها تشکیل دادند، نشریات تخصصی در خارج از کشور منتشر کردند و هر چه هم توانستند، در داخل کشور از پایگاههایی که در اختیارشان بود، استفاده کردند. البته عده ای نمی فهمیدند چه کار می کنند، اما عده ای هم می فهمیدند. بعضی از عناصر داخلی می فهمیدند چه کمک بزرگی به دشمن می کنند؛ کمکی که متأسفانه تا امروز هم ادامه دارد و به عنوان شیوه ای که دشمن آن را انتخاب کرده است، ادامه خواهد داشت.

دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۲

به طور کلی، دو حوزه اصلی در زمینه تهاجم فرهنگی در بیانات معظم له قابل شناسایی است: تخریب دارایی ها و وارد نمودن مولفه های فرهنگی مورد نظر.



تخریب سرمایه فرهنگی

در این نوع از تهاجم، دشمن داشته‌ها و دارایی‌های ملت‌ها که موجب کرامت آنها می‌شود را مورد هدف قرار می‌دهد و حلقه ارتباط بین خودآگاهی و عزت جوامع را قطع می‌کند؛ چه اینکه دیگر چیزی برای ملت‌ها نمی‌ماند که بخواهند به آن افتخار کنند یا اینکه دارایی‌های باارزششان برایشان بی‌ارزش می‌شود. برخی از اهداف دشمن در تخریب سرمایه فرهنگی ملت‌ها عبارت است از:

• **رخنه‌افکنی در اعتقادات:** لذا دیدیم از همان سالهای هفتاد و سه و هفتاد و چهار روزبه‌روز این تقابل

شدیدتر شد و رخنه‌افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام در سطوح مختلف شروع گردید. حتی در

خود انقلاب و حتی در ریشه‌های عمیق‌تر انقلاب - مانند اسلام، عاشورا، تشیع و جدا نبودن دین از سیاست - که جزو مبانی مسلم فکری در نظر متصدیان انقلاب و روشنفکران کشور و پیشروان این حرکت عظیم بود، شبهه‌افکنی و تردیدافکنی به شکل همه جانبه و عمیق شروع شد. سمینارها و کنگره‌ها تشکیل دادند، نشریات تخصصی در خارج از کشور منتشر کردند و هرچه هم توانستند، در داخل کشور از پایگاه‌هایی که در اختیارشان بود، استفاده کردند. دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۸۲

- **تخریب آرمان‌ها:** قصد نظام استکباری امریکا و صهیونیست‌هایی که دستشان در دست آنهاست و با هم در یک جبهه هستند، این است که بتوانند ملت را نسبت به آرمانها و عقاید و هدفهای بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کنند خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۲

- **تضعیف هویت ملی:** استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه اینها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است. یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد. دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به‌مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی)

۷۸

اگر یک کشوری همه‌ی اینها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود، فرهنگش وابسته‌ی به دیگران بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا اگر گذشته‌ای داشت، آن گذشته را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت

نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان

سمنان ۱۵

- **تحقیر ملت‌ها:** برای این‌که بشود انسانی را زیر پنجه‌ی خود آورد و اسیر کرد، بهترین راه این است که به او تلقین بی‌پناهی شود؛ بگویند تو بی‌پناهی، فایده‌ی ندارد، چاره‌یی ندارد؛ تا مجبور شود بیاید زیر چتر این قدرت قرار بگیرد. در طول صدوپنجاه سال گذشته با ما این کار را کردند؛ اسلام و گذشته و میراث فرهنگی و ارزشهای دینی و ملی و ملیت و همه چیز ما را تحقیر کردند. غریبهایی که می‌خواستند بر دنیا تسلط پیدا کنند، همه‌ی تمدن‌ها را تحقیر و بسیاری از آنها را نابود کردند. دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان ۱۳

جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند. این چیزی بود که در طول دوران حکومت‌های استبدادی و سپس حکومت وابسته پهلوی نادیده گرفته شده بود. حکومت‌های استبدادی گاهی خدمات بزرگی هم از قبیل فتوحات و عمران و آبادی به ملت کرده‌اند؛ اما بزرگترین ارزش انسانی هر انسان را که عبارت است از آزادی، اختیار، استقلال و در اختیار داشتن سرنوشت خویش، از ملت ایران گرفته بودند. این طبیعت همه حکومت‌های دیکتاتوری است. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ۱۲

برای این که مسلمان بی‌خطر شود، دوکار باید با او بکنند: یکی این که او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم این که روحیه او را بشکنند و تحقیرش کنند. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۷۵

- **ایجاد رعب:** چون تلاش جریان‌های سیاسی ضدّ جمهوری اسلامی و ضدّ این حرکت عظیم اسلامی ملت ایران و ملت‌های منطقه - این جریان تبلیغاتی عظیمی که امروز به راه انداخته‌اند - در جهت ایجاد تلاطم - هم تلاطم‌های اجتماعی و هم تلاطم روحی - است؛ یعنی دل‌ها را مضطرب کردن، نگران و

ترسان کردن که امروز سیاست کلی امپراتوری خبری در دنیا این است و تازگی هم ندارد - نه نسبت به ما در این بیست و چند سال و نه نسبت به جریان حق در طول تاریخ اسلام از اول تا امروز - لذا ملاحظه می‌کنید یکی از مطالبی که در قرآن روی آن به عنوان یک موضوع منفی تکیه شده، «مرجفون» است؛ یعنی همان کسانی که سعی می‌کنند دلها را مضطرب، پریشان و ملتهب کنند و دلهره ایجاد نمایند. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۸۲

قدرت‌های استکباری به انواع شیوه‌ها می‌خواهند ملتها و دولتمردان و مسئولان و نظامیان و آحاد ملت را در مقابل هیمنه خودشان دچار رعب و تردید کنند. یک ملت اگر دچار تردید شد، رفتنی و پامال شدنی است. بیانات رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه دریایی امام خمینی (ره) و دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه نوشهر ۷۸

- **ایجاد تفرقه:** اولین توصیه قرآن، توحید و توجه به خدا و شکستن بت‌های زر و زور - به هر شکل که هستند - است. توصیه دیگر قرآن به مسلمانها، اتحاد کلمه آنهاست. اگر ما نهی قرآن را - که می‌گوید «ولا تفرقوا» - مورد توجه قرار ندهیم و به بهانه‌های مختلف بین خود اختلاف و تفرقه ایجاد کنیم و امت اسلامی را قطعه قطعه و جدا جدا کنیم، نتیجه همین وضعی می‌شود که ملاحظه می‌کنید: دشمن به قطعه‌ای از پیکر اسلامی حمله می‌کند، دیگر قطعه‌ها انگار نه انگار! در حال خواب خوش هستند! این جدایی است. باید به قرآن برگردیم. برگشتن به قرآن، فقط به تلاوت و حفظ آن نیست. تلاوت و قرائت و حفظ قرآن، مقدمه فهم و عمل است. مراسم اختتامیه‌ی هجدهمین دوره مسابقات حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم ۸۰

یک توطئه‌ی عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فرق اسلامی وجود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئله‌ی شیعه و سنی را مطرح میکنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنی نیست، بلکه می‌خواهند بقیه‌ی فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه‌های اصولی، فرقه‌های فقهی، فرقه‌های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم

فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن میخواهد و بخصوص انگلیسها در این قضیه متبحرند؛ خیلی مجربند؛ سالهایتمادی - دهها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صدها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را میشناسند؛ روی آنها انگشت میگذارند برای ایجاد اختلاف. الان هم بشدت مشغولند. دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

۸۶

سیاست دشمنان اسلام و مسلمین بر تفرقه قرار گرفته است؛ میخواهند بین مسلمانها ایجاد اختلاف کنند. این برای آنها از هر جنگ نظامی، از هر حرکت سیاسی، از هر چالش اقتصادی باصرفه تر است. متأسفانه زمینه ها هم فراهم شده است؛ مقداریش مربوط به تاریخ است، مقداری هم مربوط به جهالت های ما در همین دوران خود ماست. حالا غیر از اختلاف اقوام مختلف و ملت های مختلف، اختلاف مذاهب؛ شیعه و سنی - که اگر مسئله شیعه و سنی نبود، میرفتند سراغ مذاهب درون هر یک از این دو فرقه؛ بین آن فرق خاص و نحله های خاص تسنن یا تشیع و آنها را آتش افروزی میکردند، که حالا به آنها فعلاً کاری ندارند - چون خود مسئله شیعه و سنی، وسیله خوبی است برای ایجاد اختلاف بین آنها؛ این را ما در همه جا داریم می بینیم. دیدار با کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج ۸۶

دنایای غرب ما را تکه پاره کرده است، ما را در مقابل هم قرار داده است. قومیت های ما را سلاحی برای برخورد با برادران مسلمان قرار داده است و ما هم نادانسته و جاهلانه، این توطئه و این ترفند را پذیرفتیم و در این دام قرار گرفتیم. باید به خود بیاییم. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۸۶

یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، اختلافات مذهبی - شیعه و سنی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و رقابت های صنفی را ترویج و تبلیغ می کنند. در داخل، مزدوران و ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در اینجا به شکل های گوناگون عمل می کنند. اینها شایعه پراکنی می کنند. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۶

امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج ۸۳

ملت ایران! البته شما این موضوع را می‌دانید، باز هم بدانید که دشمن از یک چیزهایی عصبانی می‌شود؛ ما باید حواسمان باشد. دشمن از وحدت ملی ما ناراضی است؛ می‌خواهد این وحدت ملی را از بین ببرد. دشمن از این‌که در سطوح بالای کشور، مسئولان کشور در مسائل اساسی یک نظر و یک عقیده داشته باشند، بشدت ناراحت است. آن وقتی که می‌بینند رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و مسئولان گوناگون درباره‌ی فلان مسأله یک‌جور حرف می‌زنند، اینها می‌خواهند یقه‌ی خودشان را پاره کنند؛ ناراحتند؛ می‌خواهند اختلاف بیندازند. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۳

دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی فقط به دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند ... دوم دسته‌بندی و اختلاف ایجاد کنند. این دو نقطه امید برای صهیونیستها، امریکاییها، استکبار و دشمنان

نظام اسلامی وجود دارد. همه متوجه این دو نقطه باشند. اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس ۸۲

مردم، مسئولین، سیاسیها و جوانان عزیز ما خیلی مواظب باشند. دشمن، خواهان دسته‌بندیهای سیاسی و جدایی بین صفوف مردم است. خط دشمن در کشور ما عبارت است از جدا کردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه. شاهد بودید که در سال هفتاد و هشت این مسائل را به جنجالهای خیابانی هم کشاندند که قدرت بسیج مردمی جلو تجاوزات آنها را گرفت. جوانان عزیز هوشیار باشند و بدانند که نقشه‌های دشمن در این کشور چیست و چه می‌خواهد. اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس

۸۲

امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه میان آحاد مردم است. خطبه‌های نماز جمعه‌ی

تهران ۸۱

یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال می‌کنند، این است که وحدت ملی و وحدت بین مسئولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروههای مردم را با نامهای مختلف از هم جدا کنند و میان آنها دیوار

بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحثهای مجادله‌آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند. انقلاب اسلامی آمد دیوارها را برداشت و ملت را یکپارچه کرد؛ اما اینها درست عکس آن را دنبال می‌کنند. با طرح مسائل انحرافی، از طرف دیگر وحدت مسئولان کشور را از بین ببرند؛ بین آنها دائم اختلاف بیندازند؛ یکی را تضعیف و یکی دیگر را تقویت کنند. این اهداف را دنبال می‌کنند. من می‌خواهم این را بگویم: آنچه آنها انجام می‌دهند، کارهایی است که خودشان هم ناامیدند که به نتیجه برسد و می‌دانند به نتیجه نخواهد رسید. اگر ما هوشیار باشیم و وظیفه خود را بدانیم و به آن عمل کنیم، همه تدابیر دشمن، ناموفق خواهد بود. دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۸۱

آنچه که من امروز در پایان این بحث می‌خواهم عرض کنم، این است که ای ملت ایران! ای جوانان عزیز! ای روشنفکران! ای مجموعه‌های سیاسی! «اتقوا الله»؛ از خدا بترسید و پرهیزگار باشید. پیام بزرگ نماز جمعه در هر هفته، تقواست. تقوای خدا به این است که فریب دشمن را نخوریم و تسلیم تحمیل دشمن نشویم. دشمن می‌خواهد بین ما اختلاف بیندازد. دشمن آرزو می‌کند که بین مسئولان اختلاف باشد. دشمن آرزو می‌کند که در ایران جنگ داخلی باشد. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۹

کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار میکند، درباره‌ی او دآوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بداند یا نداند. ممکن است ندانند، اما سرانگشت دشمنند؛ برای دشمن کار میکنند. نتیجه یکی است. دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۸۸

- **ایجاد یاس و ناامیدی:** ملت ما ملتی است با استعداد، دارای قابلیت، دارای ظرفیت، دارای ثروتهای عظیم طبیعی؛ چنین ملتی می‌تواند پیشرو باشد. دلیلی ندارد که این ملت، ناامید باشد؛ اما آنها می‌خواهند واقعیتها را تغییر دهند و ملت را ناامید کنند؛ می‌خواهند اعتماد ملت را به مسئولان ضعیف کنند. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۶

دل‌های مردم ما را که در سایه‌ی امید می‌توانند این راه طولانی و دشوار، اما شوق‌برانگیز را طی کنند، ناامید کنند؛ دل‌پاشان را از امید خالی کنند. اینها جزو برنامه‌هایی است که دشمن طراحی می‌کند. دیدار

مردم شاهرود ۸۵

این‌که منفی‌بافی کنیم و بگوییم «نمی‌شود، آقا نمی‌گذارند، آقا فایده‌یی ندارد»، سم مهلک این حرکت است. یک روز آمدند این سم را ساختند و در آب فرهنگی این ملت تزریق کردند. یک روز آمدند

صریحاً گفتند «ما نمی‌توانیم» دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۸۷

شما می‌دانید در دوره‌ی پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود. همه‌ی ما از بچگی این‌طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه‌ی زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

۸۴

توجه داشته باشید که ده‌ها سال در این کشور، حساب شده و به نشان، کار کردند برای این‌که ثابت کنند ایرانی نمی‌تواند. ما می‌خواهیم نشان دهیم که ایرانی می‌تواند. دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر

کشور ۸۴

این هم جزئی از تبلیغات دشمن است. همه هدف تبلیغات دشمن این است: «بدبخت شدید! بیچاره شدید! از بین رفتید؛ تمام شد!» این تبلیغات مربوط به امروز هم نیست؛ سال‌هاست همین مطالب را تکرار و ترویج می‌کنند - و من حالا نمونه‌های متعددی در ذهن دارم که یادم است؛ اما نمی‌خواهم وقت را به این مسائل بگذرانم - و هدف هم چیزی جز این نیست که شما را وادار کنند تا از موضع خود عقب‌نشینی کنید. این موضع، مسأله غربی نیست؛ موضعی منطقی و صحیح است. شما ملت و جمعیت و هیأت حاکمه‌ای هستید که حاکمیتی بر اساس اراده ملت تشکیل داده‌اید و حرف خودتان را می‌زنید، راه خودتان را می‌روید، آرمانهای خودتان را می‌طلبید، که بدیهی است آنهایی که حیات و بقا و

افزایش حجمشان به این است که از ملتها بکنند، طبعاً منتفع نمی‌شوند؛ متضرر می‌شوند؛ بنابراین با این حرکت مخالفند. این، بدیهی، ضروری و روشن است و به همین دلیل می‌خواهند طرف خود را وادار به عقب‌نشینی کنند. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۸۲

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند ... سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. نماز جمعه‌ی تهران به امامت حضرت آیه‌الله خامنه‌ای ۷۸

کاری که دشمن می‌خواهد بکند، این است که یأس را بر دلها حاکم کند و هر کس به گونه‌ای مایوس باشد: دانشجو یک‌طور، دانش‌آموز یک‌طور، کارگر یک‌طور، روحانی یک‌طور، کاسب یک‌طور، اداری یک‌طور، مسئول دولتی یک‌طور، مسئول بلندپایه یک‌طور. هر کدام روشهایی دارند؛ ما از نزدیک می‌بینیم. روشهایی دارند که حتی برخی از مسئولان بلندپایه را هم در یک کشور مایوس کنند. ما مسئولانی را از کشورهای دیگر می‌بینیم که گاهی با ما صحبت می‌کنند، دلشان پر از یأس است. واقعاً آدم مایوس چه کار می‌تواند بکند؟ دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان ۷۶

- **ممانعت از تربیت نیروی انسانی کارآمد:** ما این را باید باور کنیم و همه دست‌اندرکاران فرهنگ کشور باید باور کنند که ما امروز آماج تهاجمات فرهنگی دشمنانمان هستیم، هم به صورت آمیختن فرهنگ انقلابی ما و چیزهایی که آن را از خلوص و کارایی می‌کاهد و هم به صورت مانع تراشیدن بر سر تربیت انسان‌های کارآمد و متخصص که می‌توانند کشور را اداره کنند. شکی نیست که دشمن نسبت به همه اینها برنامه‌ریزی کرده است، هم به صورت جذب و هم به صورت ربودن مغزها و استعدادهای درخشان از میان ما. این را می‌دانیم که روی این نسبت به همه کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما و بخصوص با توجه به انقلاب اسلامی و خطراتی که آن انقلاب برای استکبار دارد، نسبت به کشور ما به طور ویژه برنامه‌ریزی کرده‌اند تا نگذارند که مغزهای کارآمد و درخشان و استعدادهای برجسته‌ی اینجا رشد کنند، یا بمانند؛ و برنامه‌ریزی دارند، پول خرج می‌کنند. آنها اصلاً دستگاه‌هایی در اختیار دارند برای اینکه شناسایی کنند استعدادهای درخشان را در کشورهای مختلف و آنها را چه در دوران

کودکی و جوانی و نوجوانی و چه در دوران به ثمر رسیدن و کارایی برابند. خوب ما از همه طرف مواجه هستیم با دشمنی و خصومت دشمنان اساسی و فرهنگی خود در عالم که نگذارند در زمینه فرهنگ عمومی و چه در زمینه کار مدرسه و تربیت نیروی انسانی به مقاصد خودمان برسیم. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۶۸

وارد کردن عناصر فرهنگی مورد نظر

دشمن علاوه بر تلاش برای تخریب داشته‌های ملت‌ها، تلاش می‌کند تا عناصری را وارد فرهنگ این کشورها نماید. این عناصر معمولاً ماهیت تخریبی دارند. برخی از عناصری که در این زمینه مورد اشاره معظم له قرار گرفته است عبارتند از:

- **اباحیگری:** جوانان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی‌ای که می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لائالیگری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنایی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسئولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان می‌پردازند باید مراقب این موارد باشند. امروز مبارزه با امریکا این‌جاست. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۲
- **اعتیاد:** جوان مسلمان در محیطی رشد کند که در آن، انواع و اقسام تحریک به شهوت، تحریک به فساد، تشویق به بیکارگی و بی‌عاری، تشویق به اعتیاد و گرفتاریهای گوناگون، تشویق به وابستگی سیاسی و فرهنگی به بیگانگان موج بزند و در این فضای فرهنگی معلق باشد. آیا این برای کسی که در فضای فرهنگی کشور تنفس می‌کند، مضر نیست؟ دیدار جمع کثیری از مردم قم ۷۹
- **مصرف‌گرایی و اخلاق جنسی نادرست:** آن وقت اگر اقتضاء می‌کرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به راحتی این کار را انجام می‌دادند دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۸۵

- **شهوت پرستی:** جوان ما را از فکر آینده و همت گماشتن برای بنای آینده، به سمت شهوات سوق بدهند؛ برای این برنامه ریزی می کنند. دیدار مردم شاهرود ۱۵

استعمار فرانکو

بر اساس تعریف مقام معظم رهبری: امروز سیاست استکباری، استعمار فرانکو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در دهها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانکو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملتی که این مستکبر می خواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون این که بدانند، به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود می بیند و دلش می خواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار می کنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه گذاری می کند. این نوع از استعمار کاملاً جدید است؛ استعمار تازه‌یی که ملت‌ها را در چنبره‌ی خودش گرفتار می کند و مجال تکان خوردن را به آنها نمی دهد و دقیقاً باید طبق میل همان مجموعه عمل شود.

بر اساس تعبیرات فوق، استعمار فرانکو استعماری است که در آن دشمن تلاش می کند تا با تحت تاثیر قرار دادن عقاید و تفکرات یک ملت، کاری کند که آن ملت ناخواسته به صورت مطیع اوامر آنها در آید و بر اساس نظر و خواست آنها عمل کند. سه حوزه مهم در ارتباط با استعمار فرانکو در بیانات مقام معظم رهبری یافت می شود که عبارتند از:

- **تقلید گرایی:** تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی دانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته ام؛ نخیر، ترجمه هم خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از

دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه‌ی دیگران بمانیم. یک حرفی را در زمینه‌ی مسائل اجتماعی پنجاه، شصت سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرهنگی گفته، حالا آقایی بیاید در دانشگاه، ذهنش را با غرور پر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان و ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌بازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۸۵

- ترویج گرایش به غرب در همه عرصه‌ها: بزرگترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو‌یست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های مشرق و بخصوص ملت‌های اسلامی آمد، همین بود که در مقابل تبلیغات غرب مرعوب شدند و عقب‌نشینی کردند. این تهاجم خونین و بسیار سهمگین را که سردمداران استکبار غربی از طریق فرهنگ به آنها کردند، نتوانستند تحمل کنند و مجبور شدند عقب‌نشینی کنند و دست‌هایشان را بالا ببرند. در همه‌ی زمینه‌های زندگی، غریب‌ها و اروپایی‌ها فکری را پرتاب کردند که هرکس با آن مخالفت کرد، شروع کردند به هوچیگری و مسخره و اهانت کردن؛ فشار آوردند تا فرهنگ خودشان را حاکم کنند. این فرهنگ تنها امتیازی که داشت این بود که فرهنگ اروپایی بود؛ هیچ امتیاز دیگری نداشت. البته هرکدام از ملت‌ها فرهنگی دارند که می‌توانند از یکدیگر استفاده کنند و فرهنگ خود را با گرفتن تجربه و درس از دیگران تکمیل نمایند. ما با این مخالفتی نداریم و صددرصد موافقیم؛ اما آنچه در دنیا پیش آمد، این نبود. دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۸۲

- نظریه‌پردازی برای استعمار: من البته درباره تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده‌ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصب و لجبازی کنند. نه؛ این تعصب و

لجبازی نیست. برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکن تر و سهلتر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می خواهند با قدرت متمرکز، همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می کنند. در نقطه مقابلش، سعی می کنند با راهها و شیوه های مختلف، افکار و باورها و جهت گیری هایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به گونه ای بیندیشد که آنها می خواهند. وقتی آن طور اندیشید، آن گونه هم عمل و حرکت خواهد کرد. این یک ابزار بسیار رایج است؛ تئوری سازی استعماری. این کار را از اوّل انقلاب در ایران کرده اند و امروز هم می کنند. در جاهای دیگر دنیا هم انجام داده اند؛ مخصوص این دوران هم نیست. جمع دانشجویان و اساتید

دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۸۰